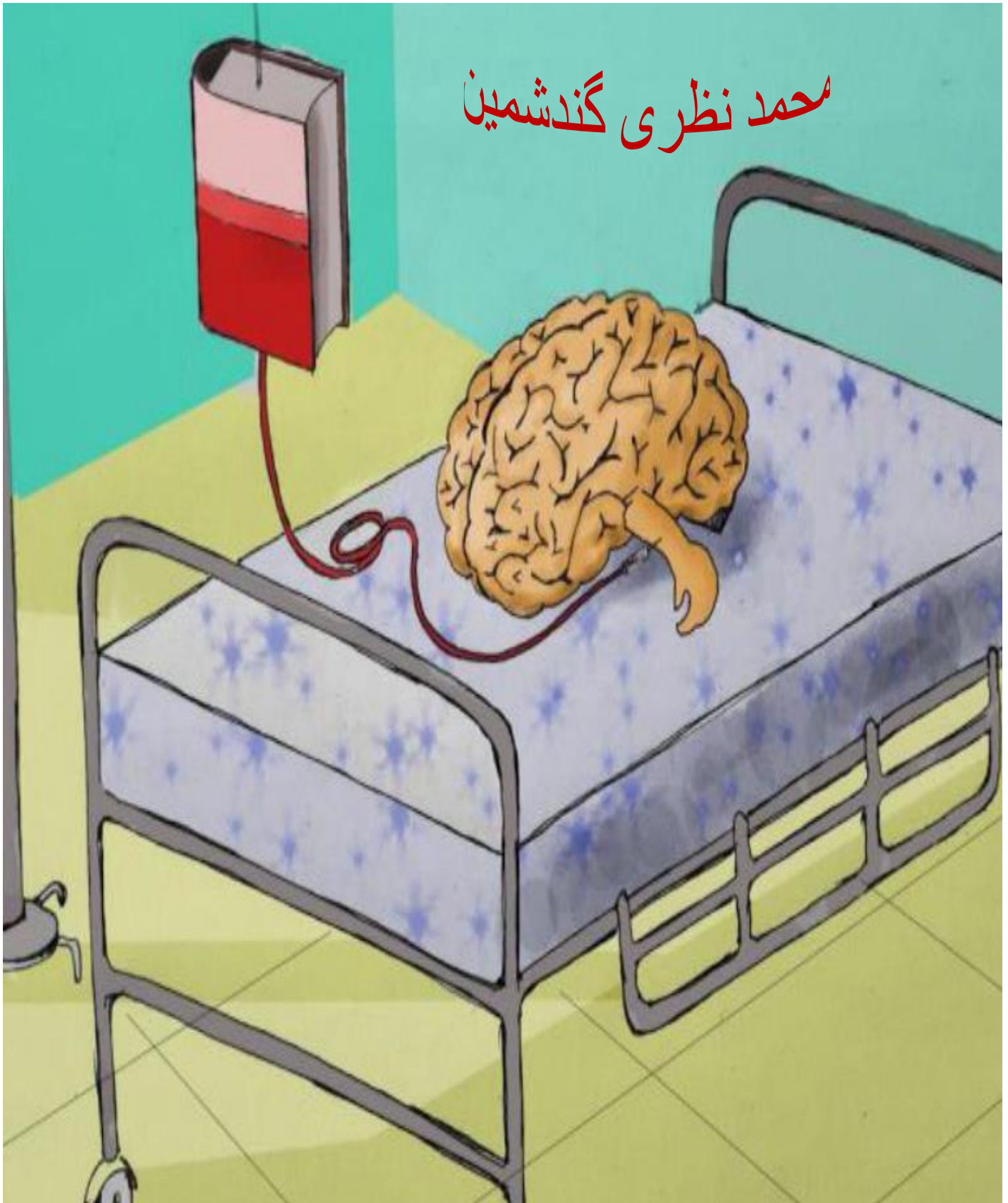


کتاب درمانی (جلد ۵)

محمد نظری گندشمن



فهرست

۴.....	مقدمه.....
۵.....	مطالعه و خشونت.....
۱۰.....	جامعه بی مطالعه خطرناک تر از رسانه زرد.....
۱۷.....	رابطه عکس مطالعه و خشونت.....
۲۴.....	روز جهانی کتاب کودک.....
۲۵.....	روز جهانی کتاب.....
۲۶.....	بنیاد آزادی خواندن.....
۲۸.....	کتاب بازی.....
۲۹.....	سرانه مطالعه.....
۳۴.....	سانسور.....
۴۷.....	کتاب درمانی.....
۴۸.....	سوادآموزی تابعی.....
۴۹.....	کتابخانه عمومی.....
۵۱.....	تبادل کتاب.....
۵۳.....	کتاب در گردش.....
۵۴.....	کتاب دست دوم.....
۵۵.....	جنون کتاب.....
۵۷.....	کتاب آزاری.....
۵۸.....	حاشیه نگاری.....
۵۹.....	نامهربانی با یار مهربان / پاره کردن صفحات کتاب در کتابخانه ملی!.....
۶۲.....	خوانایی.....
۶۴.....	بهترین اپلیکیشن های کتابخوان برای موبایل.....



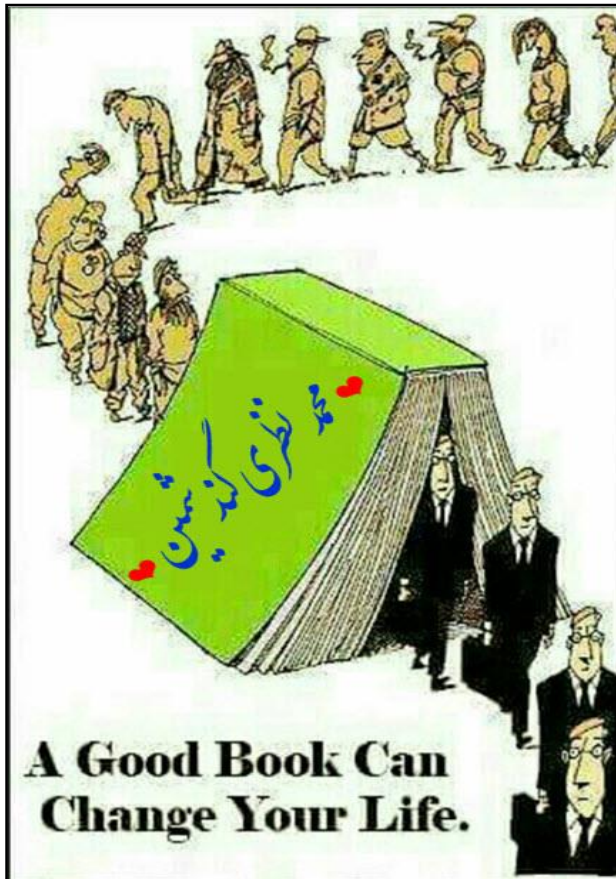
- ۷۴..... مشکل کتاب چیست؟
- ۷۹..... کتاب چیست؟
- ۸۲..... روز جهانی کتاب و کتاب خوانی
- ۸۳..... دلایل نامگذاری ۲۳ آوریل به عنوان روز جهانی کتاب و کتاب خوانی
- ۸۵..... کتاب چیست؟ و چه موقع خطرناک است؟
- ۸۹..... چرا باید کتاب بخوانیم؟
- ۹۱..... ادبیات و کتاب‌های خوب کارخانجات عظیم انسان سازی‌اند
- ۹۶..... چرا کتاب بخوانیم؟
- ۱۰۲..... چه طور فرهنگ کتابخوانی در کشورهای مختلف نهادینه شده است؟
- ۱۰۶..... نامه آبراهام لینکلن به معلم پسرش
- ۱۰۸..... چرا کتاب کاغذی را به کتاب الکترونیک ترجیح می‌دهیم؟
- ۱۱۱..... چه موضوعاتی در مدارس سرتاسر دنیا تدریس می‌شود؟
- ۱۱۷..... تبریز و فروپاشی کتابفروشی‌هایش
- ۱۲۰..... چرا کتاب می‌خوانم؟
- ۱۲۴..... چرا گاهی لازم است کتاب‌ها را زمین بگذاریم و خود بیاندیشیم؟
- ۱۲۹..... اقدامی جالب برای تشویق مردم به کتابخوانی در کابل
- ۱۳۱..... چرا ایرانیان کتاب نمی‌خوانند؟
- ۱۳۸..... چگونه کتابخوانی را همگانی کنیم؟
- ۱۴۴..... اهداف برگزاری هر ساله نمایشگاه کتاب چیست؟
- ۱۴۷..... نامهربانی با «یار مهربان»
- ۱۵۴..... نامهربانی با یار مهربان؛ کتاب
- ۱۶۲..... قرار بود با سواد شویم
- ۱۶۴..... منابع



بنام خداوند دانا و توانا

با سلام و سپاس از دوستان عزیزم

مقدمه



اگر تمام ۲۴ ساعت شبانه روز را به تماشای **تلویزیون** و... بنشینید ، یا که در **شبکه های مجازی** به دنبال **مهملات** و وقت کشی باشید ، یا که **حوادث روزنامه ها** را با آب و تاب بخوانید ، یا که به پای **اخبار** بنشینید و خبرچینی کنید ، هیچ وقت با اینها و امثالهم ، زندگی شما تغییری نخواهد کرد ! **تا وقتی که بر روال ثابت ، عمل می کنید ، هیچ وقت شاهد تغییرات مثبت و دلخواهی در زندگیتان نخواهید شد !** هیچ وقت با دلخوشی های کوچک و آنی نمی

توان به **موفقیت های بزرگ و سبز** دست یافت . آری کتاب ها تو را به تغییر فرا می خوانند و در این راه مثل یک یار مهربان ، همواره همراه و هادی و حامی توست . تو را به مدیریت و اهمیت زمان آگاه می سازد. و تو را برای دگرگونی و تحول زندگیتان به حرکت در می آورد . آری اگر آماده حرکت هستید ، کتابتان را باز کنید و در انتظار **برکت کتاب** باشید ! آری کتاب به تو نیرو و انرژی و انگیزه می بخشد ، در حالی که تلویزیون و شبکه های مجازی ، روزنامه ها و اخبار و... نیرو و انرژی شما را تحلیل می برند و زمان شما را به رایگان، خرج خودشان می کنند و تو را در نهایت ، با دست خالی رها می سازند ! با تشکر

محمد نظری گندشین



مطالعه و خشونت

مالزی نخستین کشور اسلامی در رتبه ۲۸ است. **ایران** با بیش از ۶ میلیون نزاع خیابانی در سال و بیش از ۱۵ میلیون پرونده تازه در سال گذشته (۲۰۱۵) رتبه ای بهتر از ۱۳۸ در جدول نیافته است. در این گزارش، اروپا آرام ترین قاره و کشورهای منایع خاورمیانه و شمال آفریقا خشونت آمیزترین کشورهای جهان بوده اند. مالزی، قطر، کویت، امارات و اندونزی پنج کشور اسلامی هستند که در بالای جدول از ۲۸ به بعد هستند. آرامش در ۲۵ کشور دنیا خیلی بالاست که شامل هیچ کشور اسلامی نمی شود. در ۴۳ کشور آرامش بالاست که شامل ۵ کشور اسلامی فوق است. خشونت به انواع مختلف در ۷۸ کشور از جمله ایران بالاست. ۱۲ کشور فوق هم روی خشونت را سفید کرده اند که به جز روسیه و کره شمالی همه کشورهای اسلامی هستند. جالب این که ۳۰ کشور آرام جهان در صدر کشورهای پُر مطالعه هستند و بدون استثنا رنگینگی مطالعه کشورهای خشونت آمیز بسیار پایین است. اینجاست که نقش پررنگ "جنبش ۱۵ دقیقه مطالعه در روز" و کانال ها گروه های کتابخوانی بیشتر حس می شود!

آیا خشونت و مطالعه با هم رابطه دارند؟

موسسه مطالعاتی «اقتصاد و صلح»، تازه ترین گزارش خود را در سال ۲۰۱۷ با عنوان "شاخص جهانی صلح" را منتشر کرد.

در این بررسی مهربان ترین کشورها عبارتند از:

- ۱- ایسلند ۲- دانمارک ۳- اتریش ۴- نیوزیلند ۵- سوئیس ۶- فنلاند ۷- کانادا ۸- ژاپن ۹- استرالیا ۱۰- جمهوری چک



خشن ترین کشورها عبارتند از:

۱۶۲ - سوریه ۱۶۱ - عراق ۱۶۰ - افغانستان ۱۵۹ - سودان شمالی ۱۵۸ - آفریقای مرکزی
۱۵۷ - سومالی ۱۵۶ - سودان ۱۵۵ - کنگو ۱۵۴ - پاکستان ۱۵۳ - کره شمالی ۱۵۲ - روسیه
۱۵۱ - نیجریه

جالب این که ۳۰ کشور آرام جهان در صدر کشورهای پُر مطالعه هستند و بدون استثنا
رنکینگ مطالعه کشورهای خشونت آمیز بسیار پایین است. این بدان معناست که



کسانی که
کمتر کتاب
می خوانند،
افراد بی
سوادترند!
بیشتر دعوا
می کنند و
آرامش
کمتر دارند!
که کشور
ما از آخر
رتبه بیست
و چهارم را
دارد.



رابطه مطالعه و خشونت!

موسسه مطالعاتی اقتصاد و صلح، تازه‌ترین گزارش خود را با عنوان: "شاخص جهانی صلح" منتشر کرد. در این بررسی:

قهر آمیز ترین کشورها عبارتند از :

مهربان ترین کشورها عبارتند از:

١٦٢. سوریه

١٦١. عراق

۱۶۰. افغانستان

۱۵۹. سودان شمالی

۱۵۸. آفریقای مرکزی

۱۵۷. سومالی

۱۵۶. سودان

۱۵۵. کنگو

۱۵۴. پاکستان

۱۵۳. کرہ شمالی

۱۵۲. روسیه

۱۵۱. نیجریه

۱. اسلند

۲. دائمارک

۳. اتم نش

۴. نمو ز بلند

۵. سوئیس

۶. فنلاند

۷. کانادا

۸. ثواب

۹. است الی

۱۰. حمہ (۵) حک



مالزی نخستین کشور اسلامی در رتبه ۲۸ است. **ایران** با بیش از ۶ میلیون نزاع خیابانی در سال و بیش از ۱۵ میلیون پرونده تازه در سال گذشته رتبه ای بهتر از ۱۳۸ در جدول نافته است.

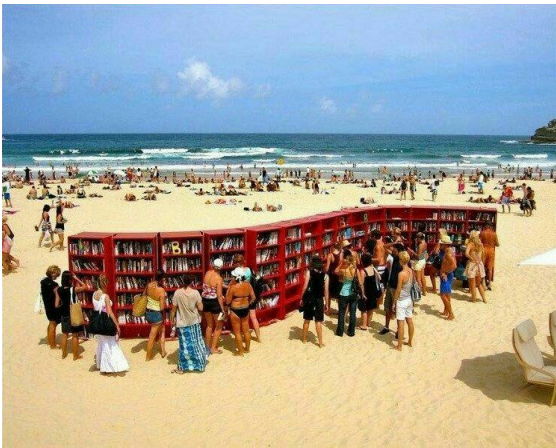
در این گزارش، اروپا آرام ترین قاره و کشورهای متا یعنی خاورمیانه و شمال آفریقا خشونت آمیز ترین کشورهای جهان بوده اند. مالزی، قطر، کویت، امارات و اندونزی پنج کشور اسلام هستند که در بالای جدول از ۲۸ به بعد هستند. آرامش در ۲۵ کشور دنیا خیلی بالاست که شامل هیچ کشور اسلام نمی شود.

در ۴۳ کشور آرامش بالاست که شامل ۵ کشور اسلامی فوق است. خشونت به انواع مختلف در ۸۷ کشور از جمله ایران بالاست. ۱۲ کشور فوق هم روی خشونت را سفید کرده اند. که به جز روسیه و کره شمالی همه کشورهای اسلامی هستند.

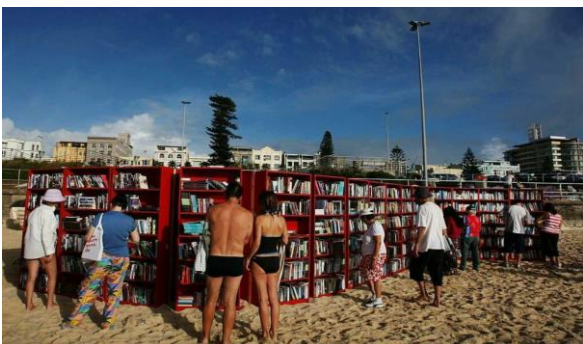
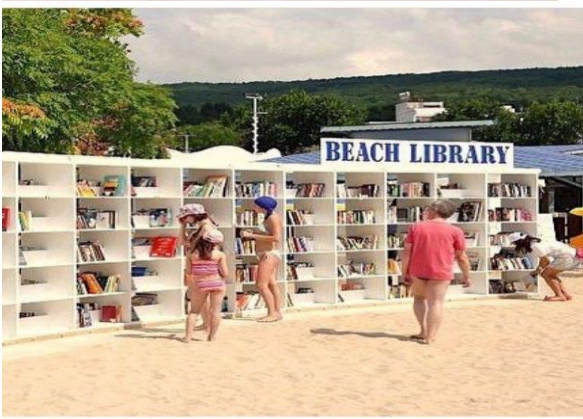
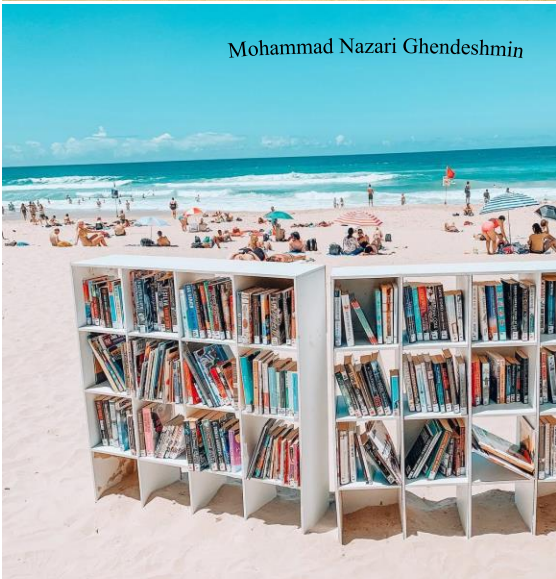
چالش این که ۳۰ کشور آرام جهان در صدر کشورهای پر مطالعه هستند و بدون استثنای رنکینگ مطالعه کشورهای خشن است. بسیار پایین است.

اینجاست که نقش پررنگ "جنش ۱۵ دقیقه مطالعه در روز" و کانالها و گروههای کتابخوانی بیشتر حس می شود.





Mohammad Nazari Ghendeshmin



مردم ما وقتی در تکاپوی رفتن به ترکیه و آنتالیا هستند در سواحل همین کشورها محال است اروپایی ها را بدون کتاب ببینند. اما ما مسافرت می کنیم تا پاساژگردی کنیم. فرق ندارد کجا! چه ترکیه چه سفر حج، چه قطب شمال یا سفر بی بازگشت به مریخ، کتاب از وسایل چمدان ما نیست. این درحالیست که فقط و فقط با روزی ۳۰ دقیقه مطالعه، جایگاه ما از صد و سی و چهارمین کشور نزاع دوست دنیا، به جمع ۱۰ کشور صلح طلب دنیا می پیوندد! نکته ی مهم این است که مطالعه حالت ویروسی دارد و اگر یکی از افراد خانواده کتابخوان باشد، سایر اعضای خانواده به این ویروس مبتلا می شوند! پس در مرحله اول باعث رشد و پیشرفت خودمان و نسل آینده شویم و در مرحله بعد باور کنیم که اگر خودمان تغییر کنیم باعث توسعه کشورمان خواهیم شد. خودمان به داد خودمان و آینده کشورمان برسیم.



ایرانی ها وقتی به دریا کنار می روند ، بساط **منقل** و **کباب** را پهن می کنند ، ولی خارجی ها به ویژه اروپایی ها وقتی به دریا کنار می روند ، یکی از کارهایی که می کنند ، **کتاب** خواندن است ، که هیچ وقت کتاب خواندن ، یکی از کارهای ایرانیان در دریا کنار نبوده است و نیست !



موسسه مطالعاتی اقتصاد و صلح، تازه‌ترین گزارش خود را با عنوان: "شاخص جهانی صلح" منتشر کرد. در این بررسی:

۱. ایسلند
۲. دانمارک
۳. اتریش
۴. نیوزیلند
۵. سوئیس
۶. فنلاند
۷. کانادا
۸. ژاپن
۹. استرالیا
۱۰. جمهوری چک

اینجاست که نقش پررنگ "جنش ۱۵ دقیقه مطالعه در روز" و کانالها و گروههای کتابخوانی بیشتر حس می شود.



به گزارش خبرنگار فرهنگی ایرنا، **موسسه مطالعاتی اقتصاد و صلح (IEP)** که موسسه ای مستقل، غیرحزبی و غیرانتفاعی است و در سیدنی و نیویورک دارای دفتر است، در گزارش سال ۲۰۱۷ خود با عنوان شاخص جهانی صلح، **مهربان ترین و خشونت آمیزترین کشورها** را معرفی کرده است.



نکته قابل توجه در این پژوهش، قرار گرفتن ۳۰ کشور آرام جهان در صدر کشورهای پر مطالعه است، در حالیکه سرانه مطالعه در کشورهایی که به عنوان خشن ترین ها از آنها یاد شده، بسیار پایین است.

فارغ از توجه به نام کشورهایی که در صدر و قعر هر دو فهرست قرار گرفته اند، تاثیر مثبت مطالعه و خواندن کتاب در کاهش میزان خشونت در این سرزمین ها نکته ای قابل تامل و توجه است، از این حیث که به باور ما جملات و عباراتی نظیر «هرگز رشد نخواهی کرد، مگر با مطالعه» و «**فرزانی و سعادت در سایه مطالعه روزانه**» بیش از پیش اثرگذار است.

در ایران کشوری با پیشینه فرهنگی بالا، همواره بر اهمیت کتاب و کتابخوانی تاکید شده است و بزرگان دینی ما همچون حضرت علی (ع) نیز می فرمایند: کسی که با کتاب خواندن آرامش یابد، آسایشش سلب نمی شود. با وجود توصیه های مکرر از این دست، کتاب و کتابخوانی همچنان مورد بی مهری قرار گرفته است و گسترش شبکه های اجتماعی و فضای مجازی هم روز به روز به این کم توجهی دامن می زند.

این در حالیست که بر اساس آمارهای اعلام شده، **میزان تحصیلات در صد زیادی از مجرمان کشور، زیر دیپلم است** و شاید بتوان نتیجه گرفت که بین تحصیلات و بزهکاری رابطه ای مستقیم وجود دارد. چندی پیش نیز «محمدرضا باقرزاده» رئیس سازمان نهضت سواد آموزی اعلام کرد: بر اساس مشاهدات ما از یکی از زندان های کشور، حدود ۷۵ درصد افرادی که دارای حکم اعدام یا قصاص بودند، دارای مدرک تحصیلی پایین تر از پنجم ابتدایی یا بی سواد مطلق بوده اند.

ممکن است بتوان از همه این اظهارات و آمارها نتیجه گرفت که با مطالعه و افزایش دانایی و آگاهی ها به تبع آن، نمی توان به راحتی اقدام به هر بزه و جرمی کرد و وارد دنیای جهل و سراسر استرس شد .



مطالعه یک کتاب خوب فواید بسیاری دارد که در وصف هر یک می توان دنیایی مطلب و مقاله نوشت. درک بهتر دیگران، شغل و زندگی بهتر، افزایش دایره لغات، جلوگیری از آلزایمر از جمله مزایای مطالعه و خواندن کتاب است.

* با مطالعه، فکر انسان تعالی می یابد

یک نویسنده در این باره به خبرنگار ایرنا می گوید: بدیهی است هر اندازه میزان مطالعه بیشتر باشد، آمار جرم و جنایت پایین می آید، دلیل آن هم استفاده بهینه از اوقات فراغت و پرداختن به موضوع کتاب و کتابخوانی توسط افراد کتابخوان است.

«فرحناز علیزاده» با بیان اینکه دوستداران کتاب هیچگاه وقت خود را به بطالت سپری نمی کنند، می افزاید: این افراد از هر فرصتی برای گرفتن «یار مهربان» در دستان خود بهره مند می شوند زیرا باور دارند، خواندن کتاب و یا تماشای یک فیلم که بیشتر آنها اقتباس از یک کتاب است، افق نگاهشان را تغییر می دهد. وی ادامه می دهد: افراد کتابخوان از زندگی بهتر و با کیفیت برخوردارند به این دلیل که وقتی آگاهی آنها بیشتر باشد، می توانند برای رفع مشکلات، به دنبال راهکارهای بهتر و عملی تری بروند.

به گفته نویسنده «سرسبیل هایت را نجو»، کتاب عصاره ای از تجربه ها، تمایل ها و اندیشه افرادی است که عمری را صرف به دست آوردن آن کرده اند.

* کتاب از ما آدم های بهتری می سازد

علیزاده با بیان اینکه مطالعه، امید به تغییر زندگی و غلبه بر محدودیت های موجود را برای ایجاد یک جامعه عادلانه تر ارتقا می بخشد، اضافه می کند: مطالعه از ما آدم های بهتری می سازد بنابراین باید به فرزندان آموخت که خواندن، لذتی خارق العاده دارد و در عین حال، ابزاری برای بهتر شدن است.



این مدرس کارگاه داستان نویسی می گوید: با مطالعه، تجربه های زیادی عاید انسان می شود، بدون اینکه او خود آنها را تجربه کرده باشد، علاوه بر این جهان بینی و نگاه فرد به هستی با خواندن کتاب گسترش و در نتیجه افکار او نیز پرورش می یابد. به گفته علیزاده، خواندن کتاب، انسان را در مواجهه با کژ و نادرستی های جهان مجهز و روح و جسم انسان را تغذیه می کند و در این شرایط، خشونت خود به خود از بین می رود.

* از فضای مجازی هم بهره بگیریم

علیزاده با اشاره به گستردگی شبکه های مجازی و برخورداری بیشتر مردم از تلفن های هوشمند می گوید: باید از این فرصت بهره کافی را برد و از فایل های رمان و داستان موجود در این فضا استفاده کرد؛ کاری که نیاز به گذاشتن وقت زیاد هم ندارد. به گفته وی، حتما لازم نیست برای خواندن یک کتاب، گوشه ای خلوت نشست و کتاب را در دست گرفت بلکه در هر جا و هر زمان می توان کتاب های مجازی را همراه داشت و از فایل های صوتی آنها هم بهره مند شد.

این منتقد ادبی با بیان اینکه شنیدن فایل صوتی به دایره واژگان انسان می افزاید، ادامه می دهد: روزانه بسیاری از مردم را در کوچه و خیابان می بینیم که با استفاده از گوشی (هندزفری)، انواع آهنگ و موسیقی می شنوند در حالیکه می توان فایل صوتی داستان و کتاب را جایگزین آن کرد. وی می گوید: در دنیای مدرن امروز که مجالی برای کتاب دست گرفتن نیست، می توان از فضای مجازی بهره کافی برد بنابراین راه های مطالعه زیاد شده و دیگر نیاز نیست حتما در کتابخانه نشست و مطالعه کرد.

به گفته علیزاده، می توان از کتاب های جیبی در قطع کوچک برای مطالعه در اتوبوس و مترو استفاده کرد و از اندک وقتی که در این میان پیدا می شود، نهایت بهره را برد.



*جامعه زرد بی مطالعه از رسانه زرد خطرناک تر است

یک نویسنده دیگر در این باره به خبرنگار فرهنگی ایرنا می گوید: یکی از مهمترین مواردی که باید در گزارش سالانه موسسات بین المللی درباره صلح و خشونت، مورد توجه قرار گیرد، این است که ۳۰ کشور آرام جهان در صدر کشورهای پر مطالعه هستند و بدون استثنا رتبه بندی مطالعه کشورهای خشونت آمیز بسیار پایین است.

«شهره ماهی صفت» با بیان اینکه مطالعه استرس را کم و به تمرکز، رسیدن به آرامش و صلح با خود کمک می کند، می افزاید: در جامعه ای که صرفا مطالعه در دوران تحصیل آن هم به طور محدود و مقطعی عادت شود و کتابخوانی و مطالعه شبانه حتی به میزان اندک کمرنگ شود، همه برای مهمترین نیاز که همان آرامش است در جستجوی رفاه خواهند بود.

وی یکی از مهمترین ابزارهای رسیدن به آرامش و صلح میان افراد را ترویج و احیای واقعی فرهنگ کتابخوانی دانسته و ادامه می دهد: دولت قطعا برای ترویج کتابخوانی و احیای مطالعه دارای مسئولیت است و می تواند با برنامه ریزی مدون و تشکیل اتاق مشاوران در این مسیر گام بردارد. این کارشناس مسائل اجتماعی با بیان اینکه هر دردی درمانی خاص دارد، اضافه می کند: **خشونت یک ضعف بدنی نیست بلکه یک رنج روحی و نقصی رو به افزایش در روابط اجتماعی است** بنابراین درمان درد خشونت به عنوان یک معضل روحی، حرکت در مسیر صلح با خود و دیگران است.

* اختصاص زمانی برای راز و نیاز و مطالعه

ماهی صفت با تاکید بر اختصاص زمانی حتی محدود به ارتباط و راز و نیاز با خدا و همچنین مطالعه، این دو را راهکاری قطعی برای کاهش خشونت در جامعه می داند و می گوید: در دنیایی که امواج نور، اینترنت و ماهواره بر روح و آرامش فکری انسان اثری



مستقیم دارد، قطعاً مطالعه و تمرکز بر کلمات و مفاهیم آن به آرامش روح و جسم کمک می کند بنابراین با مطالعه به افکارمان احترام گذاشته و اجازه می دهیم دور از هیاهوی بیرون، بر خواسته و علایق روحی خود متمرکز شویم. به گفته وی، مطالعه و عادت کودک به آن صرفنظر از هر نوع گرفتاری روزانه، این مهم را به کودک منتقل می کند که تغذیه روح به واسطه مطالعه یک ضرورت برای روزی پرتلاش است.

ماهی صفت می افزاید: مطالعه در هر حوزه ای به ویژه داستان و رمان و دنبال کردن علایق در کتاب به ما این فرصت را می دهد که مهربانتر باشیم و شخصیت های داستانی و تخیلات را قضاوت و تحلیل کنیم، هرچند **مطالعه، کارکرد مغز را نیز تقویت می کند**، مغز آدمی در کشاکش ابعاد مادی جویانه تحمیلی، به طور قطع به تقویت و استراحت با تمرکز به دور از هیاهوی محیط خارج نیاز دارد. وی با بیان اینکه **افسردگی نیز در اثر تداوم مطالعه درمان می شود**، ادامه می دهد: مطالعه همچنین دایره کلمات و قدرت بیان ما را تقویت کرده و این اعتماد به نفس در روابط اجتماعی، ما را موفق تر و جذاب تر می کند.

* انسان پس از مطالعه باهوشتر می شود

این فعال اجتماعی با استناد به نتایج تحقیقی که نشان داده انسان پس از مطالعه باهوش تر می شود، اضافه می کند: مغز چند روز پس از پایان مطالعه کتاب تغییرات مثبتی را نشان می دهد و دانشمندان دریافته اند که بهبود در کارکرد مغز به دلیل ارتباطات شدید در مغز و تغییرات عصبی است که در حافظه عضلانی ایجاد می شود بنابراین مطالعه به ما امکان قهرمان سازی، تخیل سازی و خلاقیت می دهد و آموزش و یادگیری، مهارت های جدید را فراهم می کند. وی با بیان اینکه مطالعه به تقویت حافظه کمک می کند، می گوید: وقتی فردی بیشتر بداند، تمایل بیشتری به اجتماعی بودن دارد و از فردگرایی فاصله می گیرد.



این نویسندگان معتقد است صلح با خود می تواند به کاهش خشونت در روابط اجتماعی کمک کند و افکاری که در آرامش حتی نسبی قرار می گیرد، بهتر می تواند با برنامه ریزی در درونی سرشار از صلح و آرامش به نتیجه رسد.

* کودکان هر شب حداقل یک داستان بشنوند

ماهی صفت پیشنهاد می کند کودکانی که شاهد خشونت در خانواده هستند هر شب حداقل یک داستان بشنوند یا بخوانند و تاکید می کند: باید در کنار تعالیم دینی و الگوی عبادات الهی در خانه عادت به مطالعه را ترویج دهیم، یاد بدهیم و یاد بگیریم زیرا اگر همواره کار کنیم و به رفاه حداقلی برسیم، تنها راه آرامش در این شرایط مطالعه است. وی می افزاید: با ورود فضای مجازی، مطالعه و با خواندن مطالب کوتاه و تکراری فضا را برای تعقل و تفکر محدود کرده ایم، بنابراین بدیهی ترین شاخص های انسانی و اخلاقی مثل ایثار و کمک به دیگری را از دست داده ایم که ادامه این روند، جامعه را به سمت خشونت سوق می دهد و به تدریج خشونت های بارزتر خودنمایی می کند که در آن فرد از قالب یک انسان عادی به یک مجرم تبدیل می شود. ماهی صفت اظهار می دارد: در شرایطی به سر می بریم که حتی دورهمی های خانوادگی در فضای مجازی بیشتر شده و دیگر جایی برای پیوند و ارتباط افراد به طور فیزیکی وجود ندارد، جشن ها و تبریک ها و تسلیت ها در فضای مجازی انجام می شود بنابراین لازم است از این فضا قدری فاصله بگیریم و به جای ابزار های مجازی، فرهنگ نیل به آرامش درون را تمرین و تقویت کنیم که این جز با مطالعه میسر نخواهد بود.

نویسنده کتاب خبرنگار افق ۱۴۰۴ با بیان اینکه امروزه مطالعه در کمترین زمان محدود به فضای مجازی آنهم پیگیری اخبار است، ادامه می دهد: فضای زردی بر جامعه حاکم شده که تداوم آن انسان ماشینی را به انزوایی باطل می کشاند و موجب افزایش خشونت می شود. (فراهنک**۱۸۸۰**۱۰۵۵ - خبرنگار: پروین اروچی**انتشار: زینب کارگر)



رابطه عکس مطالعه و خشونت



رابطه مستقیم نهادینه شدن فرهنگ کتابخانه‌های عمومی با کاهش خشونت در سطح جامعه

ترویج فرهنگ عضویت و بهره‌گیری از کتابخانه‌های عمومی و نهادینه شدن فرهنگ مطالعه قادر است کشتی جامعه را از توفان‌های سهمگین خشونت و نزاع به ساحل امن اخلاق و عقل برساند و پژوهش‌های کلان جهانی حکایت از رابطه عکس مطالعه و خشونت دارد. یکی از مهمترین خطراتی که دولت‌ها و حکومت‌ها با آن در اداره جامعه مواجهند، آسیب‌های اجتماعی است. در این میان نزاع، خشونت، توهین، مواد مخدر، طلاق و ... در صدر این آسیب‌های اجتماعی قرار دارند.



دولتمردان، حقوق دانان، نمایندگان مجلس، واضعان قانون، محققان علوم اجتماعی، مددکاران و روان شناسان همه و همه در پی یافتن راهکارهایی برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی و به خصوص خشونت هستند. خشونت در جامعه جدید ابعاد گسترده‌ای دارد و شامل انواع خشونت خانگی، جنسی، سنی، کلامی، روانی، شغلی، سازمان یافته و... می‌شود. خیل گسترده مهاجرت، حاشیه‌نشینی، بیکاری، تبعیض و احساس عدم امنیت مشکلات بسیاری را در جوامع شهرنشین امروزی و حتی روستانشین به بار آورده است. نتیجه این پدیده‌های جدید اجتماعی، وجود انواع آسیب‌های اجتماعی است که خسارات مالی، جانی، و روانی گسترده و جبران‌ناپذیری را بر پیکر جامعه تحمیل می‌کند. سالانه بودجه‌های کلانی صرف مبارزه و مقابله با این آسیب‌های اجتماعی می‌شود و پژوهشگران امروزه متفق هستند که راه اصلی مبارزه با این آسیب‌ها برنامه‌ریزی‌های طولانی‌مدت، آموزش و فرهنگ‌سازی است.

در اینجا تلاش ما بر این است که در پی متغیری با محتوای فرهنگی و اجتماعی باشیم که تاثیر آن از نظر فرهنگی کاهش میزان خشونت در سطح کلان جامعه است. «موسسه مطالعاتی اقتصاد و صلح» طی سال‌های اخیر، به بررسی شاخصی پرداخته که از آن به عنوان «شاخص جهانی صلح» یاد می‌شود. این موسسه در سال ۲۰۰۷ از سوی استیو کیلیا استرالیایی بنیان نهاده شده و مقر اصلی آن در شهر سیدنی استرالیا واقع شده است و جز **۱۵ اتاق فکر اثرگذار جهان** به شمار می‌آید. مأموریت موسسه اقتصاد و صلح، بر مبنای بررسی صلح و کمی کردن ارزش‌های اقتصادی بنا نهاده شده است. این موسسه با ارزیابی هزینه‌های اقتصادی خشونت، سطح ریسکی که کشورها با آن روبه‌رو هستند و فهم اثرات مثبت صلح را بررسی می‌کند.

«شاخص جهانی صلح» از ۲۳ زیرشاخص یا معیار تشکیل شده است. این معیارها که در ابتدای تاسیس «موسسه اقتصاد و صلح» از سوی گروهی از کارشناسان و متخصصان این حوزه انتخاب شده‌اند، سالانه مورد بازبینی قرار می‌گیرند. تمام امتیازات این معیارها در



مقیاس ۱ تا ۵ نرمال شده‌اند (یک بهترین و پنج بدترین وضعیت). همچنین این معیارها براساس چهار بخش داخلی و خارجی و کیفی و کمی دسته‌بندی شده‌اند. بر این اساس، امتیاز نهایی و شاخص کل نیز از ترکیب ۶۰ درصدی شاخص‌های داخلی و ۴۰ درصدی شاخص‌های خارجی تشکیل می‌شود (اهمیت بیشتر شاخص‌های داخلی براساس نظر هیئت کارشناسان بوده است). در این راستا می‌توان ۲۳ معیار را در چهار دسته‌بندی متفاوت معرفی کرد. دسته‌بندی اول «معیارهای داخلی و کیفی» است که شامل «سطح جرائم مشاهده شده در جامعه»، «سهولت دسترسی به سلاح‌های کوچک و سبک»، «شدت درگیری‌های داخلی سازمان‌دهی شده»، «سطح جرائم خشونت‌آمیز»، «احتمال تظاهرات خشونت‌آمیز»، «بی‌ثباتی سیاسی»، «اثرات تروریسم» و «مقیاس ترور و ترس سیاسی» است. دسته‌بندی دوم «معیارهای داخلی و کمی» است که شامل «تعداد نیروهای امنیتی پلیسی داخلی»، «تعداد قتل‌ها»، «تعداد زندانیان»، «حجم داد و ستد سلاح‌های مرسوم به عنوان خریدار»، «تعداد کشته‌شده‌ها در درگیری‌های داخلی سازماندهی شده» و «تعداد ماندگاری درگیری‌های داخلی» می‌شود.

دسته‌بندی سوم را «معیارهای خارجی و کمی» تشکیل می‌دهند که شامل «مخارج نظامی»، «تعداد نیروهای نظامی مسلح»، «تامین مالی مأموریت‌های صلح سازمان ملل»، «ظرفیت سلاح‌های سنگین و هسته‌ای»، «حجم داد و ستد سلاح‌های اصلی و مرسوم به عنوان فروشنده»، «تعداد پناهندگان و بی‌خانمان‌های داخلی»، «تعداد، ماندگاری و نقش در درگیری‌های خارجی» و در نهایت «تعداد کشته‌شده‌ها در درگیری‌های خارجی» است. دسته‌بندی آخر را «معیارهای خارجی و کیفی» تشکیل می‌دهند که میزان «ارتباط با کشورهای همسایه» معیار اصلی آن است.

هر یک از این معیارها نیز از وزن متفاوت و منحصر به فردی برخوردارند. بر اساس آخرین نتایج به دست آمده از ۱۶۳ کشور و دولت مستقل که در روزنامه دنیای اقتصاد منعکس شده، **ایسلند صلح‌آمیزترین کشور جهان در سال ۲۰۱۷** معرفی شد، جایگاهی



که از سال ۲۰۰۸ متعلق به این کشور است. پس از ایسلند، کشورهای نیوزیلند، پرتغال، اتریش و دانمارک برترین‌های صلح ۲۰۱۷ لقب گرفتند. در انتهای فهرست امسال نیز تغییرات چندانی ایجاد نشد و کشورهای سوریه، افغانستان، عراق و سودان جنوبی در رده‌های انتهایی این فهرست ایستادند. بر اساس این گزارش، ناحیه اروپا صلح‌آمیزترین منطقه و خاورمیانه به‌عنوان منطقه‌ای که بدترین وضعیت صلح را دارد، معرفی شدند.

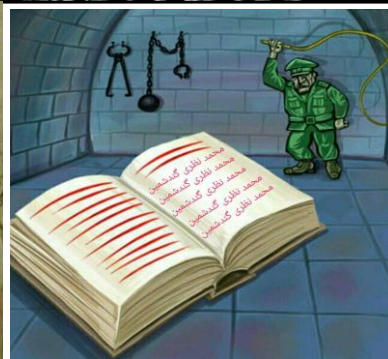
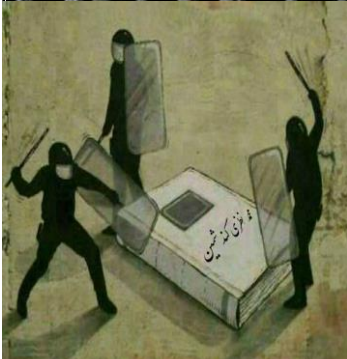
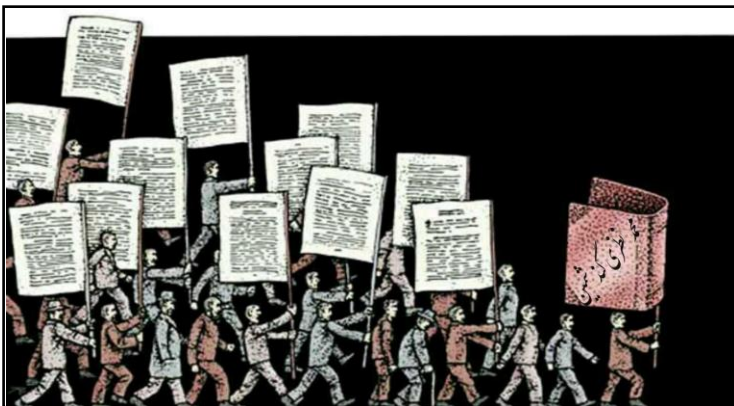
همچنین «موسسه اقتصاد و صلح» هزینه‌ی خشونت دنیا را به اندازه ۱۲/۶ درصد تولید ناخالص داخلی جهانی برآورد کرد که معادل ۱۹۵۳ دلار به ازای هر نفر است. براساس نتایج «شاخص صلح جهانی ۲۰۱۷»، **ایران** در رتبه‌بندی امسال با جهشی ۴ پله‌ای در رده‌ی ۱۲۹ صلح‌آمیزترین کشورهای جهان در میان ۱۶۳ کشور ایستاد. ایران سال گذشته در رتبه ۱۳۳ و در سال ۲۰۱۵، در رده ۱۳۸ این فهرست قرار داشت.

اما نکته حائز اهمیت این است که بین رتبه‌های برتر این فهرست طی سال‌های گذشته با رتبه‌های برتر کشورهای با میزان مطالعه بالا و برخورداری از کتابخانه‌های عمومی همواره ارتباط مستقیمی برقرار بوده است. با بررسی رتبه‌بندی سرانه مطالعه کتاب از مرکز بین‌المللی مطالعات گذران وقت و همچنین نتایج رتبه‌بندی سرانه مطالعه کتاب، نشریات در کشورهای جهان و نتایج منتشر شده گاردین از باسوادترین کشورهای جهان به این نتیجه دست می‌یابیم که تقریباً کشورهایی که در «شاخص صلح جهانی» از رتبه‌های برتری برخوردارند در شاخص‌های مطالعه نیز از شرایط همسانی بهره می‌برند. توجه به معیارهای به کار رفته در شاخص صلح جهانی و رابطه آن با فرهنگ مطالعه و استفاده از کتابخانه‌های عمومی به تاثیر معجزه‌آسا و زیربنایی آن در کاهش میزان خشونت و نزاع در سطح کلان پی می‌بریم.

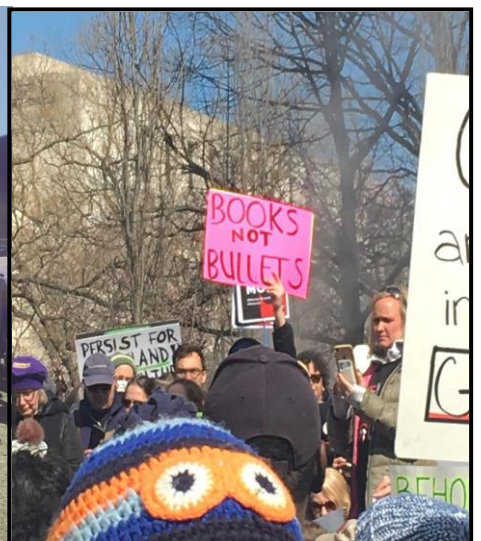
تشویق و ترغیب اقشار جامعه برای فرهنگ مطالعه و بهره‌گیری از خدمات کتابخانه‌های عمومی و گسترش کتابخانه‌های عمومی در سطح کشور و جامعه امری است که با کمترین هزینه در طولانی‌مدت قادر است بسیاری از خشونت‌ها و آسیب‌های اجتماعی را



در اجتماع و هزینه‌های تحمیلی بر بستر حکومت را کاهش دهد و زخم‌های جامعه را التیام بخشیده و در بستر این فرهنگ‌سازی جامعه را به سمت جامعه‌ای آرام، عقلانی و به دور از نزاع‌ها و آسیب‌های روانی سوق دهد. بدون تردید ترویج فرهنگ عضویت و بهره‌گیری از کتابخانه‌های عمومی و نهادینه‌شدن فرهنگ مطالعه قادر است کشتی جامعه را از توفان‌های سهمگین خشونت و نزاع به ساحل امن اخلاق و عقل برساند و پژوهش‌های کلان جهانی حکایت از رابطه عکس مطالعه و خشونت دارد.



در تصویر نوشته شده «مواظب باشید، او کتاب دارد»



ابوریحان بیرونی

بہتر است بدانم و بمیرم و یا ندانستم؟



ابوریحان بیرونی همه عمر خود را به تحصیل و تحقیق و مطالعه و تالیف سپری کرد. در شرح حال او نوشته اند که در تمام ایام سال دست به قلم داشته و چشم از کتاب بر نمی داشته است. مداومت در کار و خستگی نیافتن از ادامه تحقیقات و مطالعات و کسب اطلاعات جدید در تمام مراحل عمر تا پایان زندگی از ویژگی های شخصی اوست. یکی از دانشمندان معاصر او (ابوالحسن علی بن عیسی الولوالجی / در کتاب معجم الادبا) نقل می کند که

هنگامی که بیرونی در بستر مرگ افتاده بود به دیدنش رفتم وی در حالی که نفس هایش به سختی از تنگنای سینه اش برمی آمد از من درباره یک مسئله فقهی سوال کرد و گفت یکبار این مساله را برایم شرح داده بودی، دوباره بگوی که چگونه بود. گفتم اکنون چه جای این پرسش است؟ گفت کدام یک از این امر **بہتر است بدانم و بمیرم و یا ندانستم؟** من آن مسئله را دوباره شرح دادم و او خوب فرا گرفت. از نزد وی بازگشتم هنوز چند قدمی نرفته بودم که صدای شیون از خانه او بلند شد و فهمیدم به دیار باقی سفر کرد. این اتفاق در روز جمعه، دوم ماه رجب سال ۴۴۰ هجری قمری رخ داد، و ابوریحان هفتاد و هشتمین سال زندگی خود را طی می کرد.



پروفسور محمود حسابی در آخرین لحظات زندگی

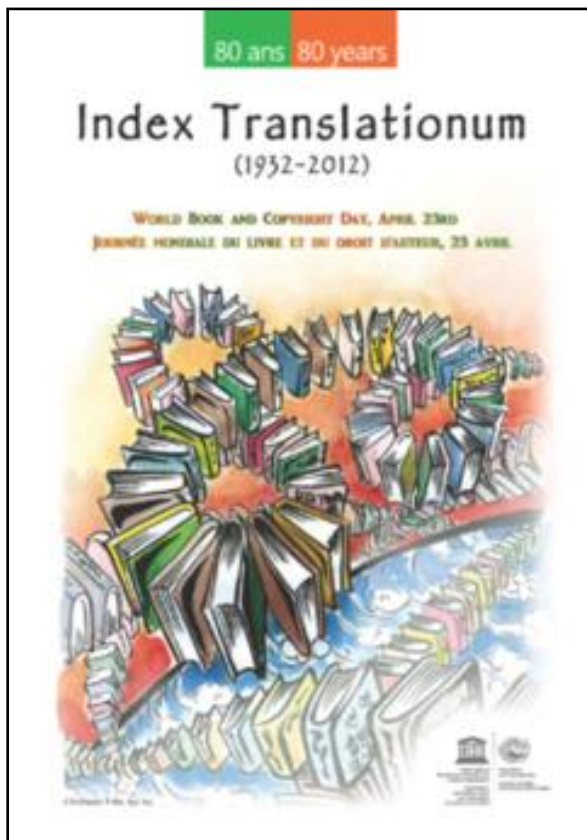
«ز گهواره تا گور، کتاب بجوی»



🕊️ ❤️ 🕊️ شام در کنار تخت استاد سرد شده است. ظاهراً دیگر نیازی به خوردن غذا نیست، پزشکان و مسئولان بیمارستان دانشگاه به این نتیجه رسیدند که معالجه روی قلب استاد دیگر اثری ندارد. لذا آنژیوکت چند دارو برای ادامه تپش قلب از رگ دست راست و آنژیوکت تزریق مسکن درد از دست چپ ایشان را خارج و حتی ماسک تامین اکسیژن که دیگر ریه

ها قادر به تامین آن نبود را برداشته اند و تنها سنسورهای تپش قلب روشن است. شگفت اینکه در چنین حالتی در کمال حیرت پزشکان و متخصصین بیمارستان کانتونال دانشگاه ژنو، **پروفسور حسابی در آخرین لحظات حیات به چیزی جز مطالعه و افزایش دانش نمی‌اندیشد.** این تصویر منحصر به فرد را یکی از کارکنان خود بیمارستان به عنوان یک تصویر تکان دهنده و تاثیر گذار ثبت کرده است.





روز جهانی کتاب کودک

روز جهانی کتاب کودک ۲ آوریل (برابر با ۱۴ فروردین) به افتخار زادروز **هانس کریستین آندرسن**، نویسنده داستان‌های کودکان نامگذاری شده‌است.

هر سال در این روز توسط دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY) مراسم باشکوهی به مناسبت برای بزرگداشت مقام کتاب کودک و ادبیات کودک و نوجوان در کشورهای جهان

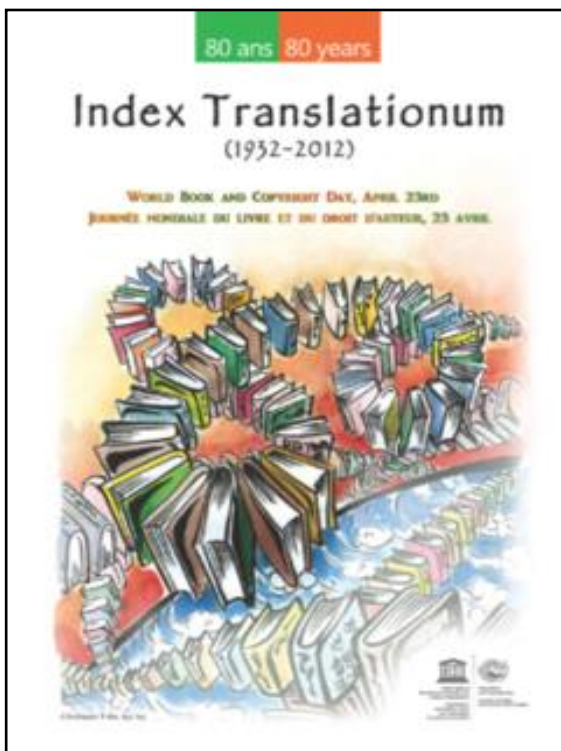
جشن گرفته می‌شود و مدیریت آن را این دفتر که از سال ۱۹۵۳ میلادی در سوئیس آغاز به کار کرده‌است برعهده دارد.

مراسم این روز هر سال در یکی از کشور جهان که عضویت دارد برگزار می‌شود و این کشور **پوستر** و پیام روز جهانی کتاب را تهیه می‌کند.

روز جهانی کتاب کودک در ایران

روز جهانی کتاب کودک از سال ۱۳۴۹ در ایران به رسمیت شناخته شده‌است و وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۵۰ روز ۱۴ فروردین هر سال را **روز جهانی کتاب کودک** در ایران اعلام کرد. مراسم بزرگداشت این روز هر سال در یکی از کشورهای عضو برگزار می‌شود و ایران نیز در سال ۱۳۷۱ (۱۹۹۲) برگزارکننده این مراسم بود.





روز جهانی کتاب

پوستر روز جهانی کتاب و کپی رایت سال ۲۰۱۲

نام رسمی World Book Day

روز جهانی کتاب یک رویداد سالانه است که در ۲۳ آوریل، برگزار می‌شود. این روز توسط یونسکو نامگذاری شده است. در سال ۱۹۹۵ یونسکو تصمیم گرفت که روز جهانی کتاب و حق نشر در

این روز جشن گرفته شود. این روز همچنین مصادف با سالگرد در گذشت ویلیام شکسپیر و سروانتس است.

UNESCO World Book and Copyright Day 2012 poster

روز جهانی کتاب و حق مولف

National World Book Day (WND)

روز جهانی کتاب و حق مولف یا روز جهانی کتاب و حق مولف، یک رویداد سالانه‌ی پیش بینی شده توسط یونسکو است که در ۲۳م آوریل هر سال به منظور ترویج خواندن و احترام به حق مولف برگزار می‌شود. در بریتانیا این روز در اولین دوشنبه ماه مارس برگزار می‌گردد. روز جهانی کتاب و حق مولف اولین بار در سال ۱۹۹۵ معرفی شد.



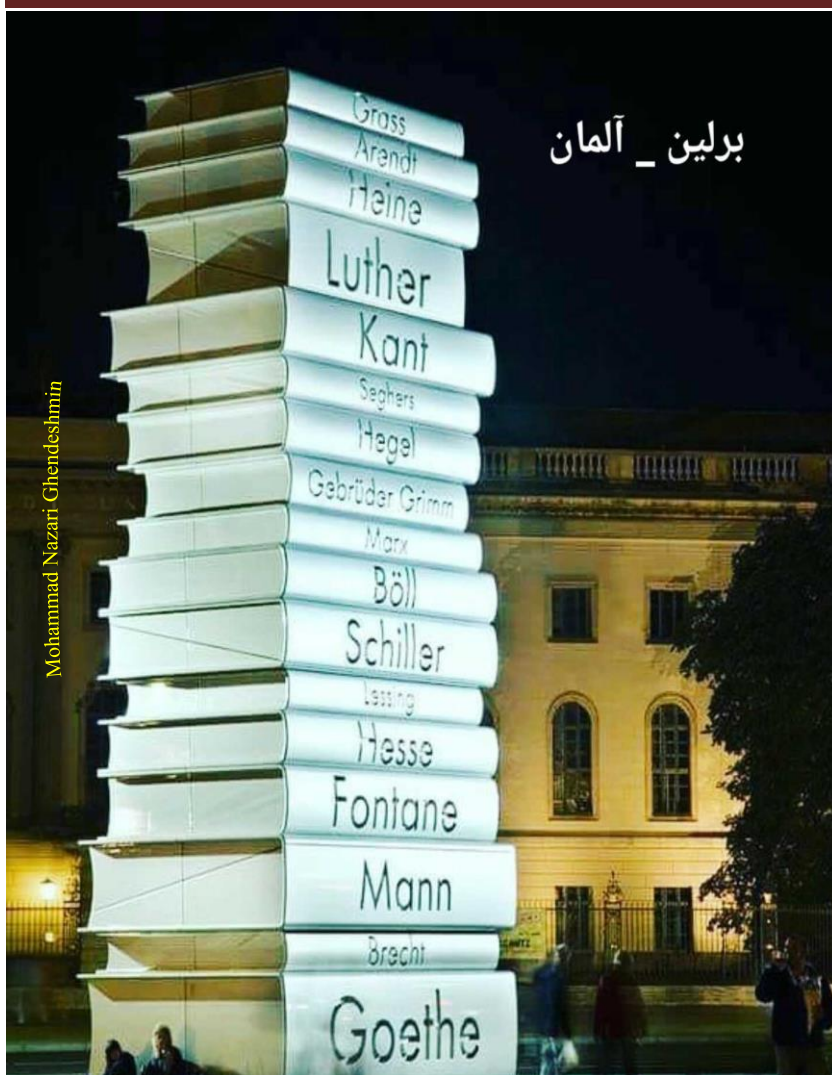


بنیاد آزادی خواندن

بیانیه آزادی خواندن اولین بار در ماه می ۱۹۵۳ در کنفرانس وستچستر توسط انجمن کتابخانه‌های آمریکا و شورای ناشران آمریکا منتشر شد. این بیانیه از ۷ بند تشکیل شده است ترجمه آن به شرح زیر است:

۱. از نظر کتابداران و ناشران دسترس پذیر کردن هرچه گسترده‌تر عقاید و آرا، حتی آنها که **غیر متعارف** (unorthodox)، **منفور** (unpopular) و از نظر اکثریت **خطر آفرین** به شمار می‌روند، امری است که نفع عمومی را تامین می‌کند.
۲. کتابداران و ناشران ضرورتاً با هر آنچه که دسترس پذیر می‌کنند، موافق و هم‌عقیده نیستند. تحمیل اعتقاد سیاسی، اخلاقی و زیبایی‌شناسانه به عنوان معیار نشر و امانت، در تعارض با نفع عمومی است.
۳. ممانعت از دسترسی به آثار و نوشته‌های یک فرد بر اساس پیشینه فردی و وابستگی سیاسی وی توسط کتابداران و ناشران مغایر با منافع عمومی است.





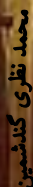
۴. کوشش برای تحمیل ذائقه به دیگران، ممانعت از دسترسی بزرگسالان به مواد خواندنی که برای افراد بالغ نوشته شده‌اند یا مانع تراششی برای نویسندگان در کسب بیان هنری خود، در جامعه جایگاهی ندارد.

۵. اجبار خواننده به پذیرش این پیش‌داوری که یک ایده یا نویسنده آن توطئه‌گر و خطرناک است، مغایر با منافع عمومی است.

۶. ناشران و کتابداران به عنوان **پاسبان آزادی خواندن** برای مردم، باید با افراد و گروه‌هایی که با تجاوز به این آزادی در صدد تحمیل عقاید و ذائقه خود به جامعه هستند، و با دولتمردانی که به دنبال کاهش یا انکار حق دسترسی عموم به اطلاعات همگانی (public information) هستند، مبارزه کنند.

۷. این مسئولیت بر دوش ناشران و کتابداران است که با فراهم کردن کتابهایی که به اندیشه و بیان، کیفیت و تنوع می‌بخشند معنای کاملی به **آزادی خواندن** بدهند. با ممارست در این مسئولیت شایسته، آنها می‌توانند نشان دهند که پاسخ به یک کتاب «بد» یک کتاب خوب است و پاسخ به یک ایده «بد» یک ایده خوب.





نقاشی کرم کتاب اثر کارل اشیتسوگ، ۱۸۵۰

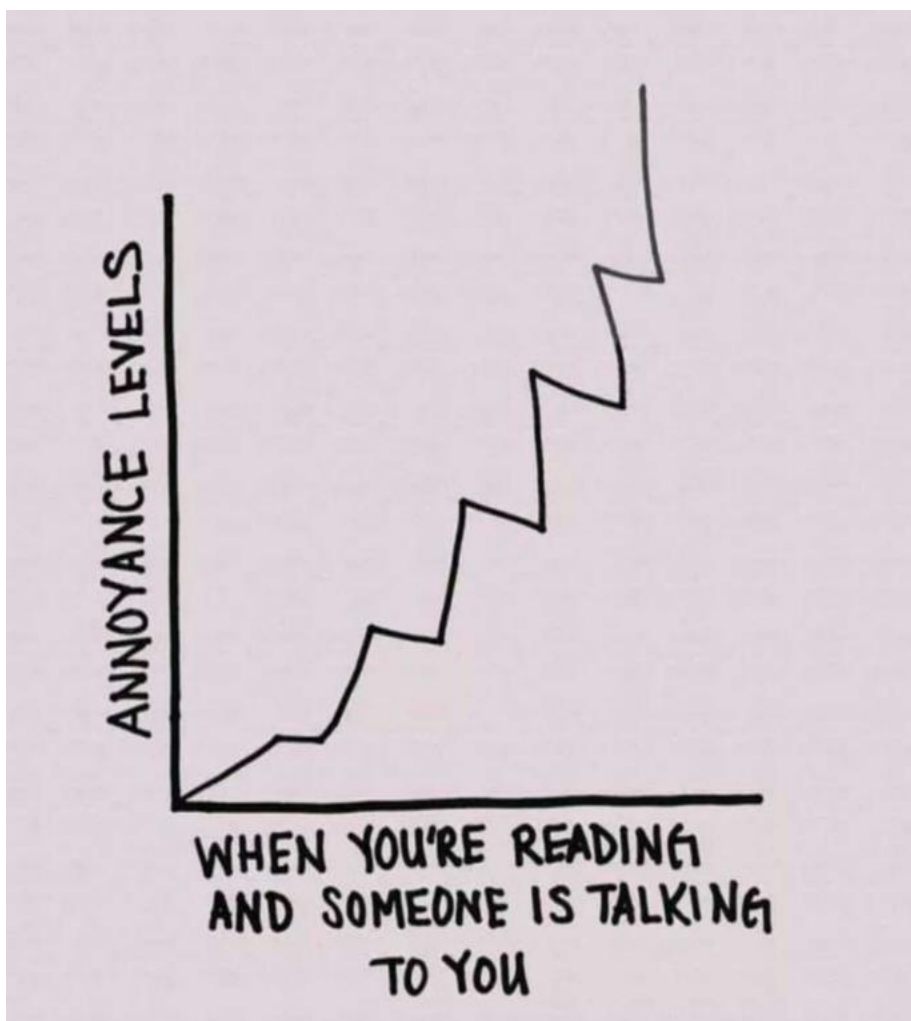
کتاب‌بازی^۱ عشق به کتاب است و فردی که عاشق کتاب باشد را کتاب‌باز گویند. کتاب‌باز در معنای کلاسیکش، کسی است که به خواندن و مطالعه عشق می‌ورزد، کتاب‌ها را تحسین کرده و **گردآوری** می‌کند و اغلب، مجموعه‌ای بزرگ و تخصصی از کتاب را گردهم آورده. کتاب‌بازی لزوماً به معنای صرف گردآوری کتاب‌ها نیست. مثلاً می‌تواند شامل افرادی باشد که به دنبال چاپ‌ها و جلد‌های غیرمعمولند یا کسانی که نسخه‌های امضاشده را جمع می‌کنند.

کتاب بازی نباید با جنون کتاب اشتباه شود. در

جنون کتاب که نوعی **اختلال وسواس فکری عملی** است، علاقه‌مندی و گردآوری کتاب در حدی است که روابط فردی یا سلامتی را به خطر می‌اندازد و در آن، این واقعیت که شی‌ای فیزیکی، کتاب است، کافی است تا فرد به گردآوری یا عشق‌ورزی به آن بپردازد (موضوع، شکل و دیگر خصوصیات کتاب اهمیت ندارد). برخی اصطلاح جنون کتاب را مترادف کتاب‌باز می‌گیرند و در حقیقت، کتابخانه‌کنگره از اصطلاح کتاب‌باز استفاده نمی‌کند. بلکه خوانندگان و مراجعانش را گردآورندگان (کلکسیونرهای) کتاب یا مجنونان کتاب می‌خواند. کتابخانه عمومی نیویورک نیز چنین است.

¹ - Bibliophilia





سرانه مطالعه

عام‌ترین تعریف از سرانه مطالعه میانگین مدت زمان مطالعه یک نفر در یک شبانه‌روز است. اما لزوماً همیشه این تعریف صادق نیست و می‌توان به جای مدت زمان از تعداد کتاب‌های خوانده شده یا تعداد صفحات خوانده شده در طول روز نیز برای تعریف سرانه مطالعه بهره جست. در ساده‌ترین حالت می‌توان

میزان مطالعه همه افراد یک جامعه را با هم جمع نمود و بر تعداد افراد آن جامعه و تعداد روزهای در نظر گرفته شده تقسیم نمود. برای اندازه‌گیری، متوسط مطالعه در یک جامعه آماری محاسبه نموده و به تمام جامعه تعمیم می‌دهند. البته عوامل دیگری نیز همچون تیراژ کتاب‌ها بر اندازه‌گیری سرانه مطالعه اثر دارد. پایین بودن سرانه مطالعه بر تولیدات

فرهنگی و نویسندگان نیز به صورت عرضه و تقاضا اثر می‌گذارد.

سنجش سرانه مطالعه

سالن مطالعه کتابخانه مرعشی نجفی در قم



نگاهی به مفهوم سرانه می‌تواند به ما در سنجش این شاخص یاری دهد. سرانه Per capita مفهومی آماری است و اشاره به وضعیت یک متغیر یا شاخص نسبت به هر فرد در یک مکان خاص در یک دوره زمانی معین (عموماً سال) دارد و اولین کاربرد آن در علم اقتصاد بوده‌است که شاخص‌هایی نظیر تولید سرانه، **درآمد سرانه**، تولید ناخالص سرانه، تولید خالص ملی سرانه و ... از آن بهره می‌جستند. چنین شاخص‌هایی حاصل کسری است که صورت آن جمع کل متغیر مورد بررسی و مخرج آن جمعیت ساکن در یک محل خاص است. با این توصیف صورت کسر سرانه مطالعه (یا با توجه به شیوه بیان آن در اقتصاد، مطالعه سرانه) ایرانیان، میزان مطالعه مردم در طول یک سال معین است. میزان مطالعه می‌تواند بر حسب زمان یا تعداد عناوین مطالعه شده باشد. همچنین مخرج کسر جمعیت ایران (یا در برخی موارد جمعیت باسواد) در سال مورد بررسی است. پژوهش در حوزه میزان مطالعه عموماً به سه صورت عمده است که دو گونه آن پیمایش و یک گونه آن بر مبنای اسناد است :

۱. **پیمایش مطالعه به عنوان متغیری واحد:** در این نوع پژوهش پرسشنامه‌هایی تدارک دیده می‌شود و میزان مطالعه گروه‌های مختلف استخراج می‌شود.

۲. **پیمایش مطالعه به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های روزانه:** در این نوع پیمایش که به پیمایش گذران وقت^۲ یا مصرف فرهنگی مشهورند، پرسشنامه به‌گونه‌ای تنظیم شده‌است که چندین فعالیت در کنار یکدیگر سنجیده می‌شوند و یکی از فعالیت‌ها مطالعه است.

۳. **مطالعات اسنادی:** در این گونه مطالعه، تخمینی از میزان مطالعه مردم بر مبنای بازار کتاب، امانت از کتابخانه‌های عمومی و ... به دست می‌آید و می‌توان آن را در رابطه ذیل خلاصه کرد:

2 - Time use research





میزان مطالعه = میزان فروش کتاب (نشریات و ...) × ضریب گردش + میزان امانت + میزان مطالعه در اینترنت

در این رابطه منظور از ضریب گردش این است که یک نسخه چند بار خوانده می شود و برای این ضریب نیز مقداری در دست نیست.

سرانه مطالعه در جهان

(جدول ۱) سایر کشورها، مربوط به یکی از تحقیق‌ها	
کشور	دقیقه
فنلاند	۴۴
استونی	۳۶
آلمان	۳۴
هلند	۳۱
نروژ	۳۹
سوئد	۳۱
لاتویا	۲۶
لهستان	۲۵
بلژیک	۲۱
لیتوانی	۲۱
اسلونی	۲۲
انگلیس	۲۱
فرانسه	۲۰
استرالیا	۲۰
ژاپن	۱۷
ایتالیا	۱۶
بلغارستان	۱۵

بر اساس آمارهای اعلام شده در خبرگزاری‌های ایران سرانه مطالعه کشورهای جهان به صورت زیر است.



• ژاپن: ۹۰ دقیقه، انگلستان: ۵۵ دقیقه، آمریکا: ۲۰ دقیقه (خبرگزاری سیمرغ)

• ژاپن: ۹۰ دقیقه، ترکیه و مالزی: ۵۵ دقیقه (سایت خبری تحلیلی سیماب)

اما با پیگیری استنادهای این دقایق به منبع موثق و متکی بر پژوهی نمی توان رسید. در واقع این آمار و ارقام اعلام شده در خبرگزاری های مختلف بیشتر جنبه ژورنالیستی داشته و از پایه علمی محکمی برخوردار نیستند. یکی از منابع موثقی که می توان درباره شیوه گذران وقت مردم از آن استفاده کرد و میزان زمان اختصاص داده شده برای مطالعه را استخراج کرد، مرکز بین المللی مطالعات گذران وقت است. بر اساس تحقیقی که این مرکز در سال ۲۰۱۰ در ۲۲ کشور انجام داده است. بیشترین زمان اختصاص داده شده برای مطالعه در بین مردمان جهان مربوط به کشور فنلاند است و ۴۴ دقیقه در روز است.

سرانه مطالعه در ایران : در ایران آمارهای متعددی گفته می شود و اندازه های اعلام شده از ۲ دقیقه تا ۷۶ دقیقه متغیر است.

زمانه های اعلام شده برای مطالعه هر ایرانی :

• ۲ دقیقه (بدون زمان خواندن قرآن، مفاتیح و روزنامه) و اگر زمان درس خواندن را هم به آن اضافه کنیم ۶ دقیقه

• ۷ دقیقه (در سال ۸۱)

• ۱۸ دقیقه و ۱۲ ثانیه (سال ۱۳۸۸ برای یک جامعه آماری با افراد ۱۲ سال به بالا)

• ۹۵ دقیقه

• ۱۲۰ دقیقه

یکی از تحقیقات آماری انجام شده در زمینه سرانه مطالعه با عنوان «کتابخانه های عمومی و سرانه مطالعه» سعی کرده است بر اساس **آمار امانت**، عضویت و دیگر



شاخص‌های کتابخانه‌ای تخمینی از میزان سرانه مطالعه در ایران انجام دهد. این پژوهش به رابطه زیر میان سرانه مطالعه و میزان امانت از کتابخانه‌های عمومی رسیده است.

$$14,078 \text{ L} + 1,337 \text{ FR} =$$

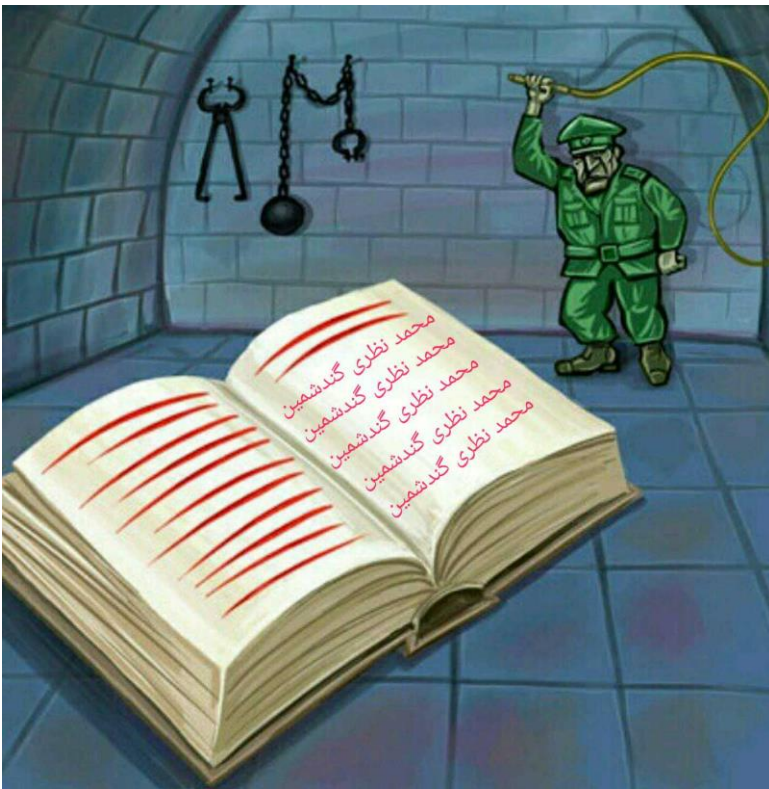
FR: مطالعه آزاد؛ L: امانت

بر این اساس و بر اساس آمار امانت کتاب از کتابخانه‌های عمومی کشور چیزی نزدیک به ۱۴ دقیقه در روز بوده‌است که شامل انواع مطالعه (کتاب، روزنامه، ادعیه و ...) می‌شود. یافته‌های پژوهش دیگری که توسط «شورای فرهنگ عمومی» و با عنوان «وضعیت گذران وقت مردم شهری و روستایی کل کشور» در سال ۱۳۹۰ به صورت گذران وقت انجام شده‌است به تخمین این پژوهش نزدیک است. بر اساس یافته‌های این تحقیق میزان زمان اختصاص داده شده توسط به مطالعه در میان **مردم ایران** ۱۲ دقیقه است (این زمان شامل مطالعه کتاب، روزنامه، ادعیه و ...) است.

تیراژ کتاب: تیراژ کتاب در ایران در سال‌های اخیر بسیار کاهش داشته. به‌طوری‌که تیراژ کتاب از ۳,۰۰۰ در دهه ۵۰ و ۶۰ خورشیدی با وجود دوبرابر شدن جمعیت به ۵۰۰ عدد در دهه ۹۰ رسیده‌است. (پایین بودن تیراژ کتاب خودش شواهد و دلایل کافی برای پایین بودن سرانه مطالعه کتاب در جامعه ما را دارد!)

عوامل مؤثر بر سرانه مطالعه در ایران: یکی از عوامل کاهش مطالعه در ایران **سانسور و سیاست‌های فرهنگی دولت** عنوان می‌شود، سانسور کتاب در موارد سیاسی، مذهبی و جنسی صورت می‌پذیرد. همچنین **عدم احساس نیاز به مطالعه** در ایران از جمله عوامل پایین بودن سرانه مطالعه عنوان می‌شود. یکی از علت‌های دیگر آن عادت تاریخی ایرانیان به **ادبیات شفاهی** است. و در آخر **هزینه ی بالای** کتاب‌های منتشر شده در سال‌های اخیر برای دانشجویان، دانش آموزان و علاقه‌مندان به کتاب می‌باشد.





سانسور

سانسور (به فرانسوی: *censure*) یا بازکاوی عمل کنترل سخن و انواع دیگر بیان و ابراز وجود انسان ها است. در بسیاری موارد (و نه در همه آنها) این عمل توسط سازمان های دولتی انجام می شود. انگیزه واضح برای انجام سانسور ایجاد ثبات در جامعه یا بهبود وضعیت آن به گونه ای است که سیطره دولت بر امور را محقق کند.

معمولاً واژه سانسور در مواردی که در محیط های عمومی واقع شوند، به کار می رود و در رسمی ترین وجه آن به شکل **سرکوب اندیشه توسط تهدیدهای قانونی و جرم انگاری** آن ها محقق می شود.

همچنین معمولاً بحث راجع به سانسور شامل ابزارهای کمتر رسمی کنترل عواطف، توسط محروم کردن چندین اندیشه از وسایل ارتباط جمعی نیز، می شود.

آنچه که سانسور می شود، می تواند از کلمات خاص تا کل مفهوم تغییر کند که ممکن است تحت تأثیر نظام ارزشی قرار داشته باشد.

عبارت های تقریباً هم معنی ماست مالی و **sanitization** (حذف) به نوع خاصی از سانسور از طریق حذف اشاره دارد که با هدف پاکسازی نمود حقایق یا موارد خاصی که پیش از آن دانسته هستند اما با دیدگاه سانسورچی در تضاد و تناقض هستند انجام می گیرد .



عده‌ای ممکن است صحت سیاسی مفرط را نوعی محدودیت بدانند که از جانب جامعه به فرد تحمیل می‌شود (و نه از طریق دولت‌ها) که اگر این پدیده به اوج خود برسد به پدیده **خودسانسوری** تبدیل خواهد شد.

اصطلاحات

اصطلاح سانسور از کلمه لاتین *censere* گرفته شده‌است. در روم سانسورچی دو وظیفه اصلی داشت، شمارش شهروندان و نظارت بر اخلاق ایشان، ریشه اصطلاح (*Census*) **سرشماری** نیز همین واژه است.

اولین بار اصطلاح *whitewash* به معنای **شستشوی فکری** در مقاله‌ای که در سال ۱۷۶۲ و با نام *Evening Post* در بوستون منتشر شد به کار رفت. در سال ۱۸۰۰ این کلمه در متون سیاسی رواج یافت و این درست در زمانی بود که یک سرمقاله با نام *Aurora* در فیلادلفیا اذعان داشت که اگر **جان آدامز** را به سرعت شستشوی مغزی ندهید، وی سرتاسر حزب دموکرات جمهوری خواه ایالات متحده آمریکا همانند زبانه‌های آتش در برمی گیرد و شما را همچون دیواری کثیف به سیاهی شیطان جلوه می‌دهد.

اصطلاح **پنهان کاری** واژه‌ای است که در فضای سیاسی-تبلیغاتی به معنای ایجاد تغییر در اطلاعاتی است که ممکن است برداشت جامعه از آن‌ها نامناسب، جنجالی و متناقض باشد. سانسور در مقایسه با پنهان کاری معمولاً به مجموعه‌ای از استانداردهای مشخص و واضح اشاره دارد و نه مجموعه‌ای از استانداردهای مخفی و محرمانه. معمولاً در پدیده سانسور یک هویت مخفی و ناآشکار مانند یک شرکت، دسترسی به اطلاعات موجود در فضای حاکم را قانونمند می‌کند. سانسور دولتی ممکن است در هر رده‌ای در میان دولت یا مردم شکل گیرد و بدین ترتیب از سانسور رسمی متمایز می‌شود.



انواع

اغلب نطق‌های عمومی در مجمع‌های سازمان یافته مانند دادگاه یا جلسات شهرداری در رسانه‌هایی مانند **روزنامه‌ها، مطبوعات، رادیو، تلویزیون** یا **اینترنت** منتشر می‌شوند. در هر یک از موارد ذکر شده در ابتدا تعداد خیلی از **مردم** از طریق وسایل ارتباط جمعی به متن اصلی دسترسی دارند. معمولاً درپدیده سانسور محدود کردن عقاید خاص در یک فضای خلأ صورت نمی‌گیرد بلکه تمایل آن است که جلوی پخش آنچه که ممکن است از رسانه‌های ارتباطی گرفته شود، گرفته شود.

منطق سانسور در انواع مختلف داده‌ها متفاوت است. انواع اصلی آن عبارت‌اند از :

- « **سانسور اخلاقی** » که در طی آن هر مطلب خلاف اخلاق حذف می‌شود. سانسورچی ارزشهای پس زمینه متن را زیر سؤال برده و دسترسی به آن را محدود می‌کند. از نمونه‌های آن می‌توان به تصاویر مستهجن اشاره کرد.
- « **سانسور نظامی** » فرایند نگهداری از اطلاعات نظامی و تاکتیک‌های نظامی است که می‌بایست به صورت محرمانه و دور از تیررس دشمن صورت پذیرد. از این روش در مبارزه با **جاسوسی** و در واقع افشای اطلاعات نظامی استفاده می‌شود همچنین سانسور نظامی می‌تواند موردی مانند ایجاد محدودیت در پخش اطلاعات در مورد عملیات‌های نظامی مانند جنگ عراق را دربرگیرد. مثلاً در جنگ عراق دولت آمریکا عکس برداری و فیلم‌برداری از سربازان کشته شده و پخش آن در رسانه‌ها را محدود می‌کرد.
- « **سانسور سیاسی** » در واقع روشی است که طی آن دولت اطلاعات را از مردم مخفی می‌کند. هدف جلوگیری از ایجاد فضای آزادی بیانی است که ممکن است منجر به **شورش** شود. دولت‌های مردم سالار معمولاً سانسور سیاسی را آشکارا ناپسند می‌دانند اما به صورت مخفیانه به آن دست می‌زنند. هرگونه نارضایتی در



مورد دولت به عنوان یک نقطه ضعف در نظر گرفته می شود که می تواند حربه ای را در اختیار دشمن قرار دهد. تاکتیک های مبارزه هم به صورت مخفی هستند: به **رسوایی و ترغیت** رجوع کنید.

• « **سانسور مذهبی** » در مورد هرگونه متنی که مخالف یک عقیده خاص است اعمال می شود معمولاً مذاهب غالب محدودیت هایی را بر مذاهب ضعیف تر اعمال می کند. همچنین ممکن است مذهبی عقاید مذهب دیگری را در خلاف جهت خود ببیند و از اشاعه آن ها جلوگیری کند.

• « **سانسور شرکتی** » نوعی از سانسور است که در طی آن شرکت ها از افشای اطلاعات مربوط به وضعیت اقتصادی و بازرگانی شرکت که آن را به صورت منفی جلوه می دهد خودداری می کنند. شرکت های خصوصی که در «تجارت» مطبوعات نقش دارند گاهی از افشای اطلاعات درآمد تبلیغاتی شان یا ارزش سهام شان در بازار بورس خودداری می کنند تا وجهه خود را خوب و مناسب جلوه دهند.



یکی از سیاست های سانسور گرایی که در زمان استالین و در شوروی سابق حاکم بود ایجاد تغییر در تصاویر افرادی بود که توسط استالین به اعدام محکوم شده بودند.



تصویر بالا قبل از دسامبر ۱۹۳۸ (میلادی): از چپ به راست: وروشیلوف، مولوتوف، استالین و یژوف هنگام بازدید از آب راه مسکو-ولگا، تصویر پایین: بعد از سپتامبر ۱۹۳۸، یژوف سقوط می‌کند. استالین دستور می‌دهد که یژوف از عکس حذف شود. اسرار دولتی و توجه ناخواسته به برخی مسایل در دوران جنگ سانسور به صورت آشکارا با هدف جلوگیری از افشای اطلاعات مهم و دسترسی دشمن به آن انجام می‌گیرد. معمولاً سانسور مخفی نگاه داشتن زمان و مکان عملیات‌ها و تأخیر در افشای اطلاعات (مانند هدف کاری) را شامل می‌شود و این کار تا زمانی ادامه می‌یابد که این اطلاعات حائز اهمیت باشند. در اینجا ارزش‌های اخلاقی نمود دیگری دارند چرا که افشای اطلاعات نظامی می‌تواند ضررها و آسیب‌های فراوانی را بر نیروهای خودی تحمیل کند و حتی باعث شکست در میدان نبرد شود. در طی جنگ جهانی اول، نامه‌هایی که توسط سربازان انگلیسی نوشته می‌شد سانسور می‌شد. تعدادی فرد نظامی این نامه‌ها را می‌خواندند و با یک مازیک مشکی روی مطالبی که می‌توانست باعث افشای اسرار نظامی شود خط می‌کشیدند در جنگ جهانی دوم عبارت دهن لقی کشتی‌ها را غرق می‌کند به عنوان توجیهی برای عمل سانسور به کار می‌رفت و از افراد درخواست می‌شد تا مراقب باشند تا اطلاعات با ارزش فاش نشوند.

یکی از سیاست‌های سانسور گرایی که در زمان استالین و در شوروی سابق حاکم بود ایجاد تغییر در تصاویر افرادی بود که توسط استالین به اعدام محکوم شده بودند. اگر چه تصاویر اصلی در محلی مخفی نگهداری می‌شدند اما این تغییر عمدی تاریخ در اذهان مردم یکی از روش‌های اصلی مکتب استالین و مکتب تمامیت‌خواه آن زمان بود. همچنین در سالهای اخیر جلوگیری از ورود کارمندان تلویزیون‌ها به محل‌هایی که از آنجا کاروان تابوت‌های نظامیان عبور می‌کند از مصادیق سانسور است اگر چه این



سانسور تا حد زیادی ناکام مانده و تصاویر متعددی از تابوت‌ها در روزنامه‌ها و مجلات به چاپ رسیده‌است.

کتاب درسی

محتوای کتاب درسی همواره یکی از بحث‌های جنجال‌برانگیز بوده‌است چرا که مخاطب آن افراد کم سن و سالی هستند و اصطلاح **شستشوی مغزی** در این کتاب کماکان به حذف مغرضانه مطالب غیر دلخواه اشاره دارد. گزارش‌های مربوط به جنایات نظامی در طول تاریخ و تاریخ سیاسی همواره چالش‌برانگیز بوده‌اند، مانند **کشتار نانکینگ**، **هولوکاست** (یا رد **هولوکاست**) و بازجویی سرباز زمستانی در **جنگ ویتنام**. معمولاً جوامع مختلف اشتباهات و سوء تدبیرهای خود را به صورتی ملی‌گرایانه و با حس وطن‌پرستی جلوه می‌دهند.

همچنین برخی از گروه‌های مذهبی در برهه‌هایی از تاریخ تلاش کرده‌اند تا تدریس **فرگشت** را در مدارس ممنوع کنند چرا که این نظریه در تقابل با عقاید مذهبی شان است. تدریس مسایل جنسی و زناشویی در مدارس و ارائه مطالبی در مورد **رابطه جنسی** سالم، کنترل زاد و ولد و روش‌های جلوگیری از باروری از حوزه‌های دیگری هستند که سانسور در مورد آن‌ها رخ می‌دهد.

در مدارس راهنمایی نحوه ارائه حقایق تاریخی نقش بسیار مؤثری در شخصیت افراد ایفا می‌کند. به علت نامناسب دانستن این مفاهیم برای نسل جوان عده‌ای دست به سانسور این نوع از اطلاعات می‌زنند. استفاده از کلمه **نامناسب** کمی بحث‌برانگیز است و می‌تواند ما را در یک سرایشی تند قرار دهد و پدیده سانسور را گسترده‌تر و سیاسی کند.



پیاده‌سازی

پدیده سانسور در میان بسیاری از متفکران غرب جلوه‌ای از **دیکتاتوری** و دیگر نظام‌های سیاسی تمامیت‌خواه است. **نظام‌های مردم سالار** به خصوص در میان دولت‌های غربی و مفسران دانشگاهی و مطبوعاتی به صورت نظام‌هایی در نظر گرفته می‌شوند که در آنها پدیده سانسور کمتر سازماندهی شده و مسئله مهم در این جوامع مسئله **آزادی بیان** است. **اتحاد جماهیر شوروی سابق** برنامه‌های سانسور دولتی را به صورت وسیعی اجرا می‌کرد. مرکز اصلی فرماندهی حفاظت از اسرار نظامی و دولتی با نام **گلاویلت** مرکز اصلی سانسور دولتی در شوروی سابق بود **گلاویلت** حتی بر برچسب‌های **مشروب** و ودکا نظارت داشت پرسنل این مرکز سانسور در همه دفاتر روزنامه‌ها و انتشارات اتحاد جماهیر شوروی حاضر می‌شدند و ۷۰۰۰ سانسورچی وظیفه نظارت بر اطلاعات قبل از چاپشان را برعهده داشتند. هیچ رسانه جمعی نتوانست از زیردست کنترل‌های **گلاویلت** رهایی یابد همه شبکه‌های **رادیویی** و **تلویزیونی** موظف بودن تعدادی از پرسنل **گلاویلت** را در شورای سردبیری خود استخدام کنند.

عده‌ای از متفکران سانسور را مصداقی از سرکوب دیدگاه‌ها یا بهره‌برداری از تبلیغات منفی، دخالت در کار رسانه‌ها و روابط اجتماعی یا ارائه اطلاعات نادرست یا حتی ایجاد مراکز آزادی بیان می‌دانند. درهریک از این روش‌ها اطلاعات مطلوب با سیاست جلوگیری از کسب مخاطب توسط عقاید مختلف و تشکیل جلسات بحث آزاد و دادن میدان به عقاید به حاشیه رانده شده به افراد جامعه تحمیل می‌شود.

گاهی اوقات اطلاعات خاص و منحصر به فرد که عده خاصی از آن باخبر هستند در یک فضای شبه سانسور نگهداری شده و به عنوان عقاید براندازانه یا نامناسب با آن‌ها برخورد می‌شود. **میشل فوکو** در سال ۱۹۷۸ متن اخلاق جنسی و قانون را منتشر کرد که اولین بار در *La loi de la pudeur* با ترجمه تحت‌اللفظی: **قانون پاکی و درستی** که



در طی آن **تجاوز جنسی** غیرقانونی و قوانین مربوط به سن فرد برای برقراری رابطه جنسی رضایت داشت رابطه مذهبی را جرم ندانست.

جلوگیری از دسترسی افراد به ابزارهای اشاعه عقاید هم نوعی سانسور محسوب می شود این سیاست ها معمولاً توسط ارگان های دولتی مانند **کمیسیون ارتباطات فدرال** در ایالات متحده و کمیسیون ارتباطات راه دور رادیو - تلویزیون کانادا (CRTC) در کانادا اعمال می شوند. حتی روزنامه هایی که از چاپ مطالبی که ناشر با آن ها موافق است خودداری می کنند، مسئولین سانسورهای سخnerانی که سالن ها را به افراد خاصی اجاره نمی دهند؛ و افرادی که از حمایت مالی چنین سخnerانی هایی خودداری می ورزند از عاملین این سیاست ها هستند. **حذف صداهای خاص** در فضای جامعه هم نوعی سانسور محسوب می شود. حذف این افکار ناشی از عدم موفقیت رسانه های جمعی در برقراری تماس با متهمان است (و بنابراین این رسانه ها برای انعکاس اخبار تنها از منابع دولتی کمک می گیرند) سانسور باعث شده است که مرز بین اخبار واقعی و تفسیرهای آن مبهم و نامشخص شود و حتی رسانه ها مفسرانی را به خدمت بگیرند که دارای تمایلات جزئی خاص هستند مانند **نانسی گریس**، مقام دولتی سابق که در برنامه هایی با عنوان اخبار واقعی حضور داشت اما در واقع به تفسیر مطالب می پرداخت.

توجه رسانه ها به عدم انعکاس **اخبار** بحث برانگیز و مورد توجه بخشی از قشرها جامعه مانند جلوگیری از پخش اخبار دقیق مرگ و میرهای دسته جمعی در میان افراد جامعه ای که مورد حمله قرار گرفته است یا در حال جنگ است نوعی سانسور محسوب می شود. ارائه اخبار پرزرق و برق در مورد محصولات یا خدمات مورد توجه رسانه خبری، مانند پخش اخبار در مورد مقایسه قیمت انواع ماشین یا سفرهای تفریحی به جای پخش اخبار در مورد **هنر، صنایع دستی** و باغبانی در واقع نوعی سانسور اطلاعات در جهت زیبا جلوه دادن برخی از امور است.



خود سانسوری، معمولاً قوانین فرهنگی و تجاری حاکم بر یک فضا و نه یک قدرت سانسورچی این نوع سانسور را تحمیل می‌کند. وقتی یک رسانه تصمیم می‌گیرد که در جهت منافع خود اطلاعات را دچار تحریف کند و دیدگاهی یکطرفه را ارائه کند به خود سانسوری دست زده‌است. مثلاً دیدگاه‌های احساسی و بدون پایه و اساس علمی در مورد **انرژی هسته‌ای**، **مهندسی ژنتیک** و داروهای شفابخش نوعی سانسوری است همچنین وقتی سیاستمداران یا اصحاب فرهنگ جامعه از رسانه‌ها انتظار دارند که مسایل اخلاقی را در نظر بگیرند برای مثال **کاریکاتورها** یا **پیامبر اسلام** را چاپ نکنند.

منع و اجازہ

از زمان اختراع صنعت چاپ، توزیع بروشورهای محدود محصولات مختلف به عنوان یک راهکار برای مقابله با منابع ضروری قدرتمند مطرح شد با استفاده از شبکه‌های اطلاعاتی گسترده، سیستم‌های ذخیره اطلاعات و سیستم‌های به اشتراک‌گذاری فایل نقطه به نقطه غیر متمرکز مانند فری نت بر برخی از انواع سانسور غلبه کرده‌ایم. در پدیده‌ای جدیدتر که نوعی پدیده ضد سانسور است فرد مستقیماً با افراد جامعه صحبت می‌کند و عقاید فرهنگی خود را برای آن‌ها بیان می‌نماید. افراد مختلف از روش‌های برقراری ارتباط جمعی استفاده می‌کنند تا از تحریف اصطلاحات توسط رسانه‌های ارتباط جمعی قدرتمند جلوگیری کنند. در طول تاریخ اعتصاب و تظاهرات دسته جمعی به عنوان یک روش در مقابله با تحمیل‌های ناخواسته مطرح بوده‌است اگر چه امروزه با استفاده از سیستم‌های آمپلی فایر می‌توان به راحتی کنترل سخنرانی درمیان یک جمعیت را در دست گرفت. تکنولوژی تقویت صوت باعث شده‌است که عده‌ای فکر کنند همه افرادی که در یک اجتماع یا تظاهرات حضور دارند با مطالبی که از تریبون پخش می‌شود موافق هستند و حال آنکه در واقعیت ممکن است اجتماع حاضر تنها با بخشی از آنچه اعلام می‌شود همسو باشد به هر حال اعلام نظر جمع از طریق رسانه‌ها و



شبکه‌های ارتباطی براساس آنچه در پشت تریبون گفته شده‌است نوعی سانسور نظرات تک تک افراد حاضر در آن جمع است. جالب تر آنکه **سانسور ادبیات جنسی** در ایالات متحده همواره به صورت ارائه تلفظ‌های غیر آمریکایی صورت نمی‌گیرد. مثلاً به جای "shit" ممکن است از نسخه زبان‌های اسکاتلندی یا انگلیسی بریتانیایی یعنی "Shite" یا به جای "Fuck" از "fook" استفاده شود. (توجه: در اوایل سال ۲۰۰۴ این مطلب در تلویزیون FCC اعلام شد قبل از آنکه این شبکه متحمل جرایم اعلام شده شود) امروزه سانسور به شکل محدود کردن دسترسی مناسب به اطلاعات عمومی بر اساس روش‌های بهینه تر از اطلاعات الکترونیکی توسط موسسات قانون گذار. درحالیکه حق دسترسی و پخش گزارش‌های مبتنی بر اطلاعات عمومی به موسساتی محدود می‌شود که می‌توانند اسناد کاغذی را اسکن کرده و سپس بخوانند. هزینه خرید کاغذ و دیگر لوازم مورد نیاز برای انعکاس اطلاعات در مقایسه با هزینه کپی کردن بسیار زیاد بوده و همین امر در قانون مند کردن اشاعه اخبار در مورد دولت‌ها نقش زیادی دارد در دنیای شبکه‌های الکترونیکی گسترده و دنیای الگوریتم‌های امنیتی پیشرفته که دسترسی به چنین شبکه‌هایی را قانونمند می‌کنند و با توجه به هزینه پایین بازنمایی تصاویر، تحمیل هزینه‌های گزاف بر صنعت نشر که در انعکاس اخبار به صورت محدود نقش عمده‌ای دارد با قوانین مالیات نثری که در آمریکا اعمال می‌شود اما در قرن ۱۷ از قوانین آمریکا حذف شد برابری می‌کند. حتی ارتباطات شبکه‌ای کاملاً باز می‌تواند مامنی برای سانسور باشد چنین شبکه‌هایی بر اساس تکنولوژی‌هایی کار می‌کنند که درمیان همه افراد جامعه به صورت مساوی توزیع نشده‌است افرادی که منابع کافی برای دسترسی به چنین شبکه‌هایی را در اختیار دارند و حتی ممکن است برای خیلی از افراد ناشناخته باشند از این قدرت دسترسی خود برای تولید اطلاعات استفاده می‌کنند و این اطلاعات را که قبلاً توسط افرادی که کاربر شبکه نبودند تولید می‌شد را براساس نظر افراد قدرتمند تهیه می‌نمایند .



سانسور



سانسور در سراسر جهان

بر پایه کشور

اتحاد جماهیر شوروی	جمهوری چین (تایوان)
اسپانیا	جمهوری خلق چین
استرالیا	دانمارک
اسرائیل	روسیه
آسیای جنوبی	ژاپن
الجزایر	ساموآ
آلمان	سنگاپور
ایالات متحده	سوئد
ایتالیا	عراق
ایران	عربستان سعودی
ایرلند	فرانسه
برزیل	فنلاند
برمه	کانادا
بریتانیا	کره جنوبی
بلاروس	کره شمالی
بوتان	کوبا
پاکستان	مالزی
پرتغال	نیوزیلند
تایلند	هند
ترکیه	هنگ کنگ (PRC)
تونس	ونزوئلا





سانسور بیشتر در کشورهای جهان سومی و کشورهایی که اصل سکولاریسم را رعایت نمی‌کنند رخ می‌دهد، ولی این بدان معنا نیست که در کشورهای دیگر رخ نمی‌دهد، به عنوان مثال سانسور در ترکیه که یک کشور سکولار است متداول است یا سانسور تصاویر در شوروی سابق متداول بوده است.

سانسور رسانه‌ها

- کتاب‌های ممنوع شده در ایران
- کتاب‌های ممنوعه
- فیلم‌های ممنوعه
- سانسور موسیقی
- ویرایش مجدد فیلم
- ویرایش مطالب در سطح بین‌المللی
- مسئله بازی‌های ویدئویی
- رسانه شرکتی
- بخش سانسور ویکی‌پدیا
- انواع دیگر سانسور
- قوانین تبلیغات
- سانسور در فضای سایبر
- سانسور در رژیم‌های فاشیستی
- سانسور توسط موسسات مذهبی
- سانسور مشترک
- سانسور نامه‌ها



نتیجه **سانسور** اینست که هیچ کسی اجازه ندارد هیچ کتابی را بخواند به جز کتاب هایی که هیچ کسی نمی خواند. 🕊️ **جرج برنارد شاو**

شما خیال کردید کتاب های مرا **سانسور** کنید می آیند کتاب های شما را می خوانند؟ نه، ملتی که به **سانسور** عادت کند نه کتاب شما را می خواند، نه کتاب من را! 🕊️

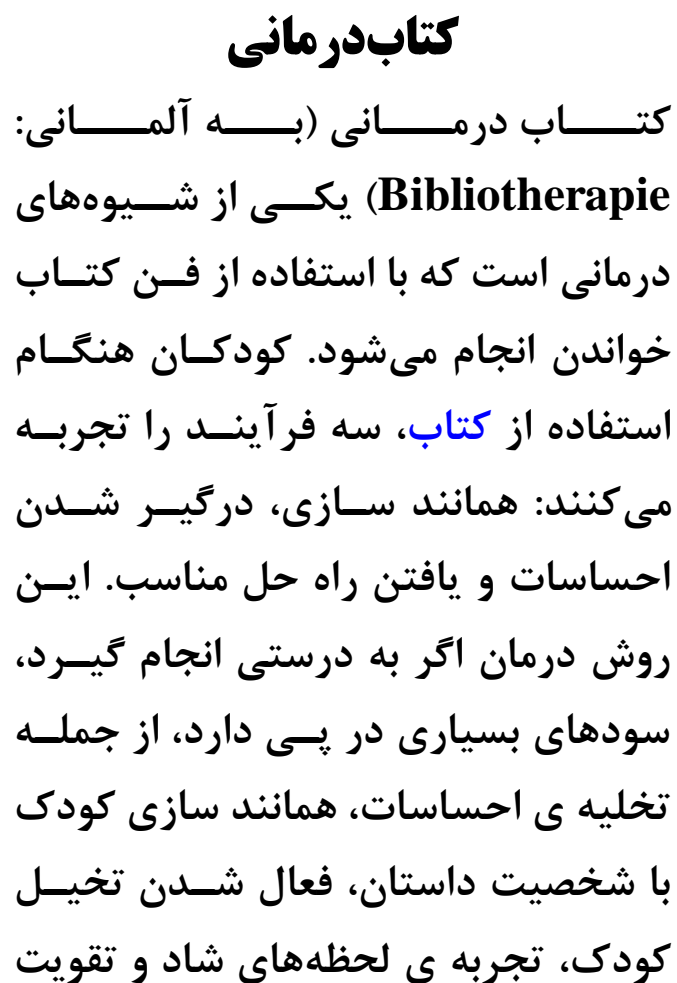


علی اشرف درویشیان

از نظر من برای بیدار شدن ، لازم نیست حتما کتاب های سانسور شده و ممنوعه را بخوانیم ، کافست اهل کتاب و مطالعه باشیم ؛ آن گاه خواهیم دانست چه چیزهایی (افکار و اندیشه ها) ممکن است سانسور شده باشند و چرا؟! کسی که کتاب نمی خواند ، نه کتاب های سانسور شده می خواند ، نه سانسور نشده را!

amoleituraoficial Stop and tell us what book you are reading...





کتاب درمانی چیست؟

A group of 15 young adults, mostly women, are posing for a group photo in front of a carousel. They are arranged in two rows, with some standing and some kneeling or sitting in the front. Many of them are holding books, including titles like 'The Hate U Give', 'The Girl on the Train', 'The Vanishing Half', and 'The Book of Lost Things'. A brown dog is lying on the ground in front of the group. The background shows the ornate structure of the carousel and a modern building with large glass windows.

یونسکو در سال ۱۹۷۸ با سواد تابعی را چنین تعریف کرده است: باسواد تابعی شخصی است که پس از کسب مهارت‌ها و معلومات اساسی بتواند در همه فعالیت‌های اجتماعی، که مستلزم سواد است، به نحو مؤثری شرکت جوید و با استفاده از توانایی‌های خواندن، نوشتن و حساب کردن، برای رشته خود و توسعه جامعه اش گام بردارد. به عبارت دقیق تر، سوادآموزی تابعی، خود تابعی انجمن کتابداران آمریکا **سواد اطلاعاتی** را توانایی تشخیص نیاز به اطلاعات و توانایی مکان‌یابی، ارزیابی، و استفاده مؤثر از اطلاعات مورد نیاز تعریف می‌کند.



مراجعان کتابخانه عمومی نیویورک در حال مطالعه و درس خواندن



کتابخانه عمومی نوعی کتابخانه است که توسط عموم مردم قابل دسترسی است و معمولاً هزینه‌های آن از منابع عمومی مانند مالیات‌ها تأمین می‌شود. کتابخانه عمومی توسط کتابداران عمومی اداره می‌شود.

۱. کتابخانه به شهرهای افسرده و مناطق حاشیه‌نشین آن جنب و جوش می‌بخشد.
۲. کتابخانه یکی از شرکای مهم در پایداری زیست محیطی است.
۳. مجموعه‌های خاص کتابخانه در تطابق با نیازهای جامعه‌شان شکل می‌گیرد.
۴. کتابخانه آرشیو، منابع و تاریخ شفاهی محلی خود (از جمله گروه‌های اقلیت) را حفظ می‌کند.
۵. کتابخانه جایی است که مردم برای شناخت خود و محله‌شان، به آن مراجعه می‌کنند.
۶. کتابخانه در حل مشکلات اجتماعی، نقش تسهیلگر را ایفا می‌کند.
۷. کتابخانه با سرآمدی، بازتاب و ترویج ارزش‌های مردم‌سالاری، بخشی از زندگی سیاسی جامعه است.



۸. ساختمان کتابخانه، فضای معماری فرهنگی را تامین می کند.
۹. کتابخانه منابع تجاری مهم را به ویژه برای کسب و کارهای کوچک محلی فراهم می کند.
۱۰. کتابخانه تضمین می کند آن دسته از اهالی که به زبان رسمی سخن نمی گویند، جایگاه خود را در جامعه محلی بیابند.
۱۱. کتابخانه اطلاعات مفیدی درباره جوامع جدید به مهاجران می دهد و فرصت های ارتباطی را به آن ها معرفی می کند.
۱۲. کتابخانه اطلاعات، منابع و حمایت خود را از گروه های خاص و معلولین دریغ نمی کند.
۱۳. کتابخانه امکان مطرح شدن رابرای هنرمندان غیر حرفه ای محلی فراهم میکند.
۱۴. کتابخانه دوره های آموزشی رایگان برای آشنایی با هنر و ترغیب به آن برگزار می کند.
۱۵. کتابخانه دسترسی به هنر را برای همه، حتی فقرا، فراهم می کند.
۱۶. کتابخانه با منابع و خدمات فیزیکی و آنلاین، مثل دانشگاه مردم عمل می کند.
۱۷. کتابخانه فرصت هایی برای دسترسی از راه دور به خدمات فرهنگی و آموزشی فراهم می کند.
۱۸. کتابخانه فراتر از ارائه محتوا، کاربران را قادر به ایجاد محتوای خود می کند.
۱۹. کتابخانه گفتمان مدنی و فعالیت های شهروندی را ترویج می کند.
۲۰. کتابخانه مهارت های مهم زندگی را به نوجوانان می آموزد.
۲۱. کتابخانه با کمک به تکالیف درسی و برنامه های تابستانی خواندن، کیفیت عملکرد تحصیلی کودکان و نوجوانان را تضمین می کند.
۲۲. کتابخانه می تواند در تربیت و پرورش کودکان نقش مهمی ایفا کند.



تبادل کتاب



مبادله کتاب یا تبادل کتاب عمل مبادله کتابها بین یک نفر و دیگری است. درمیان گروه‌های کتاب‌ها، دوستان و همکاران در محل کار انجام می‌شود. آن یک راه ارزان برای مردم برای تبادل کتابها فراهم می‌کند، کتاب‌های جدید را پیدا می‌کنند و یک کتاب جدید برای خواندن بدون پرداخت وجه به دست می‌آورند. به دلیل اینکه

معاوضه بین افراد، بدون توزیع مرکزی یا انبارداری، و بدون سود مالک کپی رایست، رخ می‌دهد. سیستم‌های نظیر به نظیر مانند بیت تورنت مقایسه شده‌اند. بجز اینکه آنالوگ اصلی هارد کپی مبادله شده‌اند.

برنامه‌های تبادل کتاب کالج

بسیاری از دانشگاه‌ها و کالج‌ها برنامه‌های مبادله آنلاین را برای کمک به دانش پژوهان برای نگه داری پول بر روی کتاب‌های درسی توسعه داده‌اند. تعدادی از کالج‌ها سیستم‌های خود را و سیستم‌های کاربردی‌شان را از فراهم کنندگان خدمات شخص ثالث می‌سازند.





وب سایت های مبادله کتاب

وب سایت های مبادله کتاب

• [Book swapping](#) ، یک سایت مبادله کتاب

آنلاین

• [BookCrossing](#)

• [BookMooch](#)

• [Collaborative consumption](#)

• [Netcyclcr](#)

• [Swap.com](#)

• [ReadItSwapIt](#)

• [Lenro](#) ، مربوط به خوانندگان به صورت محلی (همان کالج، محله)

Bookup، یک برنامه کتاب چاپی برای Ios

ReadItSwapIt، یک سایت

مبادله آنلاین کتاب

Little Free Library

پست های تجاری که کتاب های

رایگان جای داده شده در ظروف

کوچک به اعضای جامعه محلی

WhatsOnMyBookshelf، یک

سایت مبادله آنلاین کتاب

PaperBackSwap





کتاب در گردش

کتاب در گردش^۳، در واقع به معنای رها کردن کتاب در مکانهای عمومی است تا بوسیله اشخاص دیگر برداشته شود و بعد از خوانده شدن بار دیگر در مکانی عمومی رها شود تا دیگر افراد نیز از آن کتاب بهره مند شوند. این واژه برگرفته شده از نام یک باشگاه کتاب خوانی مجازی به نام bookcrossing.com می باشد که جهت تشویق مردم به کتابخوانی و با شعار تمام دنیا را یک کتابخانه کنید تأسیس شده است.

تاریخچه

ایده کتاب در گردش اولین بار توسط ران هورنیکر در مارس ۲۰۰۱ مطرح شد. حدود ۴ هفته بعد در ۱۷ ام آوریل او سایت را راه اندازی کرد، سایتی که در سراسر دنیا رشد و گسترش یافت. در آوریل ۲۰۰۳ سایت



بیش از ۱۱۳,۰۰۰ عضو داشت و در سال ۲۰۰۴ واژه "bookcrossing" وارد فرهنگ لغت آکسفورد شد. در مارس ۲۰۱۲ تعداد اعضای این وب سایت از یک میلیون گذشت و تعداد کتابهای ثبت شده در آن به رقم ۸,۵۰۰,۰۰۰ رسید .

کتاب در گردش در فرانسه

³ - BookCrossing)





کتاب دست دوم

کتاب دست دوم^۴، کتاب استفاده شده یا مستعمل، کتابی است که صاحب اولیه آن، شخص یا کتابخانه‌ای باشد غیر از ناشر اصلی یا کتابفروش.



⁴ - Used book





جنون کتاب

قفسه‌های با انبوه کتاب‌های درهم و نامرتب می‌تواند یکی از نشانه‌های ابتلا به جنون کتاب باشد. جنون کتاب^۵، می‌تواند نشانه‌ای از **اختلال وسواس فکری عملی** باشد که با گردآوری و انباشتن کتاب مشخص می‌شود و این علاقه به گردآوری کتاب می‌تواند تا جایی پیش برود که فرد را از روابط اجتماعی بازدارد و به سلامت او آسیب برساند.

جنون کتاب را نباید با **کتاب‌دوستی** اشتباه

گرفت که علاقه طبیعی و عادی به کتاب است و به عنوان یک اختلال روانی کلینیکی در نظر گرفته نمی‌شود. از دیگر رفتارهای غیرطبیعی مربوط به کتاب می‌توان به **کتاب‌خوری**^۶، نیاز به **کتاب‌دزدی**^۷ و **خاک‌سپاری کتاب**^۸ اشاره کرد.

ویژگی‌ها

در میان رفتارهای غیرمعمول مربوط به کتاب، جنون کتاب حالتی است که فرد به گردآوری کتاب‌هایی می‌پردازد که برای گردآورنده هیچ سودی ندارند و او برای آنها هیچ ارزش ذاتی قائل نیست. خرید نسخه‌های متعدد از یک کتاب و خرید بیشتر از گنجایش منزل می‌توانند از نشانه‌های آن باشند **DSM-IV**، جنون کتاب را یک اختلال روانی ندانسته است.

^۵- Bibliomania

^۶-bibliophagy

^۷-bibliokleptomania

^۸-bibliotaphy





اصطلاح جنون کتاب (Bibliomania)، اولین بار به دست (جان فریار) ۱۷۶۱-۱۸۱۵، پزشک درمانگاه سلطنتی منچستر در شعری به کار رفت که او برای دوستش ریچارد هبر (۱۷۷۳-۱۸۳۳) نوشت. در آغاز سده نوزدهم از این اصطلاح برای نامیدن افرادی به کار رفت که علاقه عجیبی در گردآوری کتاب دارند. در سال ۱۸۰۹ میلادی، توماس فراگنال دیدین کتابی با عنوان جنون کتاب؛ یا دیوانگی برای کتاب را منتشر کرد؛ فیلیپ کانل، منتقد ادبی، این کتاب را «مجموعه‌ای از دیالوگ‌های عجیب بی‌هدف دانسته که تقلیدی مسخره از آسیب‌شناسی است و با تصویرهای زیاده از حد انباشته شده و در ویرایش دوم پُر از پانویس‌های متعدد درباره کتابشناسی و تاریخچه گردآوری کتاب است» دانسته‌است. نشانه‌های افراد مبتلا به جنون کتاب در نوشته دیدین، «علاقه شدید به کتاب‌های بریده نشده، کاغذ نرم، نسخه‌های منحصربه‌فرد، ویرایش‌های اول، کتاب‌های گوتیک، نسخه‌های تصویردار و کتاب‌های غیرقانونی» است.

منابع

- مشارکت‌کنندگان ویکی‌پدیا. «Bibliomania». در *دانشنامه ویکی‌پدیای انگلیسی*، بازبینی‌شده در ۱۰ تیر ۱۳۹۳.

پیوند به بیرون

- گفتگوی بوک‌نوتز با نیکولاس باسبانس درباره کتابش با نام یک دیوانگی قابل احترام: کتابدوستی و جنون کتاب، ۱۵ اکتبر ۱۹۹۵
- دختر را ول کن؛ کتاب را بچسب - تأثیر جنون کتاب بر از بین رفتن روابط شخصی افراد





کتاب آزاری

کتاب آزاری^۹ عملی با قدمت بسیار است که طی آن، صفحات کتاب (به خصوص کتاب‌های نایاب و آن‌هایی که دارای نقشه یا تذهیب هستند)، توسط مالک نسخه، از آن جدا شده و به فروش می‌رسند. کتاب آزاری اغلب با انگیزه‌های اقتصادی رخ می‌دهد و زمانی افزایش می‌یابد که ارزش مادی

صفحات جدا شده، از ارزش مادی کتاب دست‌نخورده بیشتر باشد. همین‌طور، **گردآورندگان کتاب** نسبت به ایجاد کوچک‌ترین ایرادی در کتاب‌های قدیمی و نایاب، حساسیت زیادی به خرج می‌دهند که عملاً این کتاب‌ها را غیرقابل فروش کرده است. اوج این عمل در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۸۰ میلادی رخ داد چراکه قیمت نقوش قدیمی به خصوص نقشه‌های کهن، از کتاب‌های نایاب، پیشی گرفت. با این‌همه، به این علت که بسیاری از کتاب‌های نایاب و ارزشمند دچار آسیب‌دیدگی شدند، قیمت کتاب‌های نایاب، افزایش یافته و میل به کتاب آزاری، کاهش یافته است. گردآورندگان کتاب نیز نرمش بیشتری در برابر ایرادهای جزئی کتاب‌ها به خرج می‌دهند. اصطلاح کتاب آزاری، معمولاً به سرقت آشکار صفحات کتاب، در مواردی که کتاب آزار مالک کتاب مورد نظر نیست، اطلاق نمی‌شود. با این‌همه، موارد زیادی از سرقت صفحات دارای تذهیب و نقشه‌های قدیمی از کتابخانه‌ها وجود دارد. در ایران نیز برخی از اسناد کتابخانه‌ای (در مواردی کتاب‌های نایاب)، توسط مراجعان، آزار دیده و آسیب می‌بینند.

^۹ - Bookbreaking





صفحه‌ای از یک نسخه خطی تذهیب‌کاری شده با نقاشی‌هایی به عنوان حاشیه‌نگاری (تصویر بالا)

نسخه به جا مانده به زبان اسپانیایی (تصویر پایین)

حاشیه‌نگاری به هرگونه علامت‌گذاری در حاشیه کتاب یا سند، گویند که می‌تواند شامل تعلیقه،

حاشیه، تذهیب، نقد و یادداشت‌نویسی باشد. تعلیقه در نسخه‌های خطی کلاسیک، اولین شکل شناخته‌شده از حاشیه‌نگاری است. **قضیه آخر فرما**

معروف ترین حاشیه نویسی ریاضیاتی است. اولین
ثبت کلمه حاشیه نگاری (Marginalia) ، مربوط به

مجله بلک‌وود در ۱۸۱۹ است. ادگار آلن پو برخی از آرا و نوشته‌های پراکنده‌اش از ۱۸۴۵ تا ۱۸۴۹ را تحت

عنوان حاشیه‌نگاری جمع‌آوری کرد. پنج جلد از حاشیه‌نویس‌های ساموئل، تلور، کولر، بچ منتشر شده

است. برخی از حاشیه‌نگاری‌های مشهور، خود آثاری

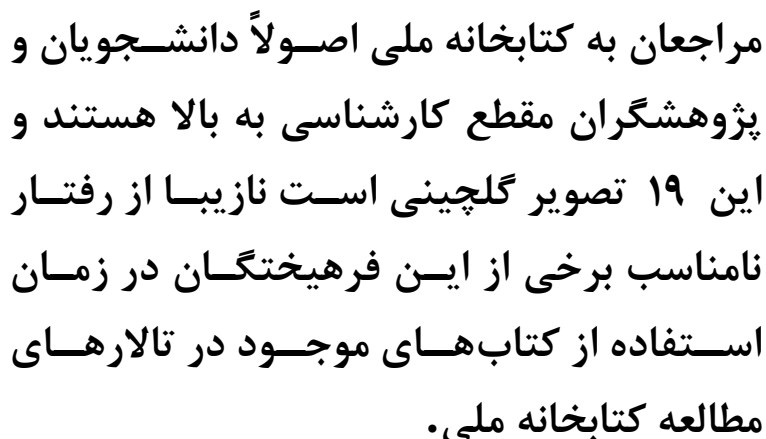
جدی و کامل بودند که به دلیل کمبود کاغذ، در حاشیه آثار دیگر نگاشته شده‌اند. **ولتر** اثری را هنگامی که در زندان بود، در حاشیه کتابی نوشت. **والتر رالی**، پیش از اعدام، بیانیه شخصی‌اش را در حاشیه کتابی نگاشته است. از دهه ۱۹۹۰ و با گسترش **کتاب‌های الکترونیک**، شکل محدودی از امکان حاشیه‌نویسی در کتاب‌خوان‌ها به وجود آمده است.

¹⁰ - Marginalia



برخی از اعضای کتابخانه ملی که قشر دانشگاهی کشور را شامل می‌شوند، تعدادی از کتاب‌های کم‌یاب آن را مورد آسیب جدی قرار داده‌اند. این کتاب‌ها برای متنبه کردن آسیب‌رسانان اخیراً در ورودی تالار مطالعه کتابخانه ملی به نمایش درآمده‌اند.

به گزارش خبرنگار مهر، به تازگی تصاویری از کتاب‌هایی که از سوی برخی مراجعان به کتابخانه ملی ایران به شیوه‌هایی از قبیل کشیدن ماژیک روی متن کتاب، پاره کردن صفحات، ریختن چایی و نوشیدنی‌های دیگر بر آن و حاشیه‌نویسی در صفحات کتاب، آسیب دیده‌اند، در یکی از بخش‌های این کتابخانه به نمایش درآمده است.



نمایشگاه کتاب‌های آسیب دیده از سوی
تعدادی از این دانشجویان و پژوهشگران عضو
کتابخانه ملی در ورودی همان مکانی که آنها
کتاب‌ها را برای مطالعه تحویل
می‌گیرند (تالارهای مطالعه)، برپا شده است؛
هدف شاید این باشد؛ تلنگری به جامعه
فرهیخته دانشگاهی ما. (شاید هم به صدا
درآوردن زنگ خطر!).



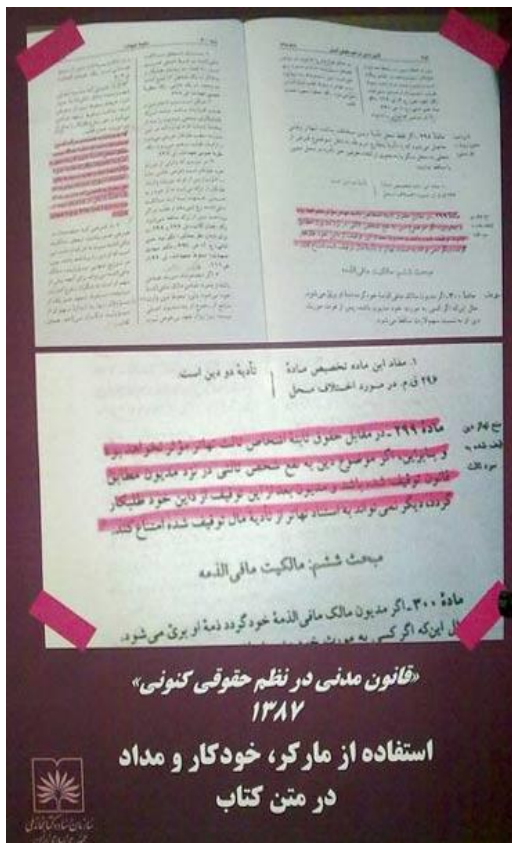


بر اساس مقررات عمومی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، خدشه دار کردن میز و صندلی، آسیب رساندن به کتابها و منابع کتابخانه، هر نوع خط کشی و علامت گذاری در منابع، گذاشتن هر نوع وسیله از جمله قلم و... بین صفحات کتابها، اختلال در سیستمهای رایانه‌ای و موارد مشابه علاوه بر لغو عضویت، مستوجب برخورد قانونی نیز خواهد بود.

این در حالی است که تصاویر نمایشگاه اخیر نشان می‌دهد برخی از مراجعان تنها به استفاده از خودکار، مارکر و مداد در متن کتاب، ریختن چای روی صفحات آن، استفاده از صفحات خالی به جای چرک نویس و اقداماتی از این قبیل اکتفا نکرده‌اند و با پاره کردن برخی صفحات - لابد مورد نیازشان (!) - چرخه این رفتار نامناسب با «یار مهربان» را تکمیل کرده‌اند.

متأسفانه تمام این اتفاقات در مورد برخی نسخ خطی و تک نسخه‌ها - کتاب‌هایی که تنها یک نسخه از آنها در تالارهای مطالعه موجود است - هم رخ داده است؛ به عنوان مثال تعدادی از صفحات کتاب «**تحفه المجالس**» (نسخه متعلق به سال 1326) از سوی یکی از اعضا که آن را به امانت گرفته، پاره شده است.

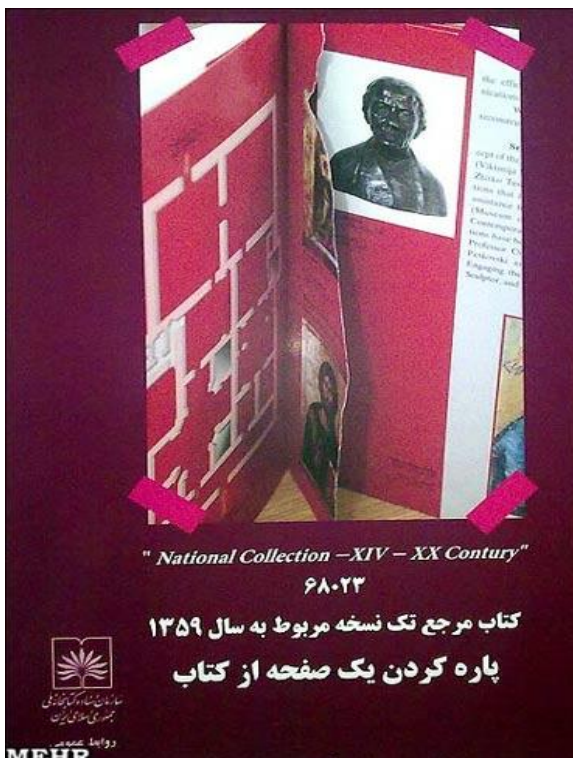




در موردی دیگر، تعداد زیادی از صفحات میانی کتاب مهم و کم‌یاب «فرهنگ اساطیر یونان و رم» نوشته پیر گریمال به شماره ثبت ۵۸۸۴۴۲ که تنها یک نسخه از آن (مربوط به سال ۱۳۵۶) در کتابخانه ملی موجود است، پاره شده است.

بر اساس مقررات عمومی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران همچنین «همراه داشتن هر گونه مواد خوراکی و آشامیدنی و تنقلات در سالن ورودی و تالارهای مطالعه ممنوع است». این در حالی است که صفحات برخی از کتاب‌ها به دلیل ریختن چایی و بعضاً شکر، اصلاً باز نمی‌شود و متن کتاب اساساً قابل

بازیابی هم نیست! در بند ۱۹ و پایانی مجموعه مقررات مذکور آمده است: «عدم رعایت مقررات کتابخانه موجب ابطال کارت عضویت شده و مراتب به خانواده عضو و دستگاه



معرفی کننده، اعلام و گزارش تخلف جهت پیگرد قانونی به مراجع ذیصلاح ارسال خواهد شد».

البته تاکنون هیچگونه گزارشی از این «پیگیری قانونی» از سوی کتابخانه ملی صورت نگرفته - و یا دست کم خبر آن منتشر نشده است - شاید برپایی این نمایشگاه آخرین هشدار به اعضای باشد که با رفتار نامناسب خود با «یار مهربان» امکان استفاده از آن را برای دیگران هم از بین می‌برند.

-----عکس و گزارش از کمال صادقی



خوانایی

خوانایی^{۱۱} نشان دهنده میزان سهولت خواندن و فهمیدن نوشته‌ها است. یک متن خوانا متنی است که خوانند آن بتواند به صورت روان آن را بخواند و به آسانی مفهوم آن را درک کند. سنجش خوانایی یکی از حوزه‌های پژوهشی مطالعات خواندن است که در پی یافتن احتمال موفقیت خواننده در خواندن و درک یک نوشته است و در این راستا، عوامل مؤثر در موفقیت خواننده شدن و فهمیده شدن متن را بررسی می‌کند.

تاریخچه

در سال ۱۹۲۳ نخستین فرمول سنجش خوانایی مطرح شد و با استقبال ناشران در مدت کوتاهی پس از آن، بیش از ۲۰۰ فرمول با مؤلفه‌های مختلف پدید آمد. انتقاداتی نیز به این فرمول‌ها وارد شد و در نتیجه سنتز این ایده‌ها، آزمون‌های کلوز، عوامل برون‌متنی، مفهوم بازدهی خواندن، چگالی متن، سطح‌بندی متن و فرمول‌های جدید خوانایی مطرح شدند. هم‌زمان، نهضت‌های زبان ساده، ساده‌نویسی و... نیز فعال شدند. نتایج این مطالعات به سرعت در زمینه ارتباطات جمعی، منابع آموزشی، **خدمات عمومی**، اسناد حقوقی و... کاربردهای خود را یافتند. **مطالعات کلاسیک** این حوزه در دهه ۱۹۳۰ با هدف تطبیق سطح متن با مخاطبان دانشجو و بزرگسال انجام شد که به تحلیل‌های آماری ادبیات، ظهور فهرست‌های تکرار واژگان و تدوین فرمول‌های کلاسیک خوانایی انجامید.

کاربردها

سنجش خوانایی در حوزه‌های مختلف، از جمله ارزشیابی کتاب‌های درسی، تحلیل ارتباطات جمعی و گروهی، روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها، داستان‌ها، اخبار رادیو و تلویزیون، آگهی‌های تجاری، گزارش‌های سالیانه شرکت‌ها، موافقت‌نامه‌ها و اسناد، بیمه‌نامه‌ها، سطح سواد و سطح درک و فهم فراگیران کاربرد دارد.

¹¹ -Readability, legibility

سنجش

مفهوم درجه ایده‌آلی (I) یک متن (t) برای خواننده مورد نظر (r) به صورت رابطه زیر تعریف شده است :

در این رابطه U نمایانگر میزان اطلاعات قابل استفاده‌ای است که خواننده دریافت می‌کند، نماد E نشان دهنده انرژی صرف شده برای دریافت اطلاعات است که زمان و تلاش مصرف شده را نشان می‌دهد. نماد X نیز بیانگر برداشت‌های نادرست یا مبهم خواننده است. هر چه صورت این کسر بزرگتر و هرچه مخرج این کسر کوچکتر باشد، حاصل کسر بزرگتر شده و متن از درجه ایده‌آلی بالاتری برخوردار خواهد بود. شاخص‌های سنجش خوانایی اولیه بر مبنای سنجه‌های واژگانی و بعضاً نحوی به دست می‌آیند. ویژگی‌های واژگانی در عمل بر میزان سختی واژه تمرکز دارند و بر سه عامل تعداد واج‌ها، تعداد حروف و فراوانی واژه در متن استوارند. از جمله این فرمول‌ها و شاخص‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد :

- فرمول رادولف فلش
- شاخص خوانایی رابرت گانینگ
- فرمول دیل چال
- فرمول پاورز
- فرمول هولمکیست
- فرمول فلش کینکید

در تحقیقی که با عنوان «معیاری برای سطح خوانایی نوشته‌های فارسی» انجام شده است، فرمول فلش تعدیل شده و با عنوان فرمول فلش - دیانی برای فارسی ارائه شده است.



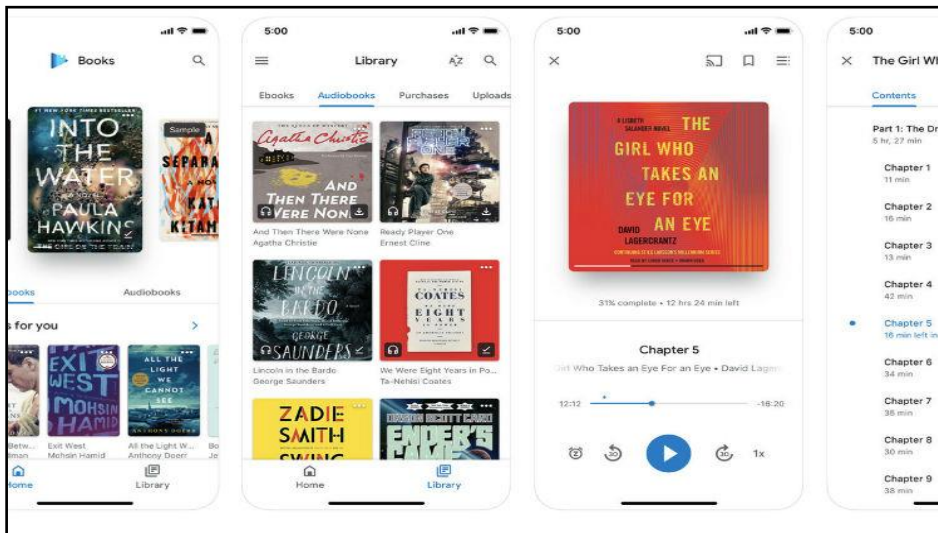
به بهانه روز جهانی کتاب الکترونیک؛ بهترین اپلیکیشن های کتابخوان برای موبایل



امروز روز جهانی کتاب الکترونیک است. کتاب‌هایی که هر چند به اعتقاد بعضی‌ها نمی‌توانند جای نسخه‌های کاغذی‌شان را پر کنند اما حتی اگر از این دسته هم باشید باز نمی‌توانید محبوبیت روز افزون این فرمت را به خصوص در یک دهه گذشته کتمان کنید. به همین مناسبت در مطلب پیش رو به سراغ بهترین اپلیکیشن‌های کتابخوان موبایلی رفته‌ایم که کمتر به آن‌ها پرداخته‌ایم. بنابراین اگر می‌خواهید با بهترین اپ‌های کتابخوان گوشی آشنا شوید، تا پایان همراه ما باشید.



بخش اول: کتاب‌خوان‌های صوتی انگلیسی



Google Play Books

ساز و کار Google Play Books

تفاوت چندانی با

بقیه اپلیکیشن‌های مشابه

ندارد و شاید مهم‌ترین

چیزی که فروشگاه را به

این حد از محبوبیت

رسانده نام گوگل و عرضه آن در زمانی باشد که هنوز کتاب‌های الکترونیکی به محبوبیت الان نرسیده بودند. هر چند با تمام این حرف‌ها Google Play Books همچنان قابلیت‌هایی دارد که بتواند نیاز علاقه‌مندان به کتاب‌های الکترونیکی را برطرف کند. هایلایت متن‌ها، پشتیبانی از فرمت مختلف کتاب‌ها و کامیک‌ها، وجود یک دیکشنری درون برنامه‌ای، داشتن حالت شب، خواندن ادامه مطالب روی یک دیوایس دیگر و حتی توانایی آپلود کتاب‌های شخصی در فضای ابری همگی از ویژگی‌های هستند که باعث شده‌اند Google Play Books به رکورد یک میلیارد دانلود روی اندروید برسد.

• Google Play Books

• قیمت: رایگان

• سازنده: Google

• سیستم عامل: iOS و اندروید

• حجم: 12.3 / 53.6 مگابایت

• دانلود: اپ استور و گوگل پلی



Google اگرچه در اندروید

Play Books بين بقيه

اپلیکیشن های کتاب خوان

پادشاھی می کند اما روی

iOS این محصول آمازون

است که توانسته گوی را از

رقبا بر باید. در این اپ کاربران

به مجموعه بزرگی از کتاب‌ها،

نمایش‌نامه‌ها، داستان صوتی و

اخبار دسترسی پیدا می کنند و جدا از استریم آنلاین، اگر خواستید می توانید فایل های

صوتی را دانلود کرده و بدون اینترنت به آن‌ها گوش بدهید. اما برخلاف Google Play

Audible Books که رایگان بوده و هر محصولی که خواستید را جداگانه می خرید،

نیازمند اشتراک ماهانه است و هر ماه باید نزدیک به ۱۵ دلار بپردازید تا اجازه استفاده

از سرویس را دریافت کنید. هر چند هنگام ثبت نام، آمازون یک ماه رایگان را به کاربر

تازه وارد سرویسش هدیه می‌دهد.

Audiobooks from Audible .

• **قیمت: رایگان با پرداخت درون برنامه ای**

• سازنده Audible :

• سیستم عامل iOS: اندروید

• حجم 25 / 83 : مگابایت

• داندود: اپ استور و گوگل پلی و لینک کمکی



Amazon Kindle



Amazon Kindle .

- 
- A silhouette of a person sitting on a dark, rounded surface, reading a book. The background is a light blue sky with many small white stars, suggesting a night scene. The person is facing right, and the book is held open in front of them.





Moon+ Reader



بزرگترین وجه
تمایز Moon+ Reader نسبت به بقیه
اپلیکیشن‌های کتاب
خوان، آزاد گذاشتن
دست کاربر در شخصی
سازی رابط کاربری
برنامه است. نوع فونت،
پس زمینه، تم برنامه،

حالت جستجو و نمایش همگی قابل تغییر هستند و به همین خاطر فضای اپ را آنگونه
که دوست دارید می‌توانید درست کنید Moon+ Reader. رایگان است اما با پرداخت
۴,۹۹ دلار تبلیغات حذف شده و پشتیبانی از فرمت پی دی اف هم به همراه قابلیت‌های
دیگری به برنامه اضافه می‌شود.

• Moon+ Reader

• قیمت: رایگان با پرداخت درون برنامه‌ای

• سازنده: Moon+

• سیستم عامل: اندروید

• حجم: 12.20 مگابایت

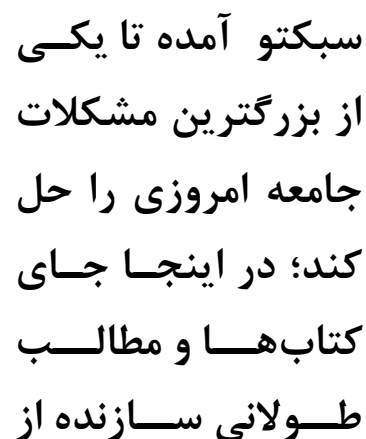
• دانلود:

• گوگل پلی

• لینک کمکی



سیکٹو



بیشتر محتویات سرویس سبکتو روی موفقیت و تغییر سبک زندگی می‌چرخد و بنابراین اگر از آن دسته کسانی هستید که حوصله کتاب‌های طولانی ندارید و می‌خواهید در مسیر پیروزی قدم بگذارید، سبکتو همان «یک تیر و دو نشان» معروفی است که باید به سراغش بروید.

- سبکتو - مطالعه به روش میکرو کتاب
- قیمت: رایگان
- سازنده: سبکتو
- سیستم عامل: اندروید
- حجم 5.8: مگابایت
- دانلود:
- [کافه بازار](#)



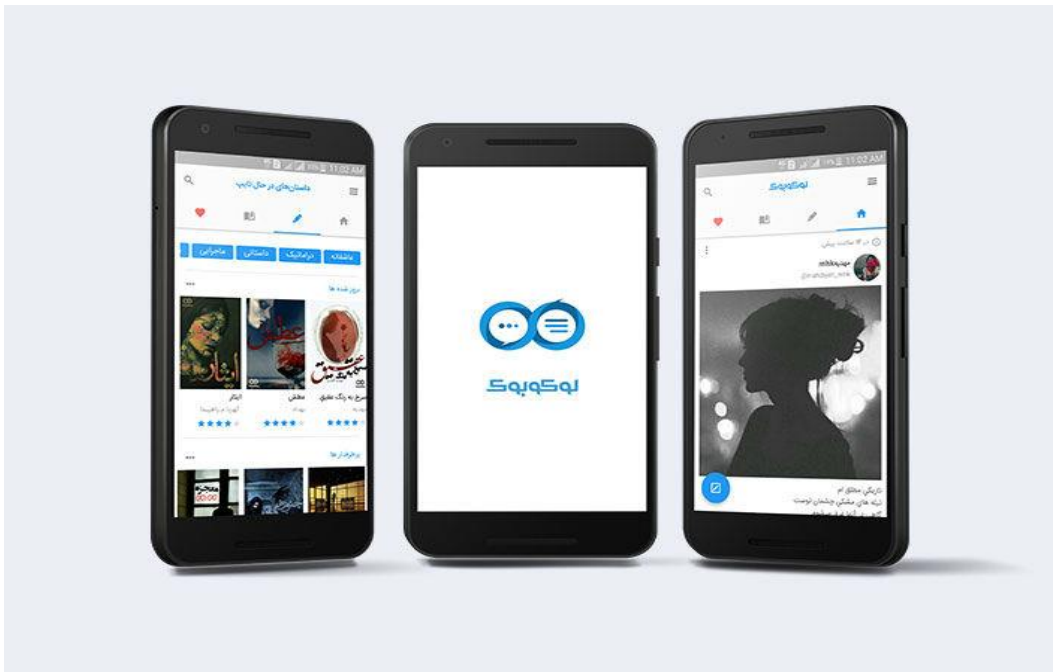
همانند بقیه
اپلیکیشن‌های لیست در
طاقچه هم به تعداد
زیادی از کتاب‌های
مختلف دسترسی پیدا
می‌کنید، می‌توانید قبل

از خرید کتاب چند دقیقه از آن‌ها را شنیده یا بخوانید و به واسطه قابلیت شخصی‌سازی، فرمت ظاهری متن‌ها را تغییر بدهید. اما طاقچه یک تفاوت جالب با بقیه کتاب‌خوان‌های فارسی دارد: شبکه اجتماعی. در اینجا کاربر می‌تواند دیالوگ خاصی از یک کتاب را با هزاران نفر دیگر به اشتراک بگذارد و با بقیه در رابطه با آن بحث کند. همچنین طاقچه یک بخش با نام «کتاب‌خوانه همگانی» دارد که با ثبت‌نام در آن به نسخه کامل تمام کتاب‌های موجود در این کتاب‌خوانه دسترسی پیدا می‌کنید و دیگر نیازی به خریدهای جداگانه هر محصول نیست.

- طاقچه: کتاب‌های الکترونیک و صوتی
- قیمت: رایگان
- سازنده: طاقچه
- سیستم عامل iOS و اندروید
- حجم 18.4: مگابایت
- دانلود: کافه بازار
- گوگل پلی
- نسخه iOS



لوکوبوک



اما اگر به دنبال یک شبکه اجتماعی گسترده تر نسبت به طاقچه هستید، لوکوبوک همان چیزی است که باید دانلود کنید. این

سرویس سه هدف را دنبال می کند؛ با سیستم نویسندگی آن می توانید داستان های خودتان را بنویسید، به کمک امکانات کتاب خوانی برنامه قابلیت این را دارید تا داستان های بقیه یا کتاب های خود سرویس را بخوانید و به لطف ذات اجتماعی سرویس هم با بقیه چت می کنید، پست می گذارید و نظراتان را در ارتباط با داستان ها به اشتراک می گذارید.

• لوکوبوک

• قیمت: رایگان

• سازنده: لوکوبوک

• سیستم عامل: iOS و اندروید

• حجم: 20.72 / 6 مگابایت

• دانلود:

• کافه بازار

• گوگل پلی

• سیب اپ



بخش چهارم: کتاب‌خوان‌های صوتی فارسی

نوار



نوار هم مشابه سبکتو سعی کرده مشکل زمان کاربران را این بار در قالب فایل‌های

صوتی حل کند. همکاری با ناشرین مختلف، کیفیت بالای صدا و وجود فایل‌های صوتی مختلف همگی نوار را به یک گزینه ایده آل برای کتاب‌خوان‌های صوتی تبدیل کرده ولی نوار یک ویژگی جذاب دیگر هم دارد؛ «کپسول‌ها» فشرده بهترین عناوین موفقیت و روانشناسی جهان هستند که در زمانی حدود ۱۵ دقیقه در استودیو سازنده تولید می‌شوند و اگر زمان کافی برای خواندن و یا شنیدن کتاب‌ها ندارید می‌توانید از آن‌ها استفاده کنید.



- نوار، مرجع کتاب‌های صوتی
- قیمت: رایگان
- سازنده: Navaar Audiobooks :
- سیستم عامل: iOS و اندروید
- حجم: 6.8 / 21.8 مگابایت
- دانلود:
- گوگل پلی
- سیب اپ



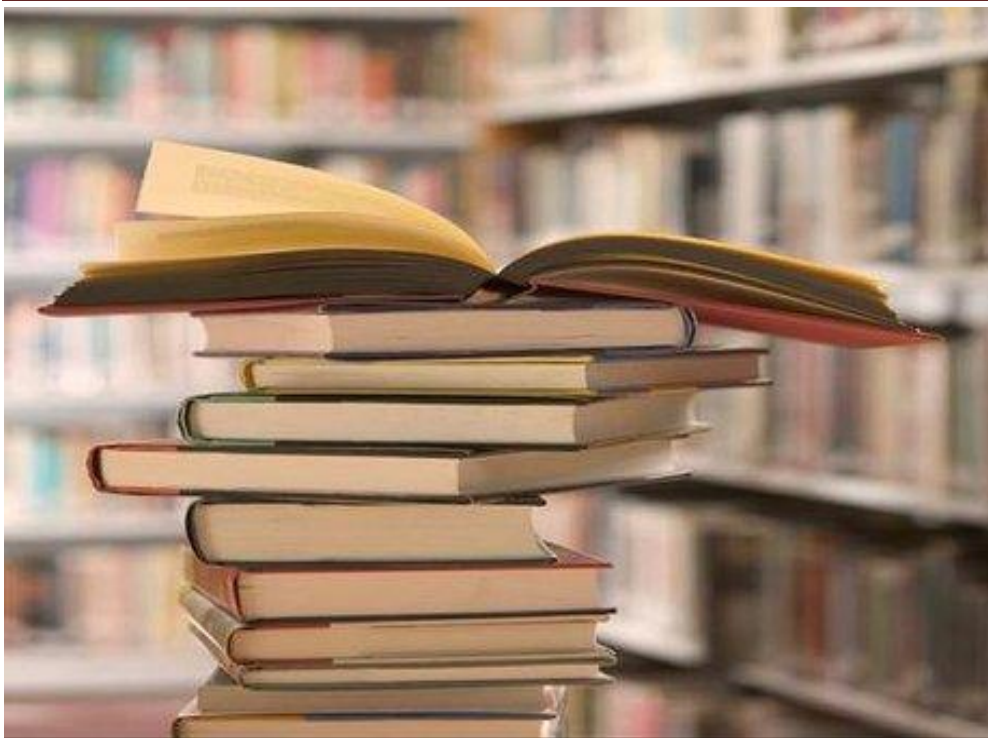


برای کسانی
که می‌خواهند
پادکست‌های
خودشان را
درست کرده و
تجربه‌هایشان

را در قالب یک فایل صوتی با بقیه به اشتراک بگذارند، شنوتو می‌تواند گزینه خوبی باشد. برنامه بیش از ۲۰۰ هزار دقیقه محتوای صوتی داشته و با در گرفتن موضوعات مختلفی همانند کارآفرینی، کمدی، زبان‌های خارجی و تکنولوژی توانایی این را دارد هر سلیقه‌ای را پوشش بدهد. البته برخلاف بعضی نمونه‌های مشابه در شنوتو خبری از قابلیت آفلاین نیست و همیشه باید به اینترنت متصل باشید.

- شنوتو
- قیمت :رایگان
- سازنده :بستر هوشمند رسا آوا
- سیستم عامل :اندروید
- حجم 11 :مگابایت
- دانلود:
- کافه بازار
- گوگل پلی





مشکل کتاب چیست؟

مدیرعامل انجمن فرهنگی ناشران استان اصفهان گفت: مشکل کتاب در ایران صرفاً اقتصادی نیست، بلکه دلیل اصلی نبود فرهنگ مطالعه در ایران است.

مهرانگیز بیدمشکی در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا - منطقه اصفهان، با بیان اینکه وضعیت کتاب و مطالعه در کشور مناسب نیست، اظهار کرد: من ناشرم و ورودی و خروجی کتاب‌هایی را که به وزارتخانه می‌رود می‌دانم. از ناشران و همکاران خود که می‌پرسم، می‌گویند وضعیت کتاب نسبت به سال‌های گذشته تغییری نداشته و وضعیت خوبی ندارد، که با آنها هم عقیده‌ام.

وی افزود: **همیشه در ایران کتاب‌خوان کم داشتیم** و با مشکلات اقتصادی نیز که در کشور به وجود آمد و تورم که بالا رفت، همان مقدار کتاب‌خوانی هم که داشتیم، تقاضای کمتری برای خرید کتاب پیدا کرده‌اند.

مدیرعامل انجمن فرهنگی ناشران استان اصفهان در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه برخی کتاب‌فروشی‌ها در ابتدای سال جاری از بهبود وضعیت کتاب حرف می‌زدند، اما اکنون می‌گویند دوباره وضع همچون سابق شده است، تصریح کرد: وضعیت کتاب بهتر



نشده بود که بدتر شود. نمی دانم این حرف را بر چه اساسی می گویند، اما آنچه من و همکارانم در اصفهان می بینیم، وضعیت نامساعد کتاب و تقاضا برای کتاب است. بیدمشکی با بیان اینکه وضعیت خرید کتاب هایی که سخت مجوز می گیرند و کتاب هایی که به سادگی مجوز می گیرند تفاوت چندانی ندارد، گفت: **کتاب نخواندن به مجوزها بر نمی گردد، بلکه دلش این است که فرهنگ کتاب خوانی در ایران عادت نشده است.** او با بیان اینکه مشکل اساسی ایران " نخواندن " است، گفت: در کشور با یک بحث کلان سر و کار داریم که **اکثریت مردم کتاب نمی خوانند.** یعنی باید جامعه ای داشته باشیم که مردم در همه سطوح آن کتاب بخوانند ولی چنین جامعه ای نداریم. این موضوع دلایل گوناگونی دارد و فقط به مشکلات اقتصادی بر نمی گردد. به نظر من دلیل اصلی آن به **فرهنگ کتاب خوانی** بر می گردد.

مدیرعامل انجمن فرهنگی ناشران استان اصفهان ادامه داد: در کشورهای توسعه یافته کتاب خواندن به یک عادت تبدیل شده و میل به مطالعه جزو عادات جامعه شده است، زیرا هر فرد می خواهد آگاهی پیدا کند و **آگاهی را فضیلتی می داند** که معیاری برای سنجش شخصیت او قرار می گیرد. بنابراین وقتی آگاهی معیار جامعه قرار گیرد مردم نیز به سمت مطالعه پیش می روند.

بیدمشکی با اشاره به وضعیت کتاب های ادبی در ایران اضافه کرد: برخی از نویسندگان همچون چخوف و بکت هستند که وقتی کتابشان ترجمه می شود هنوز سه هزار نسخه چاپ نشده به فروش می رسد. بنابراین می توان گفت حداقل در حوزه ادبیات مشکلی نداریم و افرادی که در این زمینه کتاب می خوانند کم نشده اند، زیرا مخاطبان کتاب های ادبی **خوراک فکری** خود را به هر شکلی با خرید کتاب یا امانت گرفتن تهیه می کنند. وی با بیان اینکه در فضای فعلی جامعه ایران خریده شدن کتاب های



نویسندگان جوان سخت است، اضافه کرد: نویسندگان جوان به دلیل اینکه **شهرت نویسندگان قدیمی** و جهان را ندارند، به راحتی کتابشان خریداری نمی‌شود و ناشران نیز کتاب این گروه را به سادگی چاپ نمی‌کنند.

بیدمشکی با بیان اینکه بیشتر تمرکزش را در انتشارات خود بر کتاب‌های ادبی قرار داده و به همین دلیل اطلاعات بیشتری نسبت به سایر حوزه‌ها در این زمینه دارد، اظهار کرد: من بیشتر به اثر نگاه می‌کنم و کمتر شهرت نداشتن نویسندگان را مورد توجه قرار می‌دهم. ناشران و اهل مطالعه باید به ادبیات ملی اهمیت دهند، زیرا هر کشوری فرهنگ خودش را دارد پس باید به خلاقیت جوانان و نگارش آنها توجه کنیم. البته حوزه ترجمه هم مهم است زیرا باید با دیگر کشورها نیز **تبادل فرهنگی** داشته باشیم اما تألیف را نیز نباید از یاد ببریم.

مدیرعامل انجمن فرهنگی ناشران استان اصفهان گفت: جشنواره‌ها همچون جایزه ادبی اصفهان و گلشیری بسیار خوب است. من در سه دوره داستان‌هایی را که از همین جشنواره‌ها بیرون آمدند چاپ کردم. در برخی از این جشنواره‌ها نویسندگانی همچون منیرو روانی‌پور و مصطفی مستور داور بودند و نویسندگان خوبی نیز در همین جشنواره‌ها رشد پیدا کردند، پس باید کارهایی از این دست برای **کشف نویسندگان** انجام شود. بیدمشکی افزود: اگر داستانی به دستم برسد که معیارهای مورد نظر را از لحاظ کیفی داشته باشد، چاپ می‌کنم و کمتر اهمیت می‌دهم که تاکنون از آن فرد داستانی چاپ نشده است.

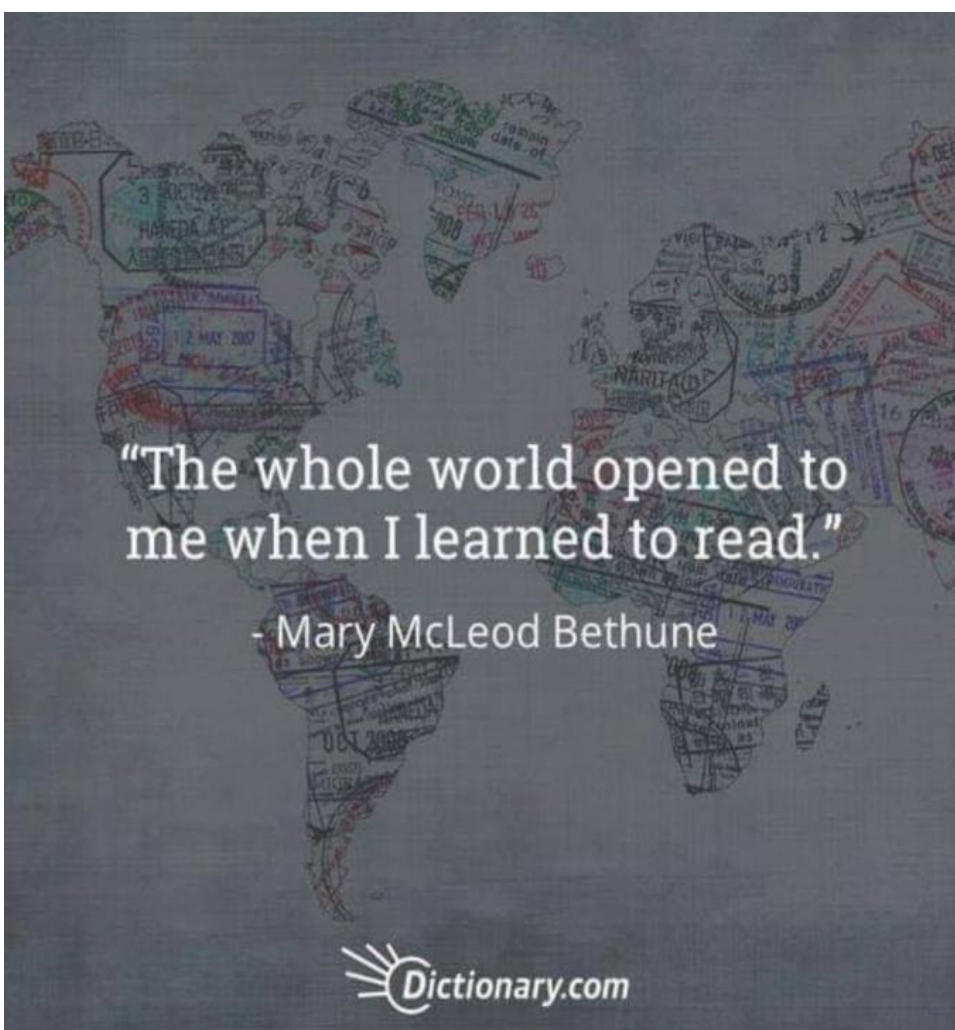
مدیرعامل انجمن فرهنگی ناشران استان اصفهان با تأکید بر برنامه‌ریزی و ورود دولت به بحث کتاب، اضافه کرد: نمی‌شود دولت برای همه چیز برنامه داشته باشد و بودجه تعیین کند، ولی برای کتاب برنامه‌ای نداشته باشد. دولت باید به ناشران اهمیت دهد. ناشران تا جایی که از دست‌شان برآمده تولید کتاب و از این حوزه حمایت کرده‌اند. به عنوان نمونه



اصفهان ۱۳۰۰ عنوان کتاب در سال منتشر می‌کند. اما تا زمانی که فرهنگ مطالعه جا نیفتد فایده‌ای ندارد.

مهرانگیز بیدمشکی (مدیرعامل انجمن فرهنگی ناشران استان اصفهان) با اشاره به وضعیت نامساعد کتاب در سال‌های اخیر ادامه داد: در این سال‌ها علت نامساعد بودن وضعیت کتاب یکی بوده است و هنگامی که علت یکی باشد، حرف‌های تکراری زده می‌شود. باید برای رفع مشکلات این حوزه که در سال‌های اخیر برای همه مشخص شده است، طرح و برنامه داشته باشیم. در یک آمار نشان داده شد که **۷۰ درصد مردم جهان در کشورهای توسعه‌یافته قرار دارند اما ۳۰ درصد تولید کتاب دنیا در این کشورهاست. در مقابل ۳۰ درصد جمعیت دنیا در کشورهای توسعه‌یافته قرار دارند اما**

۷۰ درصد تولید کتاب در این کشورهاست. باید دلیل این تفاوت را از خود پرسیم.



بیدمشکی تصریح کرد: برای رفع مشکل کتاب در ایران باید نگاهی جامع به آن داشت و در ابتدا از خود پرسید که چرا کسی مطالعه نمی‌کند؟ چرا نوجوانان و جوانان ما به سمت مطالعه نمی‌روند؟



باید این سوالات را از وزارتخانه‌هایی که متولی آموزش و پرورش جوانان هستند پرسید. او با انتقاد از نظام آموزشی ایران، گفت: **وزارت آموزش و پرورش به جای یاد دادن کتاب‌خوانی در مدرسه‌ها بیش‌تر به تلنبار کردن محفوظات در ذهن نوجوانان می‌پردازد.** با این کار خود در ۱۲ سال ذهن آن‌ها را خسته و از کتاب دور می‌کند. اگر هم پرورش نمی‌دهد، حداقل خلاقیت بچه‌ها را با این برنامه‌های کسالت‌بار از بین نبرد. علاوه بر این گروهی را هم در مدارس تیزهوشان قرار می‌دهند و فشار بیش‌تری نسبت به سایرین بر آن‌ها وارد می‌کنند.

مدیرعامل انجمن فرهنگی ناشران استان اصفهان افزود: آموزش و پرورش باید به دنبال تربیت افرادی باشد که به دنبال آگاهی باشند. اگر می‌خواهید پزشکی و مهندس و ... به جامعه تحویل دهید این افراد اول باید انسان باشند و مبانی انسانیت را به دست آورند. این مبانی را هم تا زمانی که مطالعه واقعی نداشته باشد به دست نمی‌آورد.

بیدمشکی ادامه داد: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تنها متولی کتاب و کتاب‌خوانی و نشر است اما به تنهایی نمی‌تواند حوزه کتاب را اداره کند. باید نهادهای دیگر نیز وارد شوند و به این وزارتخانه کمک کنند تا بتواند به خوبی این حوزه را پوشش دهد. او اضافه کرد: نهادهایی همچون شهرداری، سازمان تبلیغات اسلامی و... نیز به این حوزه وارد می‌شوند اما در صورتی می‌توان مشکل کتاب را رفع کرد که این نهادها از موازی‌کاری دوری کنند و در یک هم‌افزایی به مسئله کتاب بپردازند تا با برنامه‌ای منسجم مشکلات کتاب و کتاب‌خوانی رفع شود.

مدیرعامل انجمن فرهنگی ناشران استان اصفهان خاطرنشان کرد: اگر مشکل مطالعه رفع شود، مشکلات دیگر همچون به فروش نرفتن کتاب و نگرانی‌های مؤلفان و مترجمان نیز رفع می‌شود.



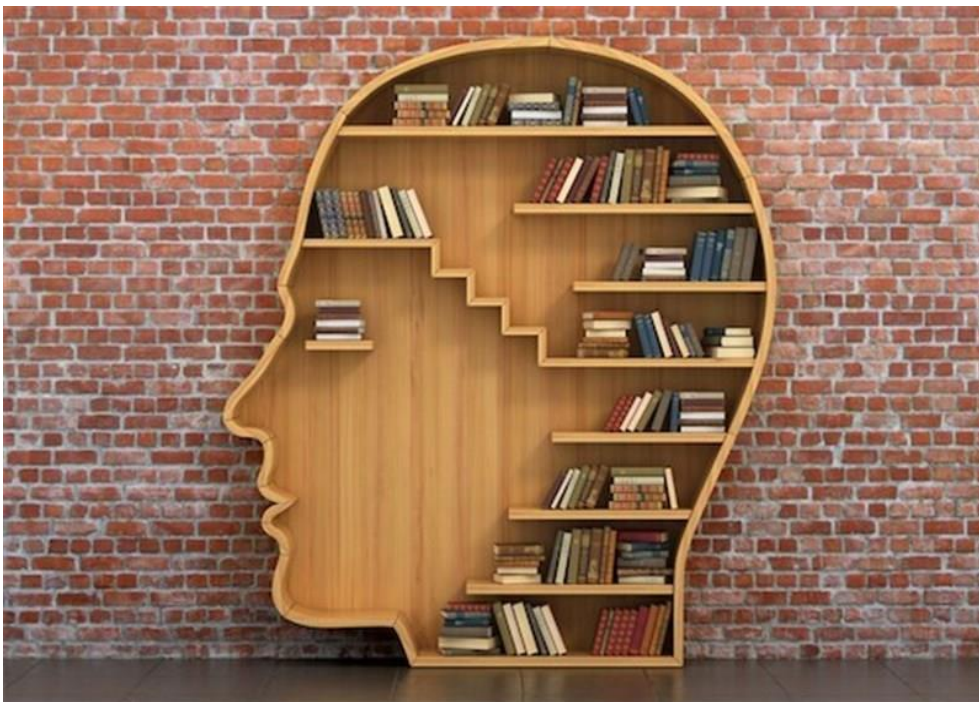
کتاب چیست؟



کتاب چیست؟ آیا تاکنون این سوال را از خود پرسیده ایم؟

شاید همه ما تعریف کلی که از کتاب داریم این است که چند کاغذ که حروفی روی آن چاپ شده و کنارهم قرار گرفته اند که با جلدی رنگارنگ و عنوانی وسوسه کننده دارد. از جهاتی و تاحدودی این تعریف کلی و ظاهری درست است. اگر واژه **book** را در دیکشنری یا دایره المعارف های انگلیسی جستجو کنید همین تعریف برایش تعبیه شده است. کاغذها و پوسته های نوشته شده، کنده کاری های قدیمی روی چوب و سنگ این ها هم گونه های دیگر کتاب است. اما معنی واقعی کتاب و تعریف کتاب چیزی اساسا متفاوت تر است از آنچه که گفته شد.





ممکن است بیشتر مردم این تعریف را از رادیو و تلویزیون شنیده باشند و یا دیده باشیم که می گویند: کتاب دریایی از اطلاعات است و وسیله ای برای آموختن نادانسته ها.

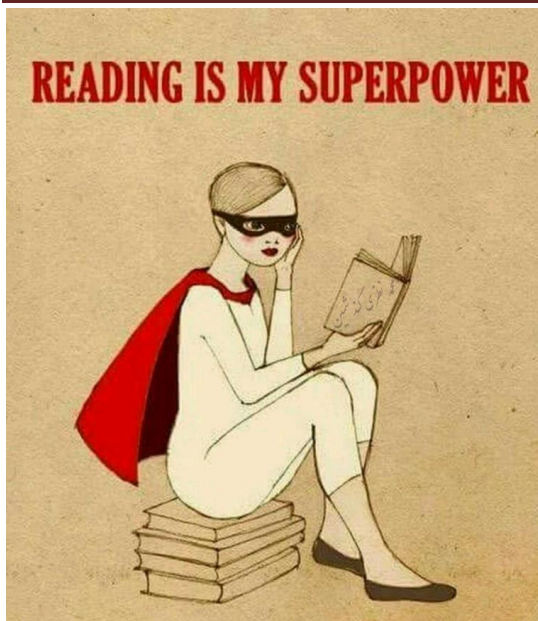
این تعریف هم تعریف

دقیقی نیست ولی به اصل مطلب نزدیکتر است. اما تعریف واقعی که شاید به جرات بتوان گفت در هیچ دایره المعارف یا وب سایتی نمی توان پیدا کرد مگر اینکه هر شخصی بعد از خواندن کتاب های بسیار و متنوع این است که « کتاب گنجی است که از هر طلا و دلاری با ارزشتر و از هر سیاست و دولتی بزرگتر و از هر فرهنگی غنی تر است که با قیمتی نه چندان زیاد در هرجایی به فروش میرسد ». کتاب جزء منابع طبیعی هیچ کشوری نیست ولی همه از آن برخوردارند و هر کشور و ملتی می تواند تا به حد بی نهایت این منبع انبار کند، بفروشد یا استفاده کند و خود را قدرتمندتر کند.

کتاب دریچه زمان

به احتمال زیاد این هم تعریفی کلیشه ای خواهد بود که بگوییم کتاب دریچه ای است. دریچه ای رو به جهان های متفاوت، دنیاهایی که شاید هیچ گاه در واقعیت زندگی خودمان فرصت تجربه کردنش را پیدا نکنیم. اما این تعریف کلیشه ای را از زوایای دیگر و عمیق تر نگاه کنیم.





کتاب دریچه ی زمان است که به هر جایی که شما بخواهید می تواند باز شود. به نوعی میتوان گفت ماشین زمان از همان ابتدای زندگی انسان به شکل کتاب های سنگی ساخته شده است. تفاوت شاید در نوع کارایی باشد. ماشین زمان کتاب با دستورالعمل خود شما کار میکند و هرگونه که شما بخواهید هدایت می شود.



حال این شی با ارزش که گاهی واقعا نمیتوان قیمتی برای آن تعیین کرد در بعضی از مجامع و کشورها به بی توجهی ظالمانه ای محکوم شده است. محکومیتی ناجوانمردانه. گاهی حتی این حکم تعریف انسانیت را هم ممکن است تغییر دهد.

انسانیت زمانی تکمیل میشود که از کتاب ها بیاموزیم و باورشان کنیم که زمانی قصه های کتاب ها به شکل کمتر یا بیشتر حقیقت داشته اند و در

mohammad Nazari Ghendeshmin

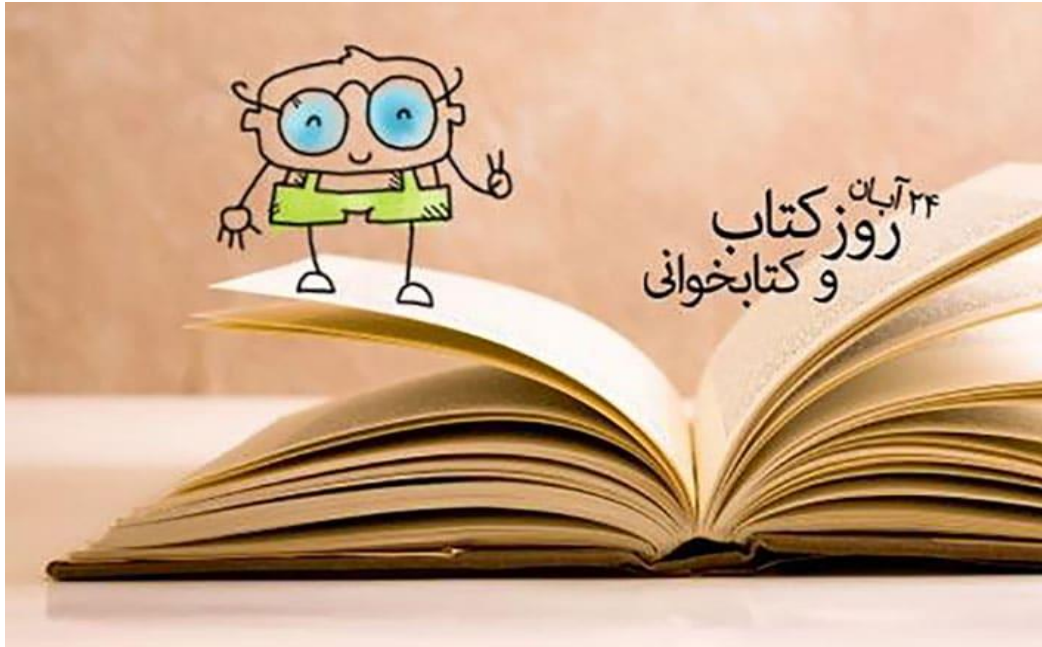


زمان حال هم می شود دوباره به حقیقت بدل شود. می شود خواند کتاب ها را - می شود به راحتی عمل کرد گفته هایش را و می شود این حکم ظالمانه را لغو کرد.

بخوانیم - عمل کنیم - قدرتمند شویم.



روز جهانی کتاب و کتاب خوانی



روز جهانی کتاب و کتاب خوانی یک جشن است. این روز جشن نویسندگان، تصویرگران، کتاب ها و (از همه مهمتر) جشن کتاب خواندن است.

در واقع، این بزرگترین نوع جشن است که توسط سازمان یونسکو به عنوان جشن کتاب و کتاب خوانی در سراسر جهان تعیین شده است و در بیش از ۱۰۰ کشور این جشن برگزار می شود.

این **بیست و یکمین سال** است که در جهان روزی به نام کتاب وجود دارد. در ۱ مارس ۲۰۱۸ کودکان در تمام سنین دور هم جمع می شوند و شروع می کنند به خواندن کتاب با صدای بلند و با خوشحالی فراوان. هدف اصلی روز جهانی کتاب در انگلستان و ایرلند، تشویق کودکان به کشف لذت های کتاب و کتاب خواندن است که به آن ها این فرصت را می دهد که کودکان کتابی برای خود داشته باشند.

به همین دلیل به مدارس (از جمله آن دسته از مهد کودک ها و مدارس متوسطه که مخصوصا برای ثبت نام شرکت می کنند) بسته های کتاب های دنباله دار و مجموعه کتاب های روزانه برای سنین (مهد کودک، پیش دبستانی، ابتدایی و متوسطه) که پر از ایده های تازه برای آن ها است ارسال میشود.



دلایل نامگذاری ۲۳ آوریل به عنوان روز جهانی کتاب و کتاب خوانی

بررسی ها نشانگر آن است که یونسکو از سال ۱۹۹۵ برخلاف کشور ما روز ۲۳ آوریل **(سوم فروردین)** را به عنوان روز جهانی کتاب و حمایت از حق مولف نامگذاری نموده



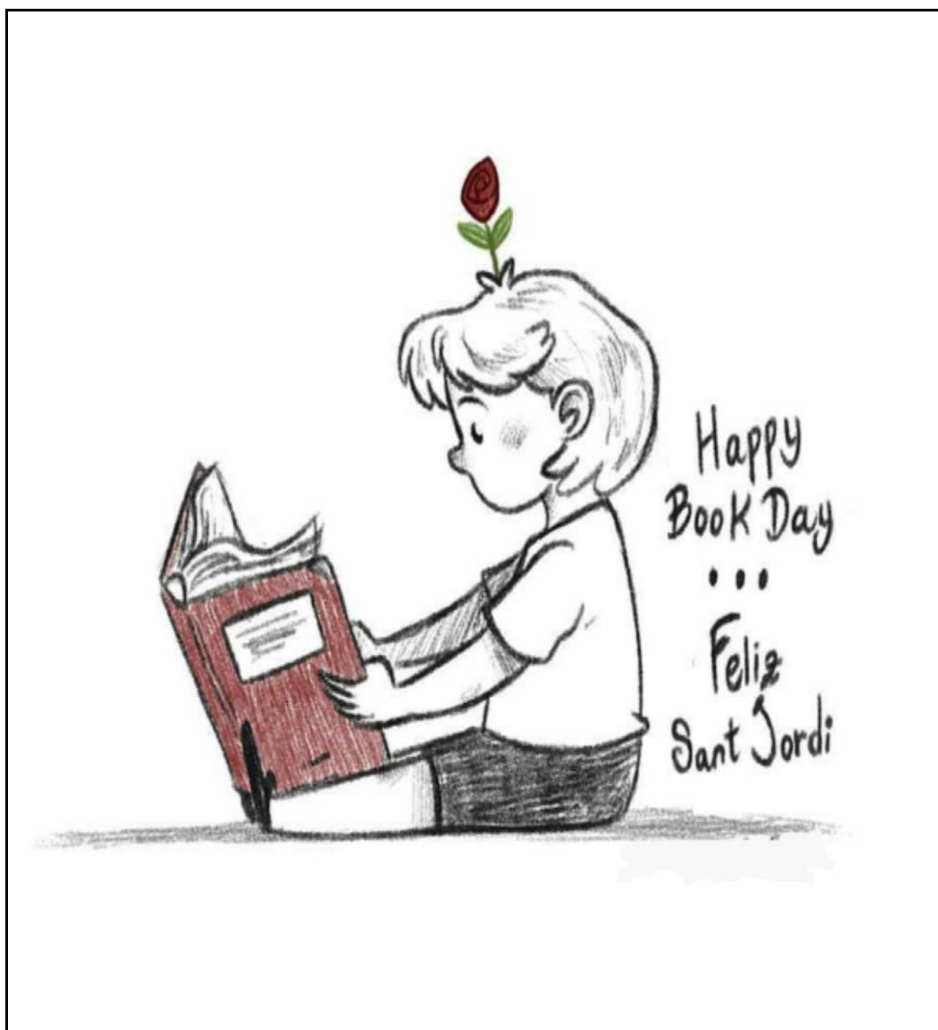
است. در این روز در ۱۰۰ کشور جهان برنامه هایی در راستای ترویج و تشویق نهادهای مرتبط با نشر و خواندن برگزار می شوند. انگیزه الهام بخش یونسکو در انتخاب این روز مصادف شدن این روز با **روز کتاب و رز** در منطقه کاتالونیای اسپانیا می باشد. در این روز شهروندان کاتالانی به

دوستان خود رز اهدا می کنند و در مقابل کتاب هدیه می گیرند. طبق آمار موجود در ویکی پدیا در طول این روز در کاتالونیا بیش از ۴ میلیون گل رز و ۸۰۰ هزار کتاب فروخته می شود. طبق امارهای ارائه شده در این زمینه نیمی از کتابهای به فروش رفته در این منطقه در این روز خریداری می شوند. همچنین سنت مبادله کتاب در این روز نیز مرسوم است. بدین صورت که شهروندان کتابهایی که قبلاً خوانده اند و علاقمند به خواندن آن توسط دوستان خود نیز هستند کتابهای خود را یکدیگر مبادله می کنند.

از دیگر دلایل یونسکو برای جهانی سازی این روز مصادفت آن با سالروز درگذشت نویسندگان شناخته شده ای چون **شکسپیر و سروانتس** است.



روز کتاب در ایران



از این رو پاسداشت کتاب
در ایران به حدود ۴ ماه بعد
در آبان ماه (۲۴ آبان)
یعنی زمان شکوفایی درس
و یادگیری در مدارس و
دانشگاه ها منتقل و در
راستای تاثیرگذاری بیشتر
از یک روز به یک هفته
افزایش یافته است.

البته این سنت تنها محدود به ایران نیست و در کشورهای دیگر از جمله استرالیا، انگلستان و ... نیز یک هفته به این منظور اختصاص یافته و روزهایی به غیر از ۲۳ آوریل بدین منظور در نظر گرفته شده است (۴-۱۰ می برای انگلستان، ۲۲-۲۸ اوت برای استرالیا).



کتاب چیست؟ و چه موقع خطرناک است؟



چرا مفاهیم «کتاب» و «مطالعه» نیاز به بازطراحی و تغییر دارند؟ با پیشرفت تکنولوژی، سبک زندگی ما تغییر کرده است. روزانه، ساعت‌ها از وقت‌مان را به مطالعه در شبکه‌های اجتماعی و وبسایت‌های مختلف می‌گذرانیم؛ با این حال وقتی از افراد پرسید در روز چند ساعت مطالعه می‌کنید؟ شاید به ندرت کسی زمان مطالعه‌اش را بالای یک ساعت اعلام کند. شاید چون مطالعه را محدود به کتاب خواندن می‌دانیم. اما هدف کتاب صرفاً خوانده شدن است، یا هدف دیگری دارد که می‌توانیم با سایر ابزار هم به آن دست پیدا کنیم؟

بی‌شک مفهوم مطالعه در ذهن اکثر ما، با کلمه‌های «کتاب» و «کتاب‌خوانی» پیوند خورده است. کتاب، طبق تعریف سنتی آن، مجموعه‌ای از صفحات صحافی شده است که اطلاعات در آن به فرم مکتوب درآمده‌اند. با تحولات اخیر تکنولوژی و اثر آن بر سبک



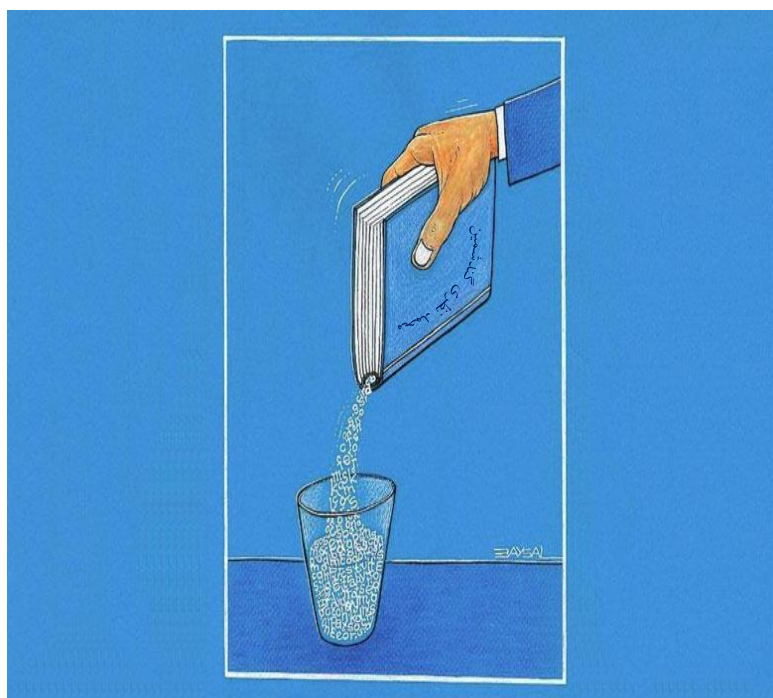
زندگی افراد، این مفهوم هم نیاز به تکامل دارد: لازم است مفهوم کتاب را با توجه به هدفمان از مطالعه بازتعریف کنیم تا بتوانیم به درک بهتری از تجربه‌ی کتاب خواندن برسیم و نقش این سبک از انتقال تجربه‌ها را در زندگی‌مان مشخص کنیم.

کتاب چیست؟

کتاب، گفتار ذهن آدم‌هاست و وسیله‌ی ارتباط ذهن‌ها. کتاب اندیشه‌های نویسنده را از مخفیگاه درون خارج می‌کند و از میان زمان و فرهنگ‌های مختلف عبور می‌دهد. برای شناخت نیاکانمان، هنوز هم نوشته‌هایی از ایشان را که بر روی سنگ‌ها به جا گذاشتند مطالعه می‌کنیم. اولین کتابی که بشر خلق کرد، چیزی بیشتر از چند اثر رنگی بر روی سنگ‌ها نبود. این گفتار طول عمر ندارد!

هدف کتاب برقراری نوعی از رابطه بین انسان‌ها است: رابطه‌ای که در آن یافته‌ها، تجربه‌ها و افکار یک انسان به مجموعه‌ای از انسان‌ها منتقل می‌شود. سبکی از انتقال تجربه‌های زندگی نویسنده به افرادی که دنبال درک آن هستند.

کتاب خواندن، خود یک تجربه است!



هیچ‌کدام از ما، آنقدر وقت نداریم که همه‌ی تجربه‌های ممکن برای زندگی را خودمان از سر بگذرانیم. گاهی نیاز است بعضی تجربیات را، با واسطه زیست کنیم: بخوانیم و بشنویم. مطالعه سبکی از این غیرمستقیم و با واسطه تجربه کردن زندگی است. فایده‌ی کتاب خواندن همین کسب تجربه با هزینه‌ی پایین است.



در واقع از گذشته تا کنون انتقال تجربه از دو مسیر عمده‌ی کلامی و مکتوب انجام شده است. مسیر کلامی، که نمودی از زبان است، مشکلات زیادی داشته، مثل ماندگاری پایین، خطر تحریف یا تغییر اصل تجربه و یا هزینه‌ی زیاد انتقال تجربه. مسیر مکتوب برای رفع این مشکلات به وجود آمد. از خصوصیات بارز کتاب می‌توان به ماندگاری، صیانت از اصل محتوا، توانائی بیشتر برای انتقال عمومی، توانائی ارزیابی همزمان تجربیات مختلف، سرعت انتقال بیشتر و ... اشاره کرد. نوشتن روی کاغذ فقط یک مسیر برای این هدف‌ها بوده، نه بیشتر.

چه زمانی کتاب خواندن خطرناک می‌شود؟!

کتاب در مرحله‌ای از زندگی اجتماعی به کار می‌آید که جامعه دارای مسائل کافی برای انتقال به نسل کنونی و آینده باشد. این مسائل می‌تواند تجربیات، **طرز فکر**، نکات آموزشی و یا حتی مسائل سرگرم کننده باشد. در این مرحله کتاب وارد فرهنگ می‌شود و کتابخوانی به عنوان جزئی از فرهنگ شناخته می‌شود تا تجربیات بازتکرار نشوند، طرز فکرها نقد شوند، و ... به همین خاطر اساسا هر وسیله مناسب دیگری که توان انتقال تجربه را داشته باشد، می‌تواند جایگزین کتاب کاغذی شود. به نظرتان آیا جامعه ما در آن مرحله‌ای قرار گرفته که این نیاز به وارد شدن فرهنگ کتابخوانی را دارا باشد؟

در نهایت مقاله کتاب چیست؟ را با نقل قول‌هایی از یک جامعه‌شناس و یک کتاب به پایان می‌بریم:

آگوست کنت، بنیان‌گذار جامعه‌شناسی نوین، می‌گوید:

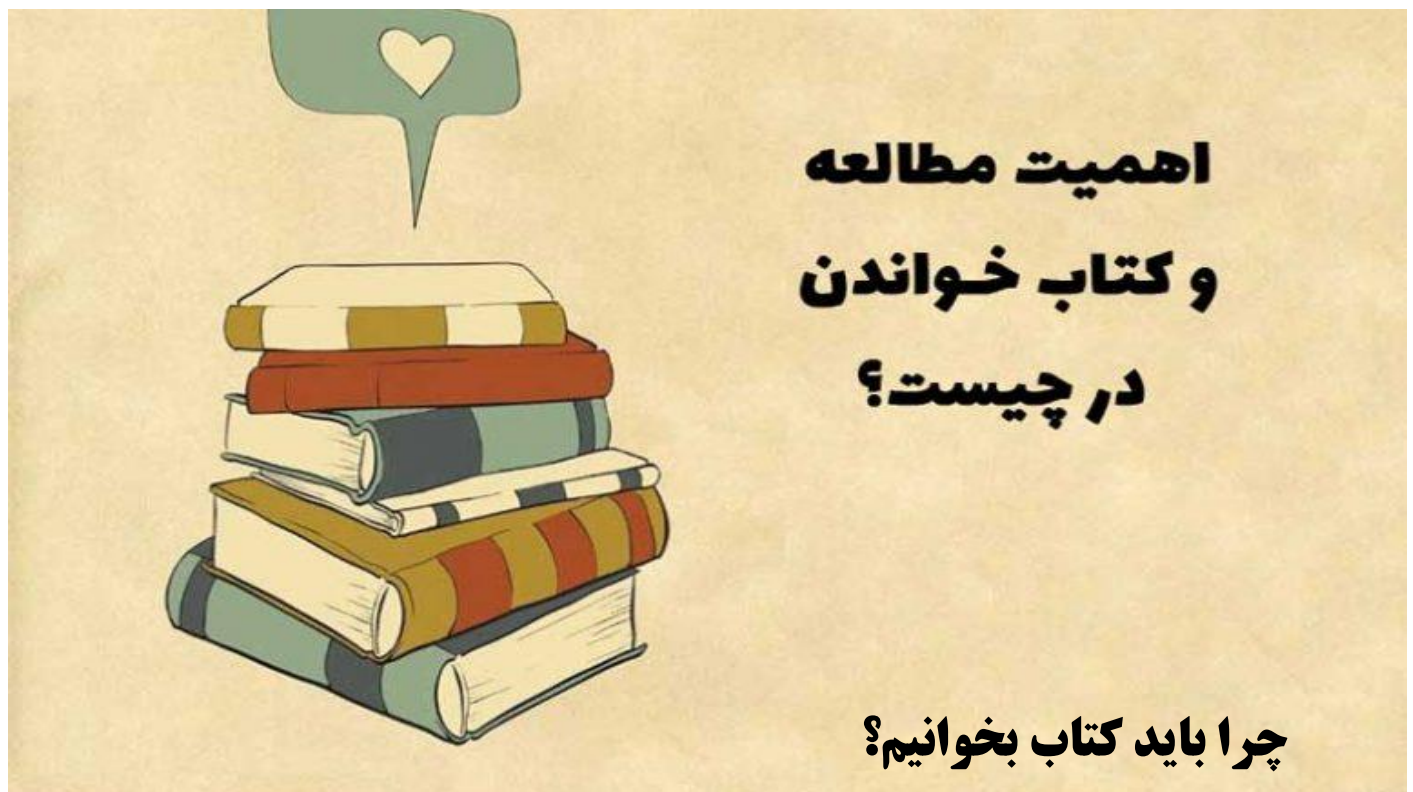
« هر کتابی که می‌خوانید اگر برای تفریح یا انتقال تجربه نباشد، روی ذهن، طرز فکر و دیدگاه اثر می‌گذارد و از هدف اصلی خود دور شده است.»



« یکی از بزرگترین و جذابترین خصوصیات کتاب‌های خوب، که وادارمان می‌کند نقش بسیار اساسی و در عین حال محدودی که خواندن در زندگی معنوی‌مان دارد را ببینیم، این است که ممکن است نویسنده آن را «نتیجه‌گیری» بنامد و خواننده «انگیزش». ما قویا احساس می‌کنیم، خردمان از آنجایی آغاز می‌شود که از آن نویسنده قطع می‌شود و مایلیم پاسخ‌هایمان را بدهد؛ حال آن که تنها کاری که از عهده او برمی‌آید این است که امیالمان را تشدید کند. این است ارزش خواندن کتاب و نیز ناکارایی آن. هرگاه آن را به اصلی در زندگی تبدیل کنیم به معنی آن است که به چیزی که انگیزه‌ای بیش نیست نقش مهم‌تری محول کنیم. **خواندن کتاب باب زندگی معنوی است، می‌تواند ما را به آن وارد کند ولی آن را برایمان به وجود نمی‌آورد.**

تا وقتی کتاب خواندن برای ما عامل تحریک‌کننده‌ای باشد که جادویش کلید فتح باب مکان‌های عمیقی در وجودمان بشود، که جز از این طریق به آن دسترسی نیست، نقش آن در زندگی‌مان قابل احترام است. از طرف دیگر اگر به عوض **بیدار کردن ما نسبت به زندگی مستقل ذهن**، جای آن را بگیرد، به طوری که حقیقت دیگر از نظرمان آرمانی نباشد که با گسترش افکار خودمان و به نیروی تلاش قلبی‌مان محقق بشود، و فقط عنصری مادی باشد که میان اوراق کتاب جا خوش کرده، همچون عسلی که دیگران برایمان تدارک دیده‌اند، کافی است که ما دستانمان را دراز کنیم و آن را از طبقه کتابخانه برداریم و با خیال آسوده و آرامش و مفعولانه امتحان کنیم، و در آن صورت کتاب چیز خطرناکی است». از کتاب **پروست چگونه می‌تواند زندگی شما را دگرگون کند؟** اثر آلن دوباتن





ادبیات چه کمکی به ما می کند؟ چرا باید کتاب بخوانیم و اهمیت مطالعه و کتاب خواندن در چیست؟

این سوالی است که افراد زیادی از من می پرسند و منتظر یک جواب خیلی حکیمانه اند چون ناسلامتی من فرد کتاب خوانی هستم و باید ادبیات حرف زدنی با سایر افراد تفاوت داشته باشد و جواب های حکیمانه ای برای همه چیز داشته باشم!

اما واقعیت چیز دیگری است: من کتاب نمی خوانم که حرف زدنی یا جواب هایم با بقیه تفاوت داشته باشد، من کتاب می خوانم که زندگی ام و دریافتم از زندگی با بقیه تفاوت داشته باشد.

روش مطالعه من هم مثل مطالعه کنکور نیست. من نمی خواهم همه چیز را حفظ کنم و طبق آن حفظیات سنجیده شوم. من می خواهم بفهمم و یاد بگیرم، این تفاوت زیادی با خواندن طوطی وار حفظ کردن دارد! زمانی که شما مطالعه می کنید و دیگران شما را به عنوان فردی کتاب خوان می شناسند مهم این نیست که شما ادبی و حکیمانه حرف



می‌زنید یا نه، مهم این است که شما به نسبت بقیه دریافت بیشتری از زندگی و همه مسایل مربوط به زندگی پیدا می‌کنید.

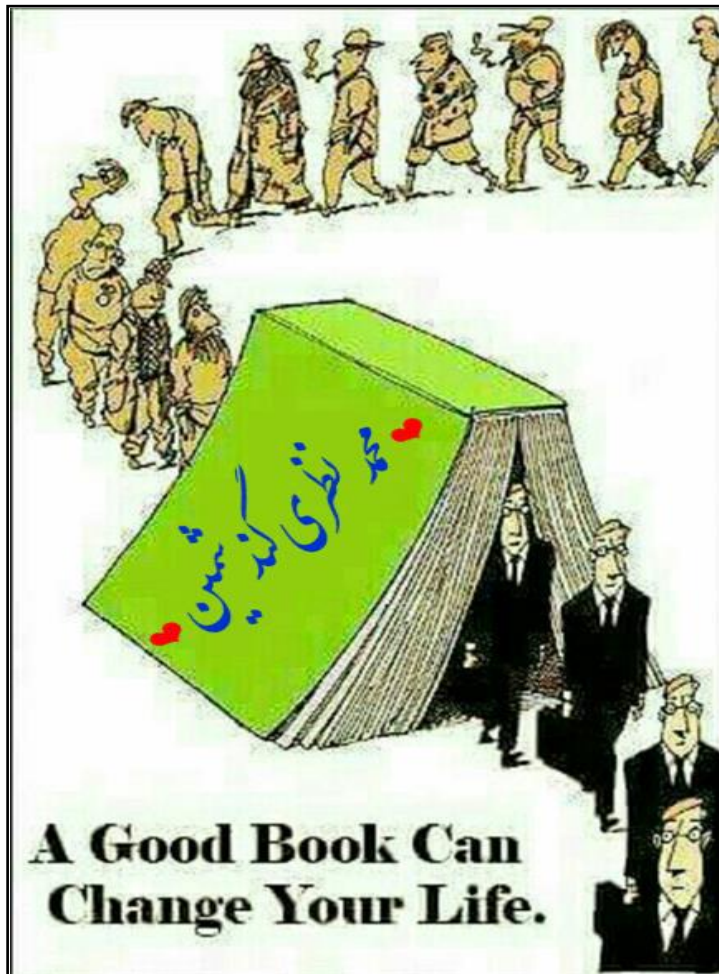
وقتی کتاب می‌خوانید تمام دریچه‌های ذهنی و روحی خود را باز بگذارید، اجازه دهید ناخودآگاه شما وارد میدان شود! ناخودآگاه بدون اینکه نیاز به حفظ کردن داشته باشد تمام آن چیزی را که برای شما مهم هست در خود نگاه می‌دارد و به وقت نیاز یادتان می‌آورد که برای کمک به شما چیزهایی در چنته دارد! در هنگام مطالعه به فکر این نباشید که این جمله را حفظ کنم تا جلوی دوستان و آشنایان به من وجهه و شان خوبی بدهد، به این فکر نکنید که قرار است با مطالعه و کتاب خواندن تان وجهه اجتماعی بخرید! به این فکر نکنید که حالا باید هر چه بیشتر از جملات قصار و اشعار خوب در حرف زدنم استفاده کنم تا فرد معقول و کتاب‌خوانی دیده شوم. نه! این حفظیات بدون مطالعه هم قابل انجام دادن هستند. با یک سرچ کوچک در **گوگل** و بعد شروع به حفظ کردن این کار شدنی است.

زمانی که یک **کتاب خوب** می‌خوانید تک تک جملات در ناخودآگاه شما باقی می‌مانند، فقط کافی است کمی به آن فکر کنید و خودتان را در آن موقعیت قرار دهید. کتاب خوب به شما یاد می‌دهد در زندگی چطور رفتار کنید چطور ببیندشید و چطور **خط فکری** خودتان را پیدا کنید و شکل بدهید. کتاب خوب به شما اجازه می‌دهد به جای تمام زندگی‌هایی که نداشته‌اید زندگی کنید. به جای تمام تجربه‌هایی که نداشته‌اید و به جای تمام تصمیم‌هایی که هنوز به سراغ تان نیامده‌اند فکر کنید و از قبل جواب مناسب را بدانید.

با مطالعه زیادتر کتاب‌های خوب شما هیچ وقت در زندگی واقعی غافلگیر نمی‌شوید! انگار همه چیز را از قبل می‌دانید و یاد گرفته‌اید که چطور رفتار کنید. حفظ کردن جملات یا ادبی حرف زدن به شما هیچ کمکی نمی‌کنند! **روح آدمی باید کتابی را بیابد.**



ادبیات و کتاب‌های خوب کارخانجات عظیم انسان سازی‌اند.



با خواندن کتاب‌های متفاوت شما با هر مسئله‌ای بارها از زوایای مختلف روبرو می‌شوید. مانند اینکه کسی نقشه فرار را روبروی شما گرفته باشد! تمامی راه‌ها و انتخاب‌ها برای شما روشن و واضح‌اند. شما بارها در قالب شخصیت‌های متفاوت زندگی کرده‌اید و تصمیم‌های مختلفی گرفته‌اید. شما کم‌کم همان پیر خردمندی می‌شوید که در تمام داستان‌ها حسرتش را می‌خوردید! حقیقت جالبی که در مورد اکثر انسان‌ها وجود دارد آرزوی زیستن چندباره و تجربه زندگی‌های متفاوت است، اما اکثر

آن‌ها از این تجربه‌ای که به راحتی در اختیار آن‌ها گذاشته شده غافل‌اند! **کتاب خوب ! ماشین زمانی که همه، سال‌ها از آرزوی داشتنش دم می‌زنند همان ادبیات است ! شما**

با مطالعه در زمان سفر می‌کنید. (بسیار سفر باید تا پخته شود خامی...)

ذهن شما به صورت ناخودآگاه سرشار از کلمات و لغات است، پس به صورت ناخودآگاه شما خیلی بهتر از بقیه قادر به توضیح درونیات و تفکرات و باز کردن مسایل هستید. شما با انواع استعاره و توصیف در کتاب‌ها مواجه شده‌اید پس به راحتی استعاره پنهان پشت هر چیزی را درک می‌کنید. زندگی ما و این دنیا یک استعاره بزرگ است و چطور بدون درکی از ادبیات می‌توانیم از این استعاره رازگشایی کنیم؟



نحوه دریافت شما به عنوان یک فرد کتابخوان حتی از یک فیلم هم بسیار متفاوت تر از یک فرد عادی خواهد بود. شما در بحث‌ها خیلی راحت تر از یک فرد غیر کتابخوان موفق به توضیح و صحبت کردن می‌شوید. دیدگاه شما نسبت به خیلی از مسایل بازتر و وسیع می‌شود و به راحتی می‌توانید تصمیماتی بگیرید که زندگی شما را از اشتباه و تجربه‌های بد خالی کند.

بعد از کتاب خواندن شما هرگز آدم قبلی نخواهید بود!

متوجه می‌شوید که واقعا چه چیزهایی در زندگی قابل اهمیت‌اند و چه چیزهایی بی‌ارزش تر از آن هستند که حتی به آن‌ها فکر کنیم. شما یاد می‌گیرید روی چه مسائلی متمرکز شوید و از کنار چه مسائلی عبور کنید.

در دنیای امروز چیزی که بیشتر از هر موضوعی اهمیت دارد شخصی‌سازی است. همه سعی در شخصی‌سازی و درست کردن سبک و روش‌های شخصی برای زندگی‌شان هستند. چیزهایی که نشان دهد من با دیگری متفاوتم. من سبک و عقیده خودم را دارم. هیچ چیز به اندازه کتاب خوب خواندن شما را در شخصی‌سازی موفق نمی‌کند. ذهن شما قدرت پردازش و دریافت عمیقی پیدا می‌کند که ناخودآگاه سبک زندگی و عقاید شما را تحت شعاع قرار می‌دهد. این تغییر است که شما را از بقیه متفاوت می‌کند نه صرف بیان یک جمله از فلان نویسنده در فلان کتاب!

ادبیات به نجات زندگی آدم‌ها برخاسته است. ادبیات دست شما را باز گذاشته است که با خواندن یک کتاب خوب به تحولی برسید که در زندگی عادی شاید هرگز به آن نمی‌رسیدید! ادبیات به شما قدرت فوق‌العاده تصور و تخیل را می‌دهد. این اجازه که خود را جای کس دیگری بگذارید که با همذات پنداری به تصفیه روح و روان خود برسید. شما با خواندن یک کتاب تاریخی و ستم‌هایی که به انسان‌های دیگر روا شده است و با قدرت همذات پنداری به درک عظیمی از زندگی می‌رسید. رنج تمام انسان‌ها رنج شخصی خود شماست پس دیگر نمی‌توانید به ظلم و تبعیض بی‌تفاوت باشید نمی‌توانید



خشونت نشان دهید. ادبیات به شما این اجازه را می‌دهد که با خواندن یک کتاب خوب خود واقعی‌تان را پیدا کنید با خواندن یک داستان به فلسفه و خودشناسی برسید. **ادبیات عظیم‌ترین موتور محرک روح انسان است** چون شما را قادر می‌سازد با خواندن یک داستان به تاریخ یا اجتماع - سیاست - فلسفه - روانشناسی و غیره برسید، فکر کنید و بفهمید.

تفاوت اصلی ادبیات با سایر رشته‌ها در همین است. شما نمی‌توانید یک کتاب صرف فلسفه یا سیاست بخوانید و به همه مفاهیم ذهنی دیگر هم دست بیابید. اما ادبیات زندگی است. چرا؟ چون دقیقاً مثل خود زندگی همه چیز را با هم دارد و در بر می‌گیرد. خیلی از افرادی که اهل مطالعه هستند خوانندگان ادبیات داستانی را جز خوانندگان جدی نمی‌شمارند! این افراد در اشتباه محض‌اند! ادبیات همه آن چیزی است که ما برای زندگی کردن لازم داریم. **یک کتاب خوب می‌تواند مسیر زندگی شما را تغییر دهد.** داستان‌ها بیشتر از هر مرجع دیگری به شما آموزش می‌دهند. یک نویسنده به عنوان یک انسان می‌خواهد بهترین و عمیق‌ترین دریافت خود از زندگی‌اش را بنویسد و در

اختیار مخاطب قرار دهد، خواندن این بسته اطلاعاتی فشرده دقیقاً مانند همان عصاره کیمیاگری است که بعد سال‌های آزمون و خطا و تجربه به دست آمده و در چند قطره جمع شده است. **هر کتاب خوب همان محلول کیمیاگری از انسانی بزرگ است.** چطور می‌توانید از سرکشیدن محلول خودداری کنید؟



ما اینجا هستیم که زندگی کنیم. اما چطور می‌توان بهتر زندگی کرد؟ مثل تمام چیزهای دیگر با تمرین! کتاب خوب همان تمرینی است که ما را برای غلبه بر این زندگی غیرقابل پیش‌بینی کار کشته می‌کند! ادبیات همان مربی سختکوشی است که عرق شما را خشک می‌کند و شما را به داخل رینگ می‌فرستد!

مقاومت نکنید! کتاب خوب بخوانید. شما نمی‌دانید اما شاید در کتابی که می‌خوانید جمله‌ای، شخصیتی و یا کلیدی برای قفل درون شما وجود داشته باشد. از باز کردن و وسیع شدن روح خود نترسید. از اینکه در سن کم به تجربه تمام دنیا برسید نترسید. قطعاً احساس پیری نخواهید کرد! شما کم‌کم به قدرت انتخاب و آزادی و رهایی می‌رسید که دیگر به هر چیزی تن نمی‌دهید، خود را اسیر زندگی روزمره و بی‌ارزش نمی‌کنید. ممکن است دیگران مطالعه شما را مسخره کنند چون ترس همین تفاوت‌ها راحت‌شان نمی‌گذارد. ترس اینکه نکند او سهم بیشتری از زندگی ببرد و من نه! چون به تدریج شما به زندگی و مجموعه رفتارها و انتخاب‌هایی می‌رسید که بسیار انسانی‌تر و رها تر از زندگی یک فرد غیر کتاب‌خوان است.

کتاب خوب همه ذهنیات شما را به هم می‌ریزد. از خراب شدن اعتقادات قدیمی خود



نترسید. کتاب خوب تزکیه نفس و فکر را به همراه دارد. به خودتان می‌آیید و می‌بیند سال‌ها تصور اشتباهی داشته‌اید و دست به خودسازی و چیدن دوباره افکار و عقاید خود می‌شوید.



کتاب خوب همان میخ‌های دردناکی است که مرتاض روی آن‌ها می‌خوابد تا به قدرت ذهن برسد، مرتاض سال‌ها سختی می‌کشد و رنج می‌برد اما شما می‌توانید در خانه‌تان راحت بنشینید و از تجربیات او درس بگیرید! احساس آگاهی و دریافت بیشتر از محیط پیرامون بهترین حسی است که ادبیات فروتنانه در برابر ما گرفته است. البته که هرچه میزان دریافت شما از زندگی بیشتر می‌شود رنج شما بیشتر است اما **رنج آگاهی صد برابر بهتر از خوشی ناآگاهی است.**

پس هر زمان دیگری که کسی از شما پرسید چرا کتاب می‌خوانی؟ بگویید چون از بزرگ شدن روحم ابایی ندارم. چون من انسان حریصی هستم و می‌خواهم به جای هزار نفر زندگی کنم.

👤 نویسنده مطلب: نگار نظری





چرا کتاب بخوانیم؟

می‌گویند جامعه‌ای که کتاب زیاد می‌خواند و سرانه‌ی مطالعه‌ی بالایی دارد، جامعه‌ی عاقل‌تر و با فرهنگ‌تری است. اما چرا؟ مگر کتاب چه چیزی دارد که فرهنگ یک جامعه را افزایش می‌دهد؟ شاید اصلاً قضیه عکس این است: فرهنگ یک جامعه، آن را به سمت کتابخوانی سوق می‌دهد! اگر چنین است، چرا؟ **چرا جوامع با فرهنگ کتاب می‌خوانند؟** در مطلب چرا کتاب بخوانیم؟ با ما همراه باشید تا در این زمینه تبادل نظر کنیم.

چرا کتاب بخوانیم؟

پاسخ به این سوال، می‌تواند بدبینی افرادی را که اهل کتاب خواندن نیستند از بین ببرد. قبل از هر اقدامی، قبل از انتشار انواع و اقسام ابزارهای ارتقاء سطح کتابخوانی و غیره،



باید چرایی این مسئله روشن شود. فلسفه این کار چیست؟ هدف دقیقا چیست؟ و... تا بدانیم دقیقا دنبال چه چیزی هستیم.

یک کتاب در کوتاه مدت، شما را نه به آدم بهتری تبدیل می کند و نه به آدم بدتری. بلکه خواندن هدفمند سلسله ای از کتاب ها در طول عمرتان و صرف زمان برای کتابخوانی است که می تواند تغییراتی در دیدگاه شما ایجاد کند تا در لحظه های مهم زندگی تان تصمیم های بهتری بگیرید.

بر این اساس شاید تجربه ای که از خواندن یک کتاب پیدا کردید سال ها در گوشه ی ذهن ناخودآگاه شما، بلااستفاده باقی بماند. اما ناخودآگاه، روی طرز تفکر و عملکرد شما تاثیر می گذارد. کتابخوانی، شما را به صورت مداوم با مسائل و دیدگاه های جدید مواجه می کند. هر چه مسائل بیشتری در ذهن تان باز شود، مغز شما هم بیشتر تحریک می شود تا آن ها را تحلیل کند. هرچه مسائل بیشتری در زندگی تحلیل کرده باشیم، شخصیت مان پخته تر و منحصر به فردتر خواهد بود. چراکه درباره ی خیلی از زوایای زندگی فکر کرده ایم.

در این مقاله از دو ابزار برای پاسخ به سوال چرا کتاب بخوانیم؟ استفاده می کنیم:

۱. دانش

۲. تجربه ی جمع

بگذارید ابتدا به جنبه ی علمی (دانش) ماجرا بپردازیم. از لحاظ علمی مطالعه ی کتاب چه فایده ای برای ما و یا مغز ما دارد؟

خواندن در برابر تماشا کردن

روش های مختلفی برای انتقال تجربه وجود دارد. دو مورد از پراستفاده ترین این روش ها مطالعه ی کتاب و تماشای ویدیو هستند. طبق باور عمومی، مطالعه ی کتاب خوب و تماشای تلویزیون بد است! به عنوان دانش عمومی پذیرفته شده که کتابخوانی دانش



شما را افزایش می دهد و باعث فکر کردن شما می شود، در حالی که تماشای تلویزیون سلول های مغز شما را می کشد. ولی چرا؟ از طرفی کتاب ها و فیلم های مختلفی وجود دارند، محصولات ضعیف تا قوی. پس چرا کتاب را طبق قانونی کلی خوب و تماشای تلویزیون را بد بنامیم؟

علم درباره ی کتاب و تلویزیون چه می گوید؟

راجع به تاثیر کتابخوانی و مطالعه روی مغز از دید نوروساینس (علوم اعصاب)، تحقیق های زیادی انجام شده است، از جمله تحقیق های جذابی که در **Huffington Post** راجع به **تفاوت تاثیر کتاب خواندن و تماشای ویدیو بر مغز انسان** مطرح شده است:

طبق قسمتی از این تحقیقات که در دانشگاه توکیو در ژاپن انجام شده است، کودکانی که زمان بیشتری را صرف دیدن برنامه های تلویزیونی می کنند، قسمت پیشانی مغزشان و همین طور قسمت هایی از مغز که مربوط به برانگیختگی^{۱۲} است ضخیم تر است. این قسمت های مغز، به کاهش توانایی استدلال کلامی معروف هستند. ضمناً، خروجی تحقیق مستقل از سن، جنس و سطح اقتصادی افراد بوده است.

تحقیقاتی موازی که در دانشگاه ایموری در آمریکا بر روی دانشجویان انجام شده، نشان می دهد که کسانی که بیشتر وقتشان را به مطالعه و کتابخوانی می گذرانند، قسمت هایی از مغزشان که به زبان و ارتباط مربوط است؛ رشد می کند. طبق مطالعات تاثیر این فعالیت روی مغز، مستقل از نوع محتوایی است که افراد می خوانند، و بیشتر به خود فعالیت مربوط است.

¹² -arousal



چرا کتاب و تلویزیون عکس هم عمل می کنند؟

A black and white cartoon illustration. In the center is a brain with several thin, jointed limbs extending from it. One limb in the upper left holds a thick book with the title 'Mohammad Nazari Ghendeshmin' written on its cover. Another limb in the lower right holds a vintage-style camera. A large, bold exclamation mark is positioned above the brain. The background consists of concentric, swirling lines radiating from the brain, creating a sense of motion or focus. The artist's signature 'Ruyi of 2005' is in the bottom left corner.

فرد را به حالت منفعل می‌برند :
تماشاچی نیازی چندانی به
استفاده از تخیل ندارد، همه‌ی
صحنه‌ها و بازیگران به شکل زنده
مجسم شده و نمایش داده
می‌شوند. در حالی که هنگام
کتابخوانی، فرد به حالت فعال
می‌رود: کتاب‌ها می‌توانند
شخصیت‌ها و صحنه‌ها را به شکل
عمیق‌تری نسبت به برنامه‌ی
تلویزیونی و ویدیو توصیف کنند.
از طرفی لازم است خواننده، برای
پر کردن گاف‌های محتوا از تجسم
و تخیل خود استفاده کند.





کتابها بهترین سرگرمی هستند، مابین آنها تبلیغات پخش نمی‌شود، نیاز به باتری ندارند، و در قبال هر دلار پرداخت شده ساعتها سرگرمی برای مخاطبان ایجاد می‌کنند. چیزی که من را متعجب می‌کند این است که چرا آدم‌ها یک کتاب برای پر کردن وقت‌های مرده‌ای که در زندگی روزمره غیر قابل اجتناب هستند بر نمی‌دارند.

استفن کینگ.

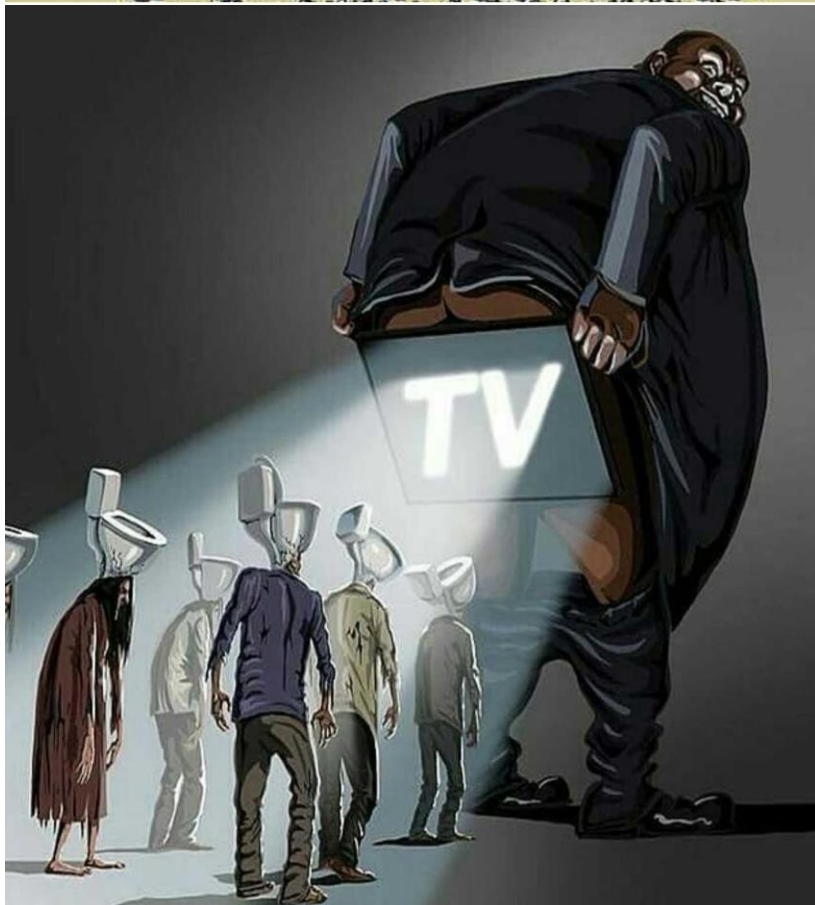
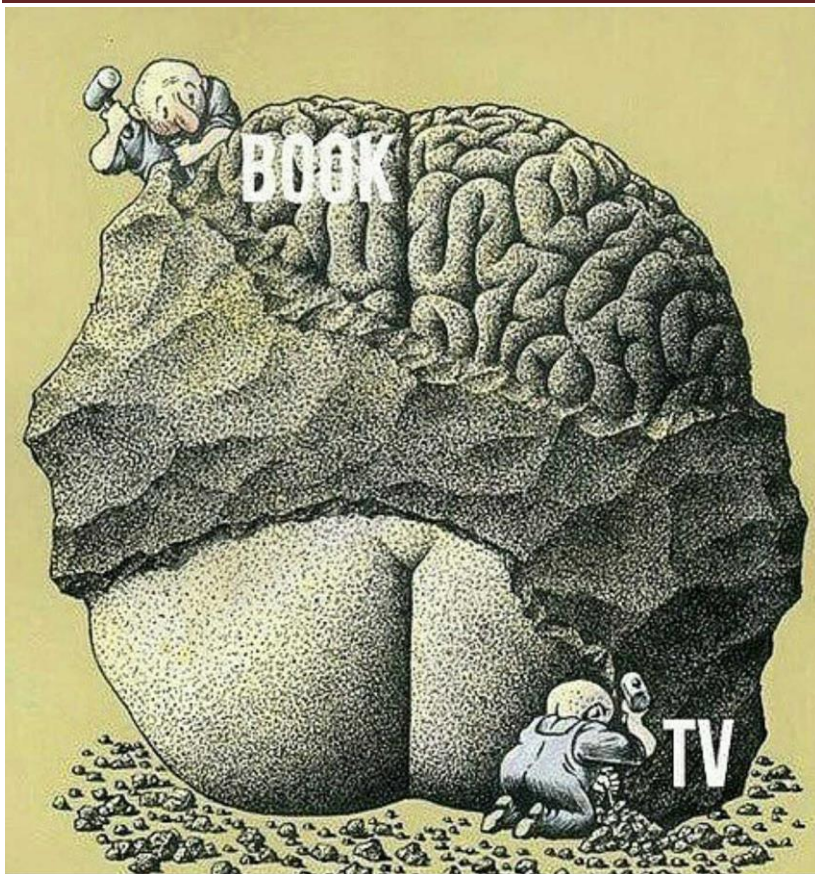
تلویزیون وسیله‌ای است برای سرگرمی که به میلیون‌ها نفر مجال می‌دهد که هم‌زمان به یک جک گوش دهند و با این حال تنها بمانند.

تی اس الیوت

کتاب، تلویزیون من است!

**Books are
just TV
for smart
people.**





تلویزیون هم معلم است، هم دوست و همبازی، هم دلقک، هم لولو. وقتی که چند نفر دور هم جمع می شوند، تنبلی شان می آید به مغزشان فشار بیاورند و موضوعی را برای صحبت پیدا کنند. تلویزیون این مشکل را حل کرده. همه به تلویزیون زل می زنند و حرفی نمی زنند. اگر هم حرفی بزنن درباره تلویزیون است. همه می دانیم که **دشوارترین کار**

برای بشر فکر کردن است. فکر کردن هیچ به مزاج بشر سازگار نیست و با تنبلی او ابداً جور در نمی آید. تلویزیون بشر را از دردسر فکر کردن، خلاص کرده.

تلویزیون که داشته باشید، دیگر نیازی به فکر کردن ندارید. از این روست که می توان تلویزیون را همراه با ساندویچ و زیپ لباس، بزرگ ترین اختراعات تاریخ بشر به شمار آورد. **فریدون تنکابنی**

📌 **در ستایش تنبلی**



چه طور فرهنگ کتابخوانی در کشورهای مختلف نهادینه شده است؟



سارا بوربور : به این مطلب برخوردی که جالب بود: چگونه فرهنگ کتابخوانی در آمریکا نهادینه شده است؟

شاید برای شما هم این سؤال باشد که چرا میانگین مطالعه کتاب در برخی کشورها، به میزان قابل توجهی از ایران بیشتره. این سؤال همیشه در ذهن من هم بود تا اینکه فرزندم در آمریکا به مدرسه رفت.

بر خلاف کشور ما، در آمریکا بیشترین سرمایه‌گذاری آموزشی بر روی دانش‌آموزان دوره ابتدایی انجام میشه. تجربه من از این چند سال مدرسه رفتن پسرم اینه که

هر چیزی که قراره در جامعه بصورت فرهنگ در بیاد، در سنین ابتدایی در مدرسه آموزش داده میشه.

از زمانی که پسر به مدرسه رفت و خوندن و نوشتن رو یاد گرفت، باید روزی ۲۰ دقیقه کتاب میخوند. نکته قابل توجه برای من این بود که در اینجا کتابهای ساده با عکسهای زیاد و نوشتههای کم برای جذب بچه ها به کتابخونی و با دونستن تنها چند حرف به وفور وجود دارد. در کنار تاکید معلمین مدرسه به ۲۰ دقیقه کتابخوانی روزانه، این کتابها تاثیر بسزایی در کتابخون کردن بچه ها دارند.

روشهای ساده دیگری هم برای تشویق کودکان به کتابخونی مورد استفاده قرار میگیرند. مثلاً یک پازل که تصویری سیاه و سفید از یک ماشین هست رو به دانش آموز میدن. دانش آموز به ازای هر نیم ساعت کتابخوانی، می تونه یک تیکه این پازل رو رنگ کنه. در یک فرم جداگانه هم از والدین میخوان که اسم کتابهایی که خوانده و مدت زمان صرف شده را یادداشت کنند. در نهایت کسی که بیشترین تعداد پازل رنگ شده رو داشته باشه، برنده میشه و جایزه میگیره. یادمه که همین جایزه انگیزه بسیار خوبی برای پسر من شده بود که بیشتر مطالعه کنه.

نکته جالبه دیگه در مدرسه این بود که بجای اینکه مثل ایران به بچه ها تکالیف زیادی بدن که در منزل انجام بدن، تکالیف بچه ها بسیار محدود و فقط شامل چند صفحه تمرین ریاضی در هفته هست. در عین حال تمرکز ویژه ای بر کتاب خوانی روزانه هست و والدین باید هر روز به معلم گزارش بدن که شب گذشته فرزندشون چقدر کتاب خونده. تاثیر این کارهای ساده این شده که پسر من که کلاس پنجم دبستان هست، هفته ای ۸-۹ کتاب ۱۰۰ صفحه ای رو از کتابخونه به امانت میگیره و میخونه.





در کنار فرهنگ سازی مدرسه برای کتاب خوانی، باید به محیط بسیار جذاب کتابخانه برای علاقمند کردن بچه ها به کتابخوانی اشاره کرد. همه کتابخانه هایی که در آمریکا دیدم، فضای قابل توجهی رو برای بازی کردن بچه ها اختصاص دادند. این فضا مجهز به انواع اسباب بازی ها، کتاب و سی دی های کودکانه، کامپیوتر و لپتاپ مختص کودکان هست.

کار جالب دیگه کتابخانه ها برگزاری کلاسهای رایگان کتابخوانی روزانه برای کودکان بزرگتر از سن ۶ ماهگی! هست. بله، تعجب نکنید، **کلاس کتابخوانی برای نوزاد ۶ ماهه**. در این کلاسها از روی کتابهای پرعکس و کم نوشته برای بچه ها می خوانند و بعد با بچه ها شعر می خوانند و بازی می کنند. این کلاسها باعث شده که الان کتابخانه برای دختر دو ساله ام یکی از دوست داشتنی ترین مکانها باشه، بطوریکه هر روز باید با گریه از کتابخونه بیاریمش بیرون.

@K1inUSA



PUBLIC LIBRARIES IN THE U.S.

14,157

MCDONALD'S IN THE U.S.



= 1,000 libraries



= 1,000 McDonald's

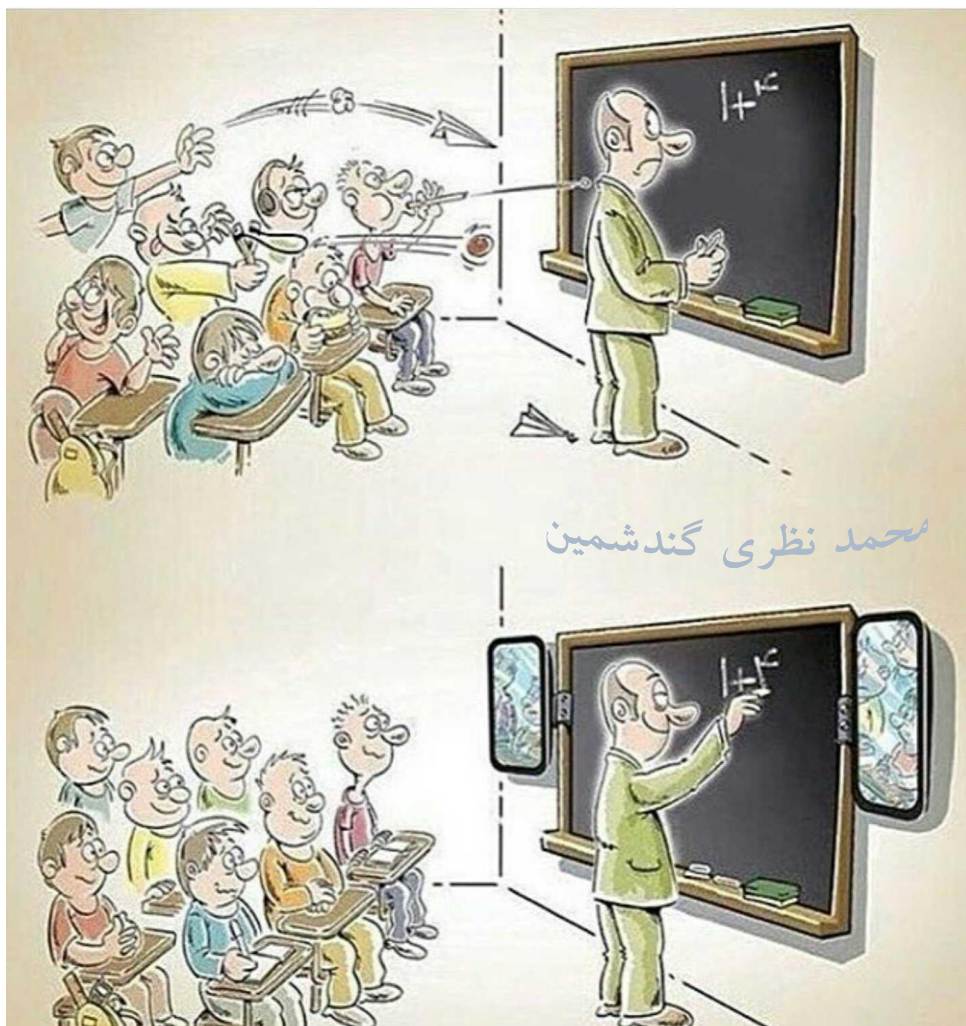
وقتی مردم دغدغه سیب زمینی و پیاز و گوجه و بسی امثال این را دارند ، آیا انتظار معقولی است که از مردم بخواهیم کتاب بخوانند؟؟!!
آیا برای مردمی که درگیر سیر کردن شکم خودشان باشند ، فرصت و انگیزه ای می ماند
که به نیازهای روانی _ذهنی خودشان نیز توجه کنند؟؟!!
به راستی گرانی ، بهانه خوبی برای کتاب نخواندن نیست ؟؟؟!



در آمریکا تعداد
کتابخانه های عمومی از
تعداد فست فودهای مک
دونالد بیشتر است. حال شما
در هر شهری هستید،
خودتان این مقایسه را انجام
بدهید! و این یعنی مردم
آمریکا کم می خورند و
زیاد می خوانند و مردم
جوامع دیگر زیاد می
خورند و کم و می خوانند!؟



به پسر درس بدهید.



او باید بداند که همه مردم عادل و همه آن ها صادق نیستند، اما به پسرم پیاموزید که به ازای هر شیاد، انسان صدیقی هم وجود دارد. به او بگوید به ازای هر سیاستمدار خودخواه، رهبر جوانمردی هم یافت می شود. به او پیاموزید، که در ازای هر دشمن، دوستی هم هست. می دانم که وقت می گیرد، اما به او پیاموزید اگر با

کار و زحمت خویش، یک دلار کاسبی کند بهتر از آن است که جایی روی زمین پنج دلار بیاورد. به او بیاموزید که از باختن پند بگیرد. از پیروز شدن لذت ببرد. او را از غبطه خوردن بر حذر دارید. به او نقش و تاثیر مهم خندیدن را یادآور شوید.....

اگر می توانید، به او نقش موثر کتاب در زندگی را آموزش دهید. به او بگویید تعمق کند، به پرندگان در حال پرواز در دل آسمان دقیق شود. به گل های درون باغچه و زنبورها که در هوا پرواز می کنند، دقیق شود. به پسرم پیاموزید که در مدرسه بهتر این

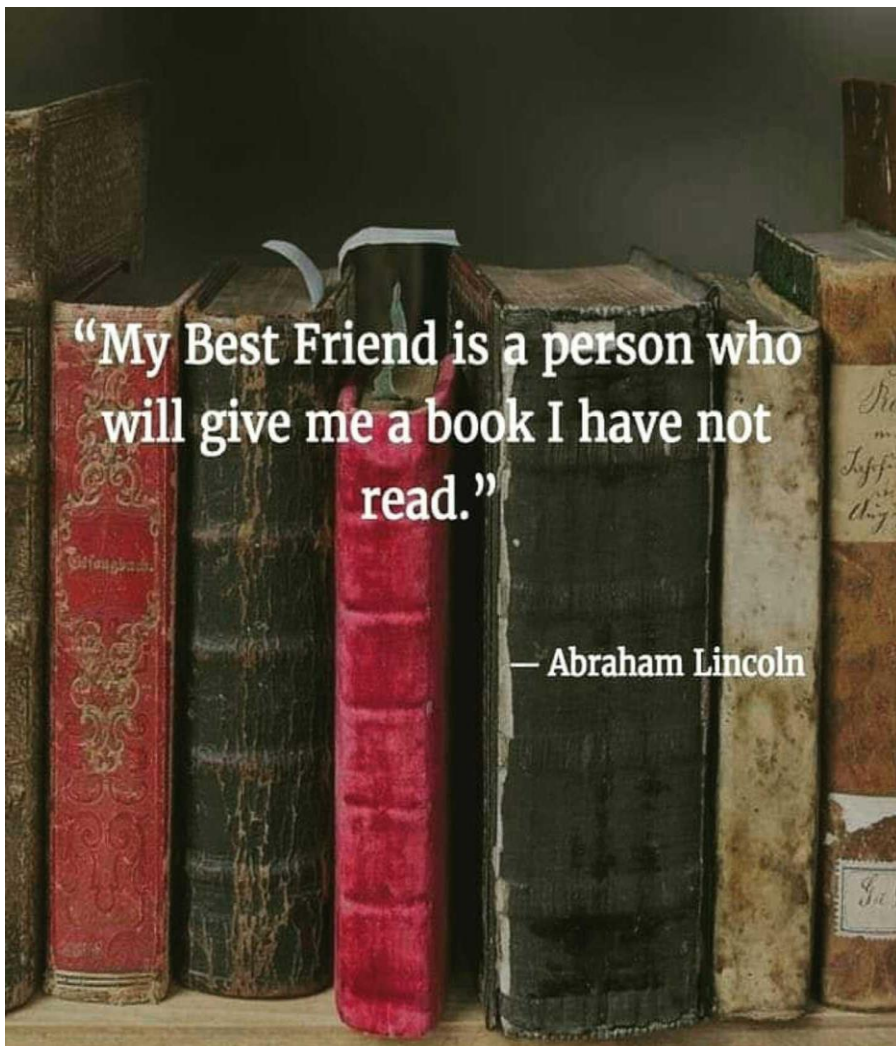


است که مردود شود اما با قلب به قبولی نرسد. به پسر م یاد بدهید با ملایم ها، ملایم و با گردن کش ها، گردن کش باشد. به او بگویید به عقایدش ایمان داشته باشد حتی اگر همه بر خلاف او حرف بزنند. به پسر م یاد بدهید که همه حرف ها را بشنود و سخنی را که به نظرش درست می رسد انتخاب کند.

ارزش های زندگی را به پسر م آموزش دهید. اگر می توانید به پسر م یاد بدهید که در اوج اندوه تبسم کند. به او بیاموزید که از اشک ریختن خجالت نکشد. به او بیاموزید که می تواند برای فکر و شعورش مبلغی تعیین کند، اما قیمت گذاری برای دل بی معناست. **به او بگویید که تسلیم هیاهو نشود و اگر خود را بر حق می داند پای سخنش بایستد و با تمام قوا بجنگد.** در کار تدریس به پسر م ملایمت به خرج دهید اما از او یک ناز پرورده

نسازید. بگذارید که او شجاع باشد، به او بیاموزید که به مردم اعتقاد داشته باشد توقع زیادی است اما ببینید که چه می توانید بکنید. پسر م کودک کم سال بسیار خوبی است.

یک معلم بزرگ تو را به دانش رهنمون نمی کند، بلکه تو را تا بالاترین حد توانایی فکرت هدایت می کند. آبراهام لینکلن





♦ چرا کتاب کاغذی را به کتاب الکترونیک ترجیح می دهیم؟

کتاب ها را واقعی نگه داریم

در این تحقیق از هزار نفر که اهل کتاب خواندن بودند این سوال را پرسیدیم و بیشترین پاسخ هایی که گرفتیم از این قرارند:

♦ **۶۵٪ حس کتاب واقعی:** حس کتاب واقعی متفاوت است. همین که یک شی ملموس را دستت می گیری، توی آن یادداشت می نویسی، چیزهایی توی صفحه ها یا روی

جلدش حک می کنی، خاطرات را به گوشه های تا خورده صفحاتش گره می زنی، لای صفحه های کتاب یک بلیط می گذاری، حس متفاوتی دارد. هیچ برنامه کاربردی این کار را برای ما انجام نمی دهد.

♦ **۶۱٪ یادگیری**

کتاب واقعی برای یادگیری مناسب تر است چون می توانی در آن برگه های کوچک یادداشت را به صفحه های مورد نظرت بچسبانی یا سطرهایی را که دوست داری علامت گذاری کنی. اصلا چه کسی بدون این که سه جلد





کتاب همزمان روی میزش باز باشند، چیز یاد می گیرد؟

♦ ۵۸٪ **اشتراک کتاب**: کتاب الکترونیکی را نمی شود به دوستان و عزیزانمان قرض بدهیم.

♦ ۵۳٪ **دیدن کتاب**: تجربه بصری کتاب واقعی شیرین است. طراحی باحال جلد، صفحه آرایی، فرم و رنگ صفحه های اول و آخر کتاب، حاشیه های طلایی و این طور چیزها کتاب را به یک شی هنری تبدیل می کند.

♦ ۴۵٪ **فروش مجدد**: کتاب واقعی مال خود آدم است چون پولش را داده و می تواند اگر دلش خواست آن را بفروشد یا با کسی عوض کند.

♦ ۴۴٪ **جمع کردن کتاب**: ساخت کلکسیون کتاب های قدیمی، اولین نسخه کتاب ها، کتاب هایی با طراحی خاص یا درست کردن یک ردیف دوست داشتنی از کتاب های مختلف در کتابخانه شخصی برای خیلی ها جذاب است.

♦ ۴۴٪ **هدیه دادن**: کادو دادن کتاب الکترونیکی لطفی ندارد. نمی شود یک روبان قشنگ پیچید دور کتاب الکترونیکی و آن را به کسی هدیه داد.

♦ ۴۲٪ **خرید**: خریدن کتاب واقعی لذت بخش است و تجربه زیر و رو کردن و لمس کتاب ها لایه های قفسه های کتابفروشی قابل مقایسه با فشار دادن دکمه صفحه کلید و خرید آنلاین نیست.

♦ ۱۱٪ **بو**: بعضی ها فقط بوی کتاب واقعی را دوست دارند. کتاب الکترونیکی بی بوست.

♦ ۹٪ **فخرفروشی**: بدون کتاب واقعی بقیه از کجا بفهمند شما چقدر باهوش و کتابخوان هستید؟

کتاب ها را واقعی نگه داریم (منبع: سایت ebookfriendly)



🕊️ ❤️ 🕊️ ❤️ 🕊️ ❤️ 🕊️ 📖 - کتاب درمانی - جلد ۵ 🕊️ ❤️ 🕊️ ❤️ 🕊️ ❤️ 🕊️



چه موضوعاتی در مدارس سرتاسر دنیا تدریس می شود؟

ترجمہ: مریم اسدی

ایالات متحده آمریکا

موضوعات اجباری در دبیرستان: ریاضیات، ادبیات، علوم طبیعی، علوم اجتماعی و تربیت بدنی.

موضوعات انتخابی که هر دانش آموز یکی یا چند مورد را انتخاب میکند: بازیگری، تربیت بدنی، آمار، کامپیوتر، زبان های خارجی، تکنولوژی محیطی، نقاشی، مجسمه سازی، عکاسی، هنر فیلمبرداری، تئاتر، نوازندگی، رقص، گرافیک کامپیوتر، طراحی وب، خبرنگاری، تعمیر ماشین و نجاری نیز هستند.

استرالیا

مدارس ابتدایی: در مدارس ابتدایی علاوه بر موضوعات حساب، زبان بومی، تربیت بدنی و درس های خلاقیت به کودکان نحوه سخنرانی نیز آموزش داده می شود.

مدارس راهنمایی: انگلیسی، ریاضی، احتمال، سواد کامپیوتری، علوم اجتماعی، تاریخ، جغرافیا، زیست، هنر، تربیت بدنی و علوم طبیعی موضوعات اجباری هستند.

دبیرستان: در دبیرستان دانش آموزان اصول اولیه حرفه آینده خود را یاد می گیرند. به علاوه در شرکت ها دوره کاردانی می گذرانند. به همین دلیل بلافاصله بعد از فارغ التحصیلی جذب کار می شوند.

نکته جالب مدارس استرالیا این است که هیچ مدرسه ای باشگاه ندارد و اگر هوا بارانی باشد مدارس کاملاً تعطیل می شوند.



و نکته جالب دیگر این که اگر مدرسه به ساحل نزدیک باشد آموزش های **موج سواری** می بینند.

ژاپن

مدارس ابتدایی: در مدارس ابتدایی ژاپن به دانش آموزان علاوه بر زبان ژاپنی جدید زبان ژاپنی قدیمی نیز آموزش داده می شود و همینطور خوشنویسی، شعر، حساب، علوم طبیعی، علوم اجتماعی، موسیقی، هنرهای تجسمی، تربیت بدنی و خانه داری.

دیرستان: علوم انسانی و علوم طبیعی. هدف اصلی از درس خواندن رفتن به دانشگاه است به همین دلیل دانش آموزان بقیه موضوعات را به دلخواه خودشان انتخاب می کنند. به عنوان مثال: کشاورزی، صنعت، تجارت، ماهیگیری، پزشکی، زبان های خارجی و بسیاری موارد دیگر...

عربستان سعودی

موضوعات اجباری در مدارس عربستان سعودی شامل مذهب، ریاضیات و علوم طبیعی (زیست و فیزیک) می شود. در مدارس خصوصی علوم انسانی مثل تاریخ و مطالعات اجتماعی تدریس نمی شوند.

ایرلند

در مدارس ایرلند ۲ موضوع اجباری تدریس می شود: زبان انگلیسی و ریاضی.

بقیه موضوعات کاملاً اختیاری هستند. دانش آموزان باید در موضوعی که می خواهند
آزمون بدهند و قبول شوند. مدارس ۳۴ موضوع مختلف دارند از جمله: حسابداری، علوم



تجاری، مدیریت، موسیقی، نقاشی، تکنولوژی اطلاعات، نجاری، زبان های خارجی، کشاورزی، تئاتر و بسیاری موارد دیگر...

اسپانیا

آموزش های ابتدایی شامل زبان اسپانیایی، ادبیات، علوم طبیعی، تربیت بدنی، ریاضی، زبان های خارجی و هنر و موسیقی

مدارس متوسطه: علوم اجتماعی، جغرافیا، تاریخ، گرافیک، هنر پلاستیک، موسیقی و تکنولوژی

در **دیرستان** ها ۴ رشته انتخابی وجود دارد: علوم انسانی، تکنولوژی، علوم طبیعی و هنر.

چین

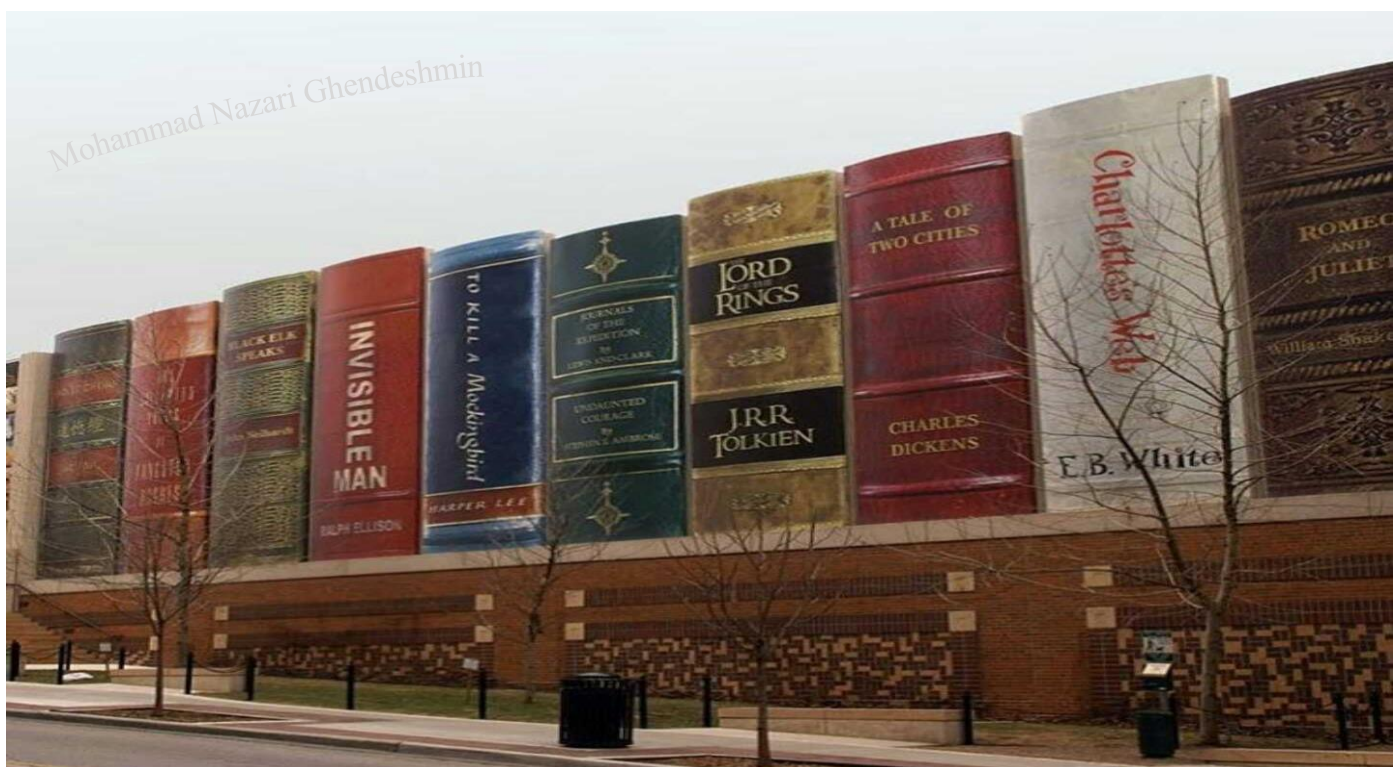
موضوعات اجباری: ریاضیات، زبان چینی، زبان خارجی، نقاشی، موسیقی و تربیت بدنی
اما در **مدارس متوسطه و دیرستان** موضوعات: علوم طبیعی (فیزیک، شیمی و زیست) علوم اجتماعی، مهارت های کامپیوتر و علوم کامپیوتر آموزش داده می شود. هر سال سطح پیچیدگی مدارس بیشتر و بیشتر می شود به همین دلیل مدارس چین به سخت ترین سیستم های آموزشی دنیا معروف هستند.

همانطور که می بینید کشورهای پیشرفته بیشتر به علوم انسانی و هنر تاکید دارند.
در مدارس کشور ما چه موضوعاتی تدریس می شوند و کدام یک از این سیستم های آموزشی به شما نزدیک تر است؟

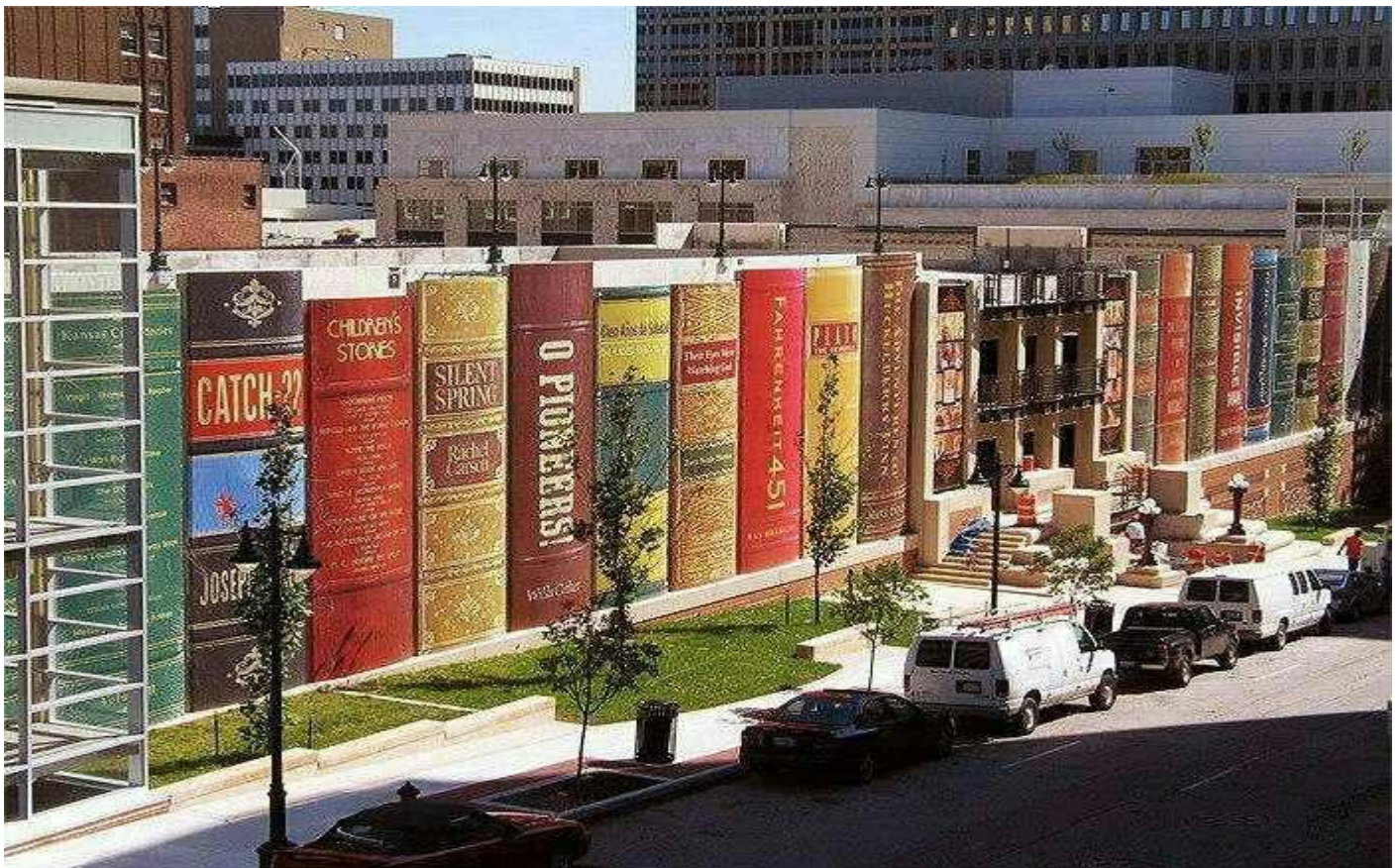


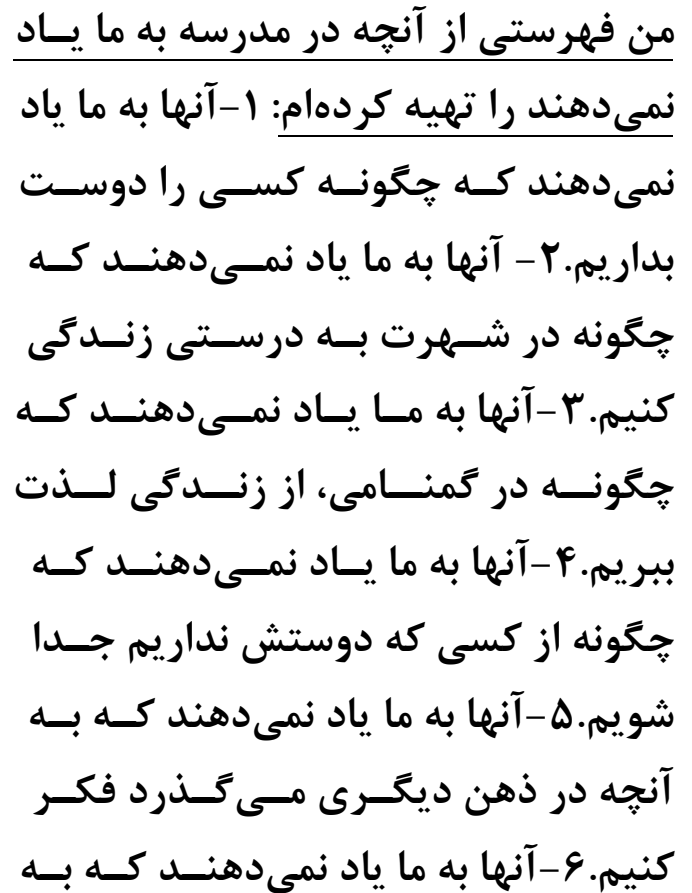


🕊️ ❤️ 🕊️ ❤️ 🕊️ ❤️ 🕊️ جلد ۵ 🕊️ ❤️ 🕊️ ❤️ 🕊️ ❤️ 🕊️



تصویر مربوط به نمای زیبای کتابخانه عمومی شهر کانزاس





مهم ترین چیزی که در مدرسه یاد گرفتم این بود که هیچ وقت مهم ترین چیزها را در مدرسه یاد نمی دهند ... 📖 از دو که حرف می زنم از چه حرف می زنم 🧑 **هاروکی**

مدرسه ای که من دوست دارم جایی است که بچه ها در آن یاد می گیرند استدلال کنند، درک کنند و مهم تر از همه برای خودشان فکر کنند. جو دیت_۱۳_ساله منبع: **ادوارد**

"حکمت ، محصولی از مدرسه رفتن نیست بلکه تلاشی تمام عمر برای پیدا کردن او است." **آلبرت اینشتین**

▲ تبریز و فروپاشی کتابفروشی‌هایش



تصویر سمت راست ،
منطقه یک تبریز است !!!

روح‌الله رشیدی

♦ در برهوت ملال‌انگیزِ کار
فرهنگی در تبریز، یکی دو
چراغ با اهتمام شخصی چند
جوان در چند گوشه شهر
روشن است.

مجموعه کتاب فیروزه از محدود
پنجره‌های تنفس فرهنگی شهر
است که با سرمایه کاملاً
شخصی در یکی از املاک اوقاف
استان، به صورت استیجاری راه
افتاده است.

سمت راست تصویر ایران است

آگاهی نزد دعانویس یا فالگیر نیست آگاهی با جادو به
وجود نمی آید
ملتی که آگاه هستند، کتاب خوانده اند
🕊️ 🤔 💡 🌞 📖 🌞 💡 🕊️

محمد نظری گندشمین
30.08.17 at 13:21

اما از روزی که راه افتاده، همواره با انواع تنگ‌نظری‌ها و مانع‌تراشی‌ها از سوی مالک
(اوقاف) روبرو بوده است. آنچنان که این جوان‌ها به جای تمرکز بر کار اصلیشان
(کتاب‌رسانی و برگزاری برنامه‌های کتاب‌محور) در راهروهای دادگستری چپ و راست
می‌روند! چرا؟ چون متولیان اوقاف فکر می‌کنند باید سود بیشتری از این محل در بیاورند
و اجاره دریافتی از کتابفروشی، نمی‌تواند چنین سودی را عاید کند! دنبال مستاجری
هستند که پول بیشتری بدهد؛ اگرچه آن مستاجر، ماتیکی بفروشد یا ماشین لوکس یا

هوویج و سیب زمینی!



چند ماهی می‌شود که بازی کودکانه قطع برق فروشگاه را راه انداخته‌اند و عملاً آبروریزی منحصر بفردی را بانی شده‌اند.

آن روز که چهره‌های ملی فرهنگ و هنر کشور را برای بازدید از یکی از آبروهای فرهنگی شهر به کتابفروشی بردیم و با تاریکی اجباری آنجا روبرو شدیم، فاتحه متولیان فرهنگ و هنر شهر را خواندیم.

آخر این چه مضحکه‌ای ست که راه انداخته‌اند؟! در این گیرودار سکه و دلار، که هیچ کس از تک ریالش نمی‌گذرد، کسی آمده و همه هست و نیست مادی و معنوی‌اش را ریخته پای کتاب و فرهنگ شهر. دیگر چه مرگتان است؟ میلیاردها تومان سرمایه ملی در چنبره شماس و هیچ گلی به سر دین و ایمان و فکر و فرهنگ و هنر این ملت نزده‌اید، لااقل بگذارید خود مردم فکری به حال خود کنند.

نمی‌دانم چه کسی می‌تواند مردانگی به خرج دهد و حضرات اوقاف را از خر زیاده‌خواهی پایین بیاورد، اما می‌دانم که خیلی‌ها هستند که به وقت پُز دادن پیش رؤسا و بزرگان‌شان، همین کتابفروشی را به رخ می‌کشند.

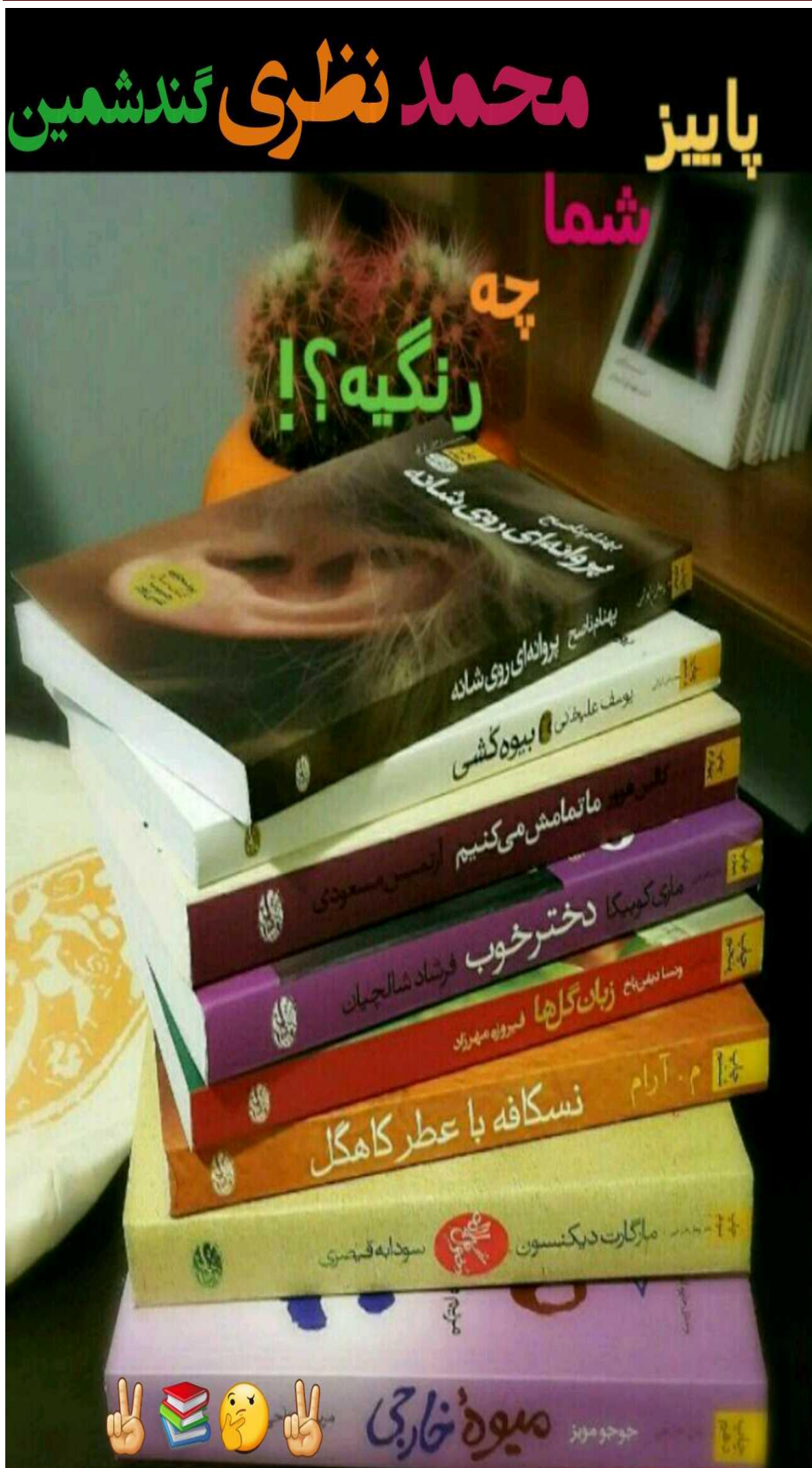
معلوم است که در شهر اوجوزمارکت‌ها و جانپوها و برج‌های مزخرف، کسی دلش به حال کتابفروشی نمی‌سوزد، اما بد نیست برای خودنمایی پیش اغیار هم که شده، یکی دوتا کتابفروشی به صورت نمادین داشته باشیم!

آقای اوقاف! می‌شنوی؟ چه درد است؟ مگر در این مملکت قانون حاکم نیست؟ حرفی داری؟ اختلافی هست؟ پس چرا به قانون تن نمی‌دهی؟

این مضحکه را پایان دهید و بگذارید جوان‌های شهر پاتوقی امن در همسایگی شما داشته باشند. اینکه دیگر وظیفه حتمی شماس است.



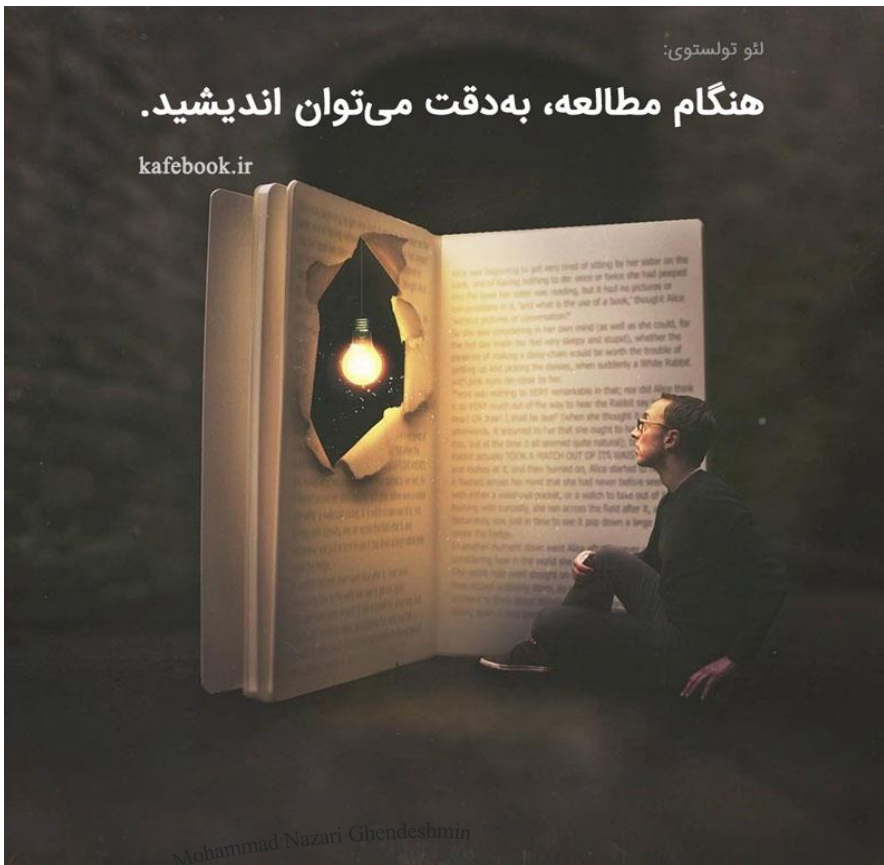
🕊️ ❤️ 🕊️ ❤️ 🕊️ ❤️ 🕊️ ❤️ 🕊️ **کتاب درمانی - جلد ۵** 🕊️ ❤️ 🕊️ ❤️ 🕊️ ❤️ 🕊️



صبح است گنجشک محض می خواند
پاییز روی وحدت دیوار
 اوراق می شود
 رفتار آفتاب مفرح حجم فساد را
 از خواب می پراند
 یک سیب
 در فرصت مشبک زنبیل می پوسد
 حسی شبیه غربت اشیا
 از روی پلک می گذرد
 بین درخت و ثانیه سبز
 تکرار لاجورد
 با حسرت کلام می آمیزد
 اما...
 ای حرمت **سپیدی کاغذ!**
 نبض حروف ما
 در غیبت مرکب مشاق می زند
 در ذهن حال، جاذبه شکل
 از دست می رود
باید کتاب را بست
 باید بلند شد
 در امتداد وقت قدم زد...
 گل را نگاه کرد...
 ابهام را شنید
 باید دوید تا ته بودن
 باید به بوی خاک فنا رفت
 باید به ملتقای درخت و خدا رسید
 باید نشست
 نزدیک انبساط

جایی میان بیخودی و کشف... **سهراب سپهری**





چرا کتاب می‌خوانم؟

به تعداد آدم‌های روی زمین برای این سوالِ مهم که «چرا کتاب می‌خوانم؟» پاسخ وجود دارد. در ادامه تجربه‌ی بعضی از افراد را برایتان آورده‌ایم: «آگاهی لذت‌بخش است. مخصوصا اگر وارد عمل شود: یک سری داده و اطلاعات درباره‌ی زندگی به من رسیده بودند که تبدیل به دانش

نشده بودند. کتاب‌ها به من کمک کردند که آن‌ها را بهتر بفهمم».

«چون کتاب پر از تجربه‌های نزیسته و مطالبی است که به آن‌ها جاهل هستیم و برای زندگی نیاز داریم».

«هرکدام از ما در محیط متفاوتی پرورش پیدا می‌کنیم و به همین خاطر ارزش‌ها و اولویت‌های متفاوت و همچنین دغدغه‌ها و مشکلات متفاوتی داریم؛ همگی در تلاش برای رسیدن به خواسته‌هایی هستیم که محیط و توانایی‌مان برای ما شکل داده‌اند؛ برای مثال پسر ۱۵ ساله یک کارمند ساکن تهران با حقوق ۱,۵ میلیون تومان که ساکن تهرانپارس است دغدغه‌ها و ارزش‌هایی متفاوت با یک زن ۳۵ ساله‌ی ساکن نیجریه با شغل خدمتکاری و هشت فرزند و شوهری که به خاطر ایدز تلف شده دارد».

«کتاب به ما کمک می‌کند که آدم‌ها را بشناسیم، وارد زندگی دیگران شویم و جهان را از نگاه ایشان ببینیم، این مسئله در درجه‌ی اول باعث سرگرمی می‌شود و در درجه دوم



باعث می شود هنگام برخورد با آدمی متفاوت از خودمان، سعی کنیم او را با توجه به زاویه دید خودش قضاوت کنیم. در نتیجه همدلی کنیم و تنش روابط پایین تر بیاید.»

« کتاب تاریخی می خوانم چون احساس می کنم چرخه ی تاریخ تکرار می شود و باید بدانم چه شد که این طور شدیم » «کتاب مذهبی می خوانم چون شنیدن دین با فهمیدنش خیلی فرق دارد» «کتاب علمی می خوانم تا از دنیا عقب نمانم و از حس خوب فهمیدن و کشف کردن بهره ببرم.»

« چرا کتاب می خوانم؟ چون می توانم هیجان و تخیلم را تخلیه کنم »
«من دوست دارم از دید نردبان یادگیری به این موضوع نگاه کنم.»

«گاهی کتاب خواندن می تواند کمک کند که من از فاز «**نمیدانم که نمیدانم**» به فاز «**میدانم که نمیدانم**» برسم. چطور؟ هر از گاهی یک کتاب را در حوزه ای که چیزی از آن نمیدانم، ورق می بزنم. تاکید می کنم، ورق می بزنم. شاید چیزی یافته ام که برایم سوالی ایجاد کرد. مثلاً خواندن یک مقاله ی دو صفحه ای در مورد هوش هیجانی ممکن است به من کمک کند که بفهمم عدم موفقیت من در کارم می تواند ناشی از هوش هیجانی ام باشد. به عبارتی درک کنم که چیزی فراتر از یک مدرک خوب در یک دانشگاه خوب هم در موفقیت موثر است. یا ورق زدن استعدادیاب کلیفتون به من کمک کند که بفهمم نقاط قوت انسانها چه مواردی می توانند باشند و ... گاهی هم وقتی دانستم که نمیدانم، می روم کتابی می یابم که من را به فاز می دانم که می دانم برساند. حالا می توانم هدف داشته باشم که در مورد هوش هیجانی چیزی موثر بدانم. حالا با این هدف می روم و عمرم را، که بزرگترین سرمایه ی زندگی من است، صرف خواندن کتابی در حوزه ای که در راستای هدف من است، صرف می کنم. شخصاً با خواندن کامل یک کتاب، آن هم کتابی که ندانم خواندن و نخواندن آن چه تفاوتی در من ایجاد خواهد کرد، چندان موافق نیستم. شاید این ناشی از روحیه ی نسبتاً شدید نتیجه گرایی در من باشد»



در چه ژانری مطالعه کنیم؟

بسته به هدف مان از مطالعه، ژانرهای متفاوتی از کتاب مناسب ما خواهند بود. برای مثال وقتی به دنبال کسب تجربه درباره‌ی زندگی و درک افراد مختلف هستیم، مطالعه‌ی کتاب‌های «رمانی» و «خودزندگی‌نگاری»^{۱۳} کمک شایانی خواهند بود. برخی از **رمان‌های معروف جهان** جنگ و صلح، **دن کیشوت**، کشتن مرغ مقلد و **صد سال تنهایی** هستند. از رمان‌های خوب ایرانی می‌توان به سووشون، کلیدر، **جای خالی سلوچ** و مجموعه داستان‌های عزاداران بیل اشاره نمود. تجربه‌ها در خودزندگی‌نگاری‌ها به واقعیت نزدیک‌تر هستند. برای مثال داستان زندگی من که در آن هلن کلر به بیان داستان زندگی‌اش می‌پردازد نمونه‌ای از اشتراک تجربه‌ی یک فرد در قالب کتاب است. کتاب پرسپولیس اثر مرجانه ساتراپی نوع دیگری از خودزندگی‌نگاری (به شکل کتاب کمیک) است.

از کتاب دون کیشوت اثر سروانتس می‌خوانیم:

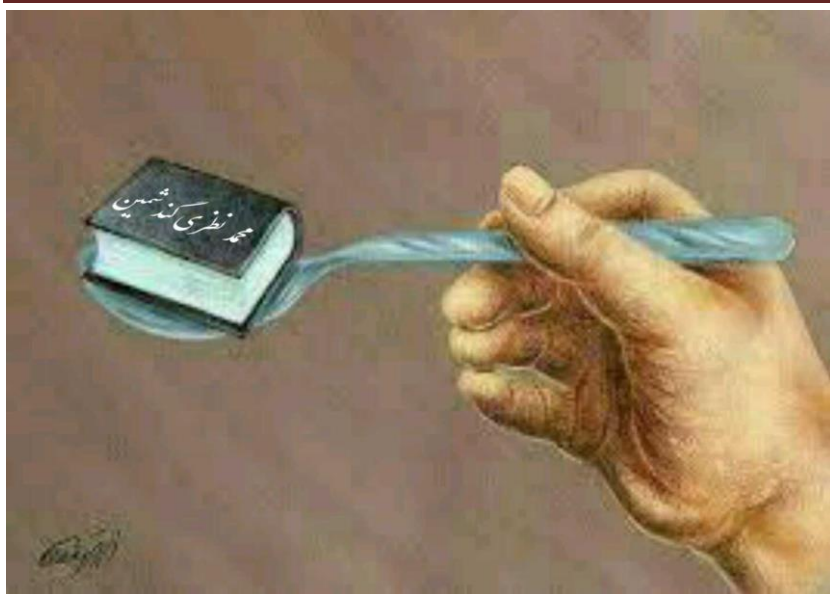
«**حقیقت، ممکن است شکننده‌تر و شکننده‌تر شود اما هرگز نخواهد شکست! و همواره مافوق دروغ‌ها قرار خواهد گرفت؛ درست مثل روغن که روی آب می‌ایستد.**»

اخیرا بسیاری از روایات تاریخی در قالب رمان‌های تاریخی انتشار می‌یابند. رمان دزیره و نمونه‌ای از این ژانر است. در ایران نویسندگانی چون مسعود بهنود در کتاب‌های مثل امینه به تولید این گونه کتاب‌ها پرداخته‌اند.

کتاب‌ها در ژانرهای متنوعی مثل تخیلی، علمی تخیلی، فانتزی، **پلیسی**، **رمان عاشقانه** و بسیاری دیگر عرضه می‌گردند. پیدا کردن ژانر مورد علاقه‌تان تنها با خواندن کتاب در تمام ژانرها امکان پذیر است. اما همانطور که صمد بهرنگی می‌گوید:

¹³ - Autobiography





A close-up photograph of several open books, likely encyclopedias, showing dense printed text on their pages. The books are stacked and fanned out, with one book in the foreground clearly showing a page with a large 'W' and the heading 'CHAPTER SIX'. The pages are yellowed with age, and the text is in a small, serif font. The books are arranged in a way that creates a sense of depth and abundance of knowledge.

-رالف والدو امرسن
kafebook.ir



برای یافتن بهترین کتاب‌ها در هر ژانری، از دوستان یا علاقه‌مندان به کتاب و کتاب‌خوانی بپرسید!



چرا گاهی لازم است کتاب‌ها را زمین بگذاریم و خود بیاندیشیم



اهمیت کتاب و کتاب‌خوانی بر هیچ کس پوشیده نیست، شاید بعضی‌ها اعتیاد به کتاب را تسلی‌بخش‌ترین نوع تعلق خاطر در نظر بگیرند. همچنین برای کسی که سخت راغب کتاب و کتاب‌خوانی است، هیچ چیز لذت‌بخش‌تر از این نیست که کتابی با عقل و جانش عجین شود و او را به سفرهای ذهنی اعجاب‌آور در باب موضوع کتاب و شخصیت‌های آن ببرد.

در مورد شگفتی درمان‌گونه کتاب‌ها، این دوستان گرانقدر و همیشه در دسترس، مطالب بسیاری یافت می‌شود؛ اما موضوع این مقاله نه در مورد چیزی که معمولاً می‌شنویم، بلکه نیم‌نگاهی جزئی به خطرات جدی گرفتن بیش از حد کتاب‌ها و زمین نگذاشتن بیش از معمول آن‌هاست!

مشکل شماره ۱: این که نویسنده را با عقل کل اشتباه بگیریم

بسیار پیش آمده اوقاتی که در حال خواندن کتابی، به شدت با نویسنده یا شخصیت‌های داستانی کتاب هم‌ذات‌پنداری کنیم. این احساس گاهی به قدری عمیق است که آدم را وادار می‌کند نویسنده را عقل کل بداند و در مورد همه چیز او را الگو و معیار رفتارهای خود قرار دهد. به عبارت دیگر، سخت است که نویسنده مورد پرستش ما حرفی بزند، باوری را بازگو کند یا توصیه‌ای به ما کند و ما آن را نپذیریم.

این موضوع هم می‌تواند مزید بر علت باشد که در هنگام خواندن کتاب، با جملاتی روبرو می‌شویم که از شدت ژرفای معنایی، نویسنده آن برای ما به شخصیتی خارق‌العاده از بصیرت‌های نامحدود تبدیل شود، گویی دلمان می‌خواهد در مورد تمام مسائل زندگی با او مشورت کنیم و نظرش را جویا شویم.

با این حال، ما باید مکاشفه‌ای را در خود زنده کنیم، این که نویسنده یک کتاب خوب، تنها یک نویسنده کتاب خوب است و نه بیشتر. ممکن است در بسیاری از موارد با او موافقت کنیم و توصیه‌های او را گران‌بهاترین و صمیمانه‌ترین بدانیم، اما لازم است گاهی هم این حق را از او بگیریم که در مورد همه چیز راست می‌گوید. نباید سعی کنیم تصمیمات جدی و طلایی زندگی خود را بر عهده تراوشات ذهنی فردی بگذاریم که تنها



جمله از او شنیده و داستانی از او خوانده‌ایم. به بیانی دیگر، صرف این‌که نویسنده در مورد یک موضوع با خردی حکیمانه سخن بگوید، دلیلی بر عقل کل بودن او در تمام مباحث نیست.



آلن دوباتن هم در این باره در کتاب خود می نویسد:

به اعتقاد **پروست** (نویسنده طولانی ترین کتاب تاریخ یعنی در جستجوی زمان از دست رفته)، کتاب ها نمی توانند ما را به حد کافی نسبت به احساس هایمان آگاه کنند. ممکن است چشمان را باز کنند، ما را حساس کنند، قدرت درک ما را بر انگیزند، اما سرانجام این روند در نقطه ای متوقف می شود، نه بر حسب اتفاق، نه دست بر قضا، نه از بد اقبالی، بلکه به گونه ای اجتناب ناپذیر با یک تعریف مشخص، که ما آن نویسنده نیستیم. در خواندن هر کتاب لحظه ای فرا می رسد که احساس می کنیم چیزی متناقض است، درست درک نشده، یا محدود کننده است، و این وظیفه ماست که راهنمایمان را کنار بگذاریم و افکارمان را شخصاً دنبال کنیم.

مشکل شماره ۲: این که پس از خواندن یک کتاب خوب قادر به نویسندگی نخواهیم بود

فضایی برای بیان افکار خودمان (پس از خواند کتابی خوب)!

شاید خیلی سخت گیرانه باشد که بگوییم خواندن بیش از اندازه کتاب، و به خصوص



کتاب های خوب، این خطر را دارد که توجه ما را نسبت به افکار خودمان بی اعتنا می کند؛ در واقع می توان گفت خواندن کتابی خوب به مانند باتلاقی می ماند، وقتی خود را در آن بیابیم، ناگهان متوجه می شویم بیشتر و بیشتر در آن فرو رفته ایم و چاره ای



نیست جز تسلیم شدن و غرقِ آن شدن. در کتاب خوانی هم تا حدودی این مسئله صادق است؛ به طوری که وقتی شروع به خواندن رمانی می‌کنیم که از نظرمان بسیار کامل و فراتر از تصورات ما است، افکار شخصی ما دیگر اهمیت چندانی پیدا نمی‌کنند، تا جایی که دیگر نظری نداریم که از خودِ واقعی ما نشأت گرفته باشد.

به عبارتی دیگر، در حال خواندن کتاب مورد علاقه خود، تمایل داریم که از شدت هیجان، نفس در سینه حبس کنیم، اما این نگه داشتن نفس در دراز مدت نتیجه‌ای ندارد **جز کشتن قوه استقلال فکری ما.** درست مثل این است که **خواندن کتاب خوب می‌تواند صدای درون ما را ببرد.**

از قضا، این مسئله در دنیای ادبیات هم به روشنی رخ داده است؛ خواندن رمان معروف پروست، یعنی در جستجوی زمان از دست رفته، صدای **ویرجینیا وولف** را بریده بود. وولف عاشق کتاب پروست بود، ولی عشق او بیش از حد متعارف بود و این علاقه باعث رنجش خاطر او شده بود. او در این باره می‌نویسد:

پروست چنان میل مرا به نوشتن دگرگون کرده که به سختی می‌توانم جمله‌ای را آغاز کنم، فریاد می‌زنم، اوه، ای کاش می‌توانستم مثل او بنویسم، بزرگ‌ترین آرزویم این است



که مانند او بنویسم. خوب بعد از آن دیگر چه می‌شود نوشت؟ چه کسی می‌تواند با نبوغی ماهرانه از زندگی، انسان‌ها و افکارشان سخن بگوید؟... قلم‌ام را چنگ می‌زنم و در کمال ناامیدی نمی‌توانم حتی جمله‌ای بر کاغذ بیاورم.



لحن کلام وولف در صحبت‌های دیگرش بر این دلالت داشت که او سرانجام با پروست و اثر تاریخی‌اش به صلح رسیده بود. علی‌رغم نفس بند آمده و غرق شدن در باتلاق، **وولف** می‌دانست همچنان باید **خانم دالووی و اتاقی از آن خود** را بنویسد. این موفقیت او در خلق آثار برجسته ادبی، گویای درک تدریجی این واقعیت است که دستاوردهای فرد دیگر نباید مانع از شکل‌گیری پیشرفت‌های ما درباره افکار خودمان شود، و این که همیشه کاری برای انجام دادن وجود دارد، با اینکه در لحظه ممکن است غیر از این به نظر آید.

پروست خود در این باره می‌گوید:

تبدیل کتاب خواندن به یک اصل، بدان معنی است که به چیزی که فقط عامل انگیزش است، نقش بزرگ‌تری بدهیم. کتاب خواندن در حاشیه زندگی معنوی قرار دارد؛ می‌تواند ما را به زندگی معنوی وادار کند، اما کل زندگی معنوی را در بر نمی‌گیرد.

نتیجه‌گیری

بر خلاف باور رایج این روزها، معتقدم که هم می‌شود به ادبیات از نگاهی والا نگریست و هم می‌شود از ته دل به آن خندید. به دلایل ذکر شده در بالا، حتی بهترین کتاب‌ها هم مستحق آن هستند که به کناری افکنده شوند و فضایی را برای ما آماده کنند که این کتاب‌ها خود نماد آن بوده‌اند، یعنی ادراک شخصی و مکاشفه‌ای عمیق در باب وجود فردیت خودمان.

نظر؟ موافق؟ مخالف؟ چرا؟ چرا نه؟



اقدامی جالب برای تشویق مردم به کتابخوانی در کابل



دو موسسه فرهنگی در پایتخت افغانستان در اقدامی جالب مردم این کشور را به کتابخوانی تشویق کردند.

به گزارش خبرگزاری اهل بیت (ع) - ابنا - نهادی موسوم به **"بانک ایده"** و انتشارات عرفان با پهن کردن بساط کتاب در پنج نقطه شهر کابل - پایتخت افغانستان - مردم را به کتابخوانی تشویق کردند.

در این برنامه سه روزه با عنوان **"لحظه‌ای با کتاب"**، علاقه‌مندان کتاب به امانت گرفتن و تبادل کتاب تشویق می‌شوند. با آن که در سال‌های خیر در افغانستان کتابخوانی افزایش یافته، ولی هنوز هم میزان کتابخوانی در این کشور چندان قابل توجه نیست. مجریان این برنامه ایده‌های مردم درباره کتاب و کتابخوانی را در طوماری جمع کردند. بانک ایده دفتر ویژه‌ای را هم برای دریافت ایده‌های مردم درباره کتابخوانی و توسعه آن اختصاص داده است.





AhlulBayt News Agency



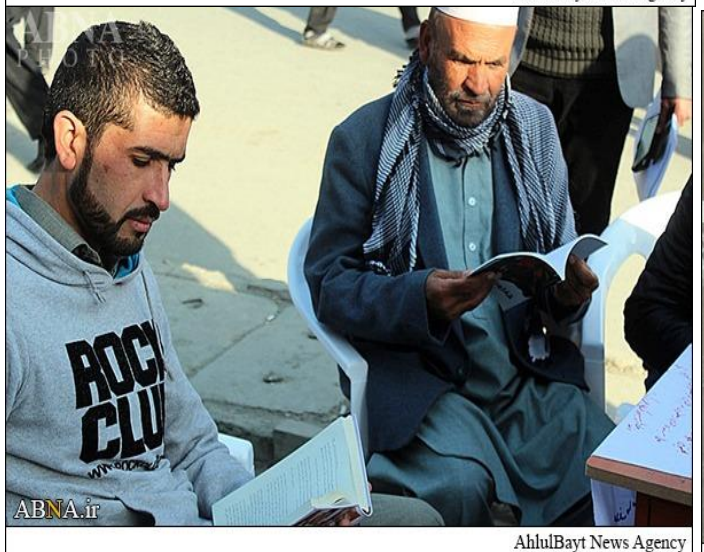
AhlulBayt News Agency



AhlulBayt News Agency



AhlulBayt News Agency



AhlulBayt News Agency



AhlulBayt News Agency



چرا ایرانیان کتاب نمی‌خوانند؟

۲۹ آبان ۱۳۹۳

احمد مسجد جامعی، طی فراخوانی از اصحاب فکر و فرهنگ خواست تا همگی با هدف دعوت به کتابخوانی امروز در کتابفروشی های تهران حاضر شوند. خود اعضای شورای شهر هم طی اقدامی نمادین در این روز به کتابفروشی های شهر تهران می روند و کتاب می فروشند. مهدی چمران رییس شورا هم اعلام کرده است که به دلیل آنکه در این تاریخ در شهر قم حضور دارد، به یکی از کتابفروشی های این شهر می رود. تاکنون افراد زیادی به این فراخوان پاسخ مثبت داده اند. از اهالی سینما گرفته تا اساتید دانشگاه و حتی علمای قم. آمارها حاکی از آن است که سرانه مطالعه در وضعیت هشدار قرار گرفته است. سرانه مطالعه یعنی میانگین مدت زمان مطالعه یک نفر در یک شبانه روز. طبق آمار مطالعات و تحقیقات سازمان ملی جوانان درباره کتابخوانی، ۷۶ درصد از جوانان روزانه کمتر از ۳۰ دقیقه مطالعه می کنند که از این میان، بیشتر از ۷۰ درصد به مطالعه کتاب های روان شناسی و بازاری می پردازند. این در حالیست که بر اساس آمار سازمان اسناد ملی ایران، ژاپن در رده اول مطالعه جهان قرار دارد که میانگین مطالعه آن به طور متوسط ۹۰ دقیقه در روز است. این میزان در کشورهای در حال توسعه ای مانند ترکیه و مالزی به ۵۵ دقیقه می رسد. بر اساس این آمار میانگین تعداد مطالعه کتاب های غیر درسی ۲،۷ جلد بوده که این میزان در بین افراد باسواد ۳،۲ جلد و در میان افراد باسواد اهل مطالعه ۶،۲ جلد کتاب بوده است. میانگین زمان مطالعه برای باسوادان روزانه ۱۸،۴۲ دقیقه و برای افراد باسواد اهل مطالعه ۳۵،۱۵ دقیقه عنوان شده است. معضل کتابخوانی تا به جایی پیش رفته که حتی گریبان حوزه ها و محافل نخبه ای و علمی کشور را هم گرفته است.



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم در این راستا اعلام کرده که برای نهادینه شدن سنت کتابخوانی در کشور باید شوق مطالعه را در کودکان و نوجوانان برانگیزیم. علی جنتی گفته است که: «**امید است که روزی برسد که کسانی که به خواستگاری می‌روند به جای اینکه از اموال آنها پرسیده شود از میزان پیوندشان با کتاب و کتابخوانی سوال شود.** سستی در مطالعه یکی از پرخسارت‌ترین آفت‌های فرهنگ عمومی است و پیدا کردن ریشه‌های این سستی باید از برنامه‌های مهم توسعه کتاب و کتابخوانی باشد.»

تا به امروز دلایل متفاوتی برای سرانه پایین کتابخوانی در ایران مطرح شده است. از دلایل اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی گرفته تا بهانه‌های روزمره. اما شاید عمیق‌ترین دلیل این اتفاق همان کمبود فرهنگ کتابخوانی در ایران باشد. تکرار این سوال که چرا فرهنگ کتاب و کتابخوانی در جامعه ما آنگونه که باید و شاید نهادینه نشده و عمق و گسترش نیافته است؟ و این که حرکت‌های نمادین اینچنینی همچون حضور افراد سرشناس در کتابفروشی‌ها می‌توانند تغییری در این روند ایجاد کنند؟

ناصر فکوهی، انسان‌شناس معتقد است که فرهنگ کتابخوانی در جامعه ما عمق لازم را ندارد. او می‌گوید: «آن‌کنش اجتماعی‌ای که در ارتباط با فرهنگ کتابخوانی می‌بینیم، نهادینه‌شده نیست و عمق زیادی ندارد؛ البته این فرهنگ در مواردی نزد برخی از کنشگران اجتماعی که به صورت حرفه‌ای باید کتاب بخوانند مثل استادان دانشگاه، دانشجویان و روزنامه‌نگاران، پهنه زیادی دارد اما به محض اینکه از این طیف حرفه‌ای و نخبه بیرون می‌آییم، یکباره فرهنگ کتابخوانی رنگ می‌بازد.» به عقیده این استاد دانشگاه این آسیب حتی در میان نخبگانی که سرمایه فرهنگی دارند اما در حوزه‌های فناوریانه مشغول به کار هستند هم دیده می‌شود. **افرادی همچون مدیران، پزشکان و مهندسان چقدر کنش مطالعه را در خود درونی کرده‌اند؟**



فکوهی معتقد است که مطالعه در ایران یک شکل سطحی و غیرسامانمند و عقلانیت نایافته دارد. او می گوید: «در فرهنگ کتابخوانی ما مقدار زیادی پدیده‌های اجتماعی آسیب‌زا مانند خودنمایی دیده می‌شود؛ به این معنا که افراد کتابی را می‌خرند برای اینکه تنها بگویند این کتاب را خریده‌ام. تعداد کتاب‌هایی که در ایران خریده می‌شود اما خوانده نمی‌شود به نظرم رقم بالایی دارد.» با اینحال عده‌ای فراخوان مسجد جامعی را مثبت قلمداد کرده و آن را حرکتی جمعی برای دعوت به کتابخوانی دانسته‌اند. شخصیت‌های برجسته‌ی فکری و فرهنگی در کنار هم قرار گرفته و اعلام آمادگی کرده‌اند تا با این عمل بر میزان اهمیت کتاب تاکید کنند. افرادی همچون آیت الله مصطفی محقق داماد، شفیعی کدکنی، احمد رضا احمدی، لیلی گلستان، فاطمه معتمد‌آریا، سیدعلی صالحی، دکتر ضیاء موحد، دکتر یوسف اباذری و مصطفی مستور از جمله این افراد هستند که در کتاب فروشی‌های مختلف شهر حضور میابند و از نزدیک با مردم در خصوص آثارشان صحبت می‌کنند. گفتنی است که قرار است در همین راستا فردا نشست با عنوان «هم اندیشی کتاب و سینما» هم برگزار شود. قرار است در این مراسم از شش هنرمند سینمایی مروج فرهنگ کتاب و کتابخوانی تجلیل شود.

از نرگس آبیار نویسنده و کارگردان فیلم «شیار ۱۴۳» به عنوان سینماگر و مولف نزدیک به ۳۰ عنوان کتاب در حوزه ادبیات، فرزاد مومتن کارگردان فیلم «شب‌های روشن» به خاطر ترویج کتابخوانی در آثار سینمایی خود، محمدعلی سجادی به عنوان سینماگر مولف و مروج کتاب، اندیشه فولادوند به دلیل داشتن مجموعه شعر، سروش صحت به عنوان هنرمند و کارگردان مروج کتابخوانی و بهارک محمودی به عنوان مولف کتاب «تصویر شهر در سینما» تجلیل خواهند شد.

اسامی و محل حضور برخی از چهره‌های فکری و فرهنگی نام مکان محمدرضا شفیعی کدکنی نشر آینده احمد رضا احمدی نشر ثالث لیلی گلستان نشر ثالث فاطمه معتمد‌آریا



وقتی همه کتاب نمی خوانند ،
من چرا باید کتاب بخوانم ؟!
مگر من دیوانه ام ؟!!!



مصطفیٰ مستور شہر
کتاب شہید بہشتی
دکتر شاپور اعتماد شہر
کتاب شہید بہشتی
دکتر مہدی محبتی شہر
کتاب شہید بہشتی
احمد مسجد جامعی
کتاب فروشی طہوری
عبدالحسین مختاباد
خانہ فرهنگ و ہنر گویا
سین رضا زادہ شہر کتاب
اقدس یہ کامران فانی
انتشارات اساطیر۔



(تصاویر) چهره‌هایی که به کتابفروشی‌ها رفتند



تعدادی از چهره‌های پیشکسوت فرهنگ و هنر و مسئولان فرهنگی روز پنج‌شنبه ۲۹ آبان‌ماه ۱۳۹۳ در کتابفروشی‌ها حضور پیدا کردند. به گزارش ایسنا، در پی فراخوان حضور در کتابفروشی‌ها در این روز که توسط

احمد مسجدجامعی (وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی و عضو شورای شهر تهران) اعلام شده بود، علی جنتی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی)، مسعود سلطانی‌فر (رییس سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی) و علی مرادخانی (معاون هنری وزیر فرهنگ) از جمله مسئولانی بودند که در کتابفروشی‌ها حضور پیدا کردند. محمود دولت‌آبادی، بهمن فرمان‌آرا، سیدفرید قاسمی، احمد رضا احمدی، رضا داوری اردکانی، سهیل محمودی، اسرافیل شیرچی، علی‌اکبر رشیدیان، عبدالحسین مختاباد، اسدالله امرایی و غلامحسین سالمی نیز از جمله چهره‌هایی بودند که در این روز در کتابفروشی‌ها حضور پیدا کردند. آمنة بهرامی هم میهمان ویژه مسجدجامعی در برنامه کتابگردی روز پنج‌شنبه ۲۹ آبان بود. این قربانی اسیدپاشی که کتاب زندگی و خاطراتش با عنوان «چشم در برابر چشم» به قلم مهدی سجودی روانه بازار نشر شده است، در پاسخ به فراخوان حضور در کتابفروشی‌ها، به همراه مسجدجامعی در کتابفروشی‌های





خیابان کریم خان
حضور یافت. فراخوان
حضور در کتابفروشی‌ها
برای نخستین بار در
ایران انجام شد و با
استقبال از سوی اهل
فرهنگ و هنر و برخی
از مدیران همراه بود.

خبر دیگر از روز ۲۹ آبان ماه این که احمد مسجدجامعی در مراسم افتتاح کتابفروشی
اساطیر از علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به علت پاسخ مثبت به فراخوان
حضور در کتابفروشی‌ها در قم و همچنین برگزاری بیست و دومین دوره هفته کتاب
تشکر کرد. این عضو شورای شهر تهران گفت: این دوره از هفته کتاب پرشورتر و
مردمی‌تر برگزار شد. همچنین در این دوره هم نهادهای دولتی و هم نهادهای عمومی،
ناشران، کتابفروشی‌ها و اهل قلم مشارکت فعال و تاثیرگذاری در برنامه‌های هفته کتاب



داشتند که جای تقدیر و تشکر
دارد. او سپس به حضور علی
جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد
اسلامی در کتابفروشی‌های قم
اشاره کرد و از وزیر و مدیران
فرهنگ و ارشاد اسلامی برای
حضور در کتابفروشی‌ها و برگزاری
شایسته هفته کتاب تشکر کرد.



🕊️ ❤️ 🕊️ ❤️ 🕊️ ❤️ 🕊️ جلد ۵ 🕊️ ❤️ 🕊️ ❤️ 🕊️ ❤️ 🕊️



چگونه کتابخوانی را همگانی کنیم؟



تقریباً همه ما می‌دانیم که سرانه مطالعه در ایران پایین است. شاید فشارهای ناشی از کار، نبود وقت کافی برای مطالعه یا حتی افزایش قیمت کتاب بهانه‌ای باشد برای هر کدام از ما تا این کم‌کاری خود را توجیه کنیم و لابد همه ما می‌دانیم که مطالعه و کتابخوانی در افزایش آگاهی چقدر موثر است و

سعادت و رفاه محقق نمی‌شود جز در سایه آگاهی. اما برای ترویج کتابخوانی که در نهایت بر کیفیت زندگی هر کدام از ما اثرگذار خواهد بود چه کار می‌توان انجام داد؟ **چگونه می‌توانیم داوطلب ترویج نوع بهتری از زندگی باشیم؟** امروز می‌خواهیم مروری داشته باشیم بر تجربه برخی از کشورها در زمینه ترویج کتابخوانی:





آفریقای جنوبی: استفاده از تلفن‌های همراه برای توسعه کتابخوانی بیشتر مردم آفریقای جنوبی در شهرهایی محروم یا مناطق روستایی زندگی می‌کنند. نرخ بالای بیکاری و نابرابری‌های اجتماعی باعث شده که بسیاری از جوانان قادر به تحصیل در مدارس نباشند و بسیاری از دانش‌آموزان نیز در خواندن و نوشتن ضعف‌های

زیادی داشته باشند. بنابر گزارش بنیاد سوادآموزی «فوندزا» تنها ۸ درصد از مدارس آفریقای جنوبی کتابخانه دارند و حدود ۱۸ درصد از افراد بالای ۱۵ سال بی‌سوادند. برای تغییر این وضعیت، سازمان غیردولتی «فوندزا» در سال ۲۰۱۱ میلادی در این کشور آغاز به کار کرد و برای ترویج کتابخوانی دست به ابتکارات جدیدی زد.

مدیر بنیاد فوندزا می‌گوید: «یکی از دلایل مهم نبود فرهنگ مطالعه در آفریقای جنوبی، گران بودن کتاب‌هاست و قیمت خرید کتاب‌ها خارج از توان مالی بسیاری از مردم است. ما تلاش می‌کنیم امکان دسترسی مردم به کتاب‌ها را افزایش دهیم. اما نه هر کتابی را. ما باید شمار کتاب‌های دارای محتوای محلی را افزایش دهیم تا جوانان بین محتوای کتاب‌ها و زندگی واقعی‌شان ارتباطی پیدا کنند و داستان‌ها را مرتبط با خود بدانند و بتوانند نسبت به کتاب‌ها و داستان‌هایی که می‌خوانند واکنش نشان دهند.»



بنیاد «فوندزا» از امکانات تلفن همراه نیز برای ارتباط با خوانندگان استفاده کرده است. ماهانه بیش از ۵۰ هزار نفر از جوانان آفریقای جنوبی که بیشترشان سنی میان ۱۳ تا ۲۵ سال دارند، از طریق تلفن های هوشمند، رایانه ها و اپ میکسیت در گوشی های قدیمی تر، از سایت «فوندزا» استفاده می کنند. خوانندگان می توانند پس از مطالعه کتاب ها در تالارهای گفت و گو و پرسش و پاسخ شرکت کرده یا اظهار نظر کنند. مدیر «فوندزا» می گوید: «بخش بزرگی از فلسفه کار این است که مطمئن شویم خوانندگان محتوای مطالب را با دوستانشان به اشتراک می گذارند. به همین دلیل، هم در سایت پرسش و پاسخ و هم در اپ میکسیت، ابزاری برای به اشتراک گذاری فراهم کردیم. ما واقعا تلاش می کنیم تا با تشویق خوانندگانمان باعث رشد جوامع شان در آینده شویم.»

کارکنان «فوندزا» همچنین سعی می کنند **مهارت های تفکر انتقادی** را در نوجوانان تقویت کنند زیرا این کار بر انتخاب هایشان در زندگی شخصی تأثیر می گذارد. بنیاد «فوندزا» همچنین تشکلی از نویسندگان را به وجود آورده و در حال حاضر با ۳۰ نویسنده از سراسر جنوب آفریقا که محتوای کتاب ها را در طیف وسیعی از زبان های آفریقایی فراهم کرده اند، کار می کند. آنها همچنین به پرورش نویسندگان جوان می پردازند. به این نویسندگان فرصت تقویت مهارت های قصه گویی داده می شود و از آنها برای رشدشان در نویسندگی حمایت می شود. مربی این نویسندگان جوان می گوید: «زمانی که پیشرفت آنها را می بینید و هنگامی که نوشته هایشان را که روز به روز بهتر می شوند، می خوانید و وقتی می دانید که در این رشد سهمیم بوده اید، بسیار شگفت انگیز است.» از طریق تکنولوژی تلفن همراه، هزاران نفر از جوانان سراسر آفریقای جنوبی به خوانندگان فعال تبدیل شده اند. با این وجود هنوز برای دسترسی به کتاب ها با محدودیت هایی مواجه اند و سازمان «فوندزا» سعی دارد کتابخانه هایی برای آنها مهیا کند.





بلژیک: ترکیبی از آموزش دیجیتالی و آموزش‌های سنتی در عصر دیجیتال از بسیاری از معلمان پرسیده می‌شود که آیا کتاب‌های درسی چاپ شده هنوز هم برای دانش‌آموزان در کلاس‌ها جذاب است؟ و آیا در واقعیت، کتاب‌های الکترونیکی جایگزین آنها نشده است؟ آن بلین، معلم زبان‌های انگلیسی و هلندی در یک مدرسه فرانسوی در بروکسل است. مدرسه او به معلمان پیشنهاد داده که از فناوری‌های

نویسن استفاده کنند. او یکی از محدود معلمانی است که استفاده از کتاب‌های درسی الکترونیکی را برای تدریس انتخاب کرده است. از نظر او، این سیستم اجازه می‌دهد تا درس‌ها را مطابق با نیاز دانش‌آموزانش ارائه دهد. به‌عنوان مثال، او می‌تواند با این سیستم، هم به شکل گروهی و هم به‌صورت فردی درس دهد. او می‌گوید: «با این روش، همکاری دانش‌آموزان در روند آموزش بیشتر می‌شود زیرا در این حالت، همیشه باید یک نفر دستورالعمل‌ها را بخواند و فرد دیگری باید به دسته‌بندی اطلاعات پردازد و فرد سومی که بتواند فرهنگ لغت را بخواند و چهارمین نفری که یادداشت برمی‌دارد. سپس آنها می‌توانند نتایج را از طریق آی‌پد یا ایمیل برای من بفرستند. بنابراین، این شیوه دانش‌آموزان را مجبور می‌کند که با یکدیگر کار کنند.» در این روش علاوه‌بر متون



درسی دیجیتال، به هر دانش آموز یک لوح رایانه داده می شود تا به مواد درسی دسترسی داشته باشد. هرکس می تواند برای مثال، به صدای برنامه گوش دهد و سپس به سوالات و تمرین ها پاسخ دهد. برای جوانان این ابزار امتیازات زیادی دارد. متون آموزشی روی صفحه نمایش دیجیتال ارائه می شوند و برای اصلاح تمرین ها نیز می توان به صورت گروهی عمل کرد. با این کار، خواندن متون و هجی کردن کلمات نیز آسان تر می شود و به این ترتیب دیگر بهانه ای برای غیبت از کلاس وجود نخواهد داشت. آن بلین می گوید: «دانش آموزی که غایب است هم می تواند تمام متون درسی را که ما در کلاس انجام می دهیم، به طور مستقیم در خانه دریافت کند.» معلمان نیز می توانند فیلم هایی را به اشتراک بگذارند که به آسان سازی موضوعات درسی کمک می کند.



پرتغال: تقویت ارتباط نسل ها برای توسعه کتابخوانی تحقیقات نشان می دهد که با خواندن به طور منظم، افراد مسن می توانند احتمال ابتلا به آلزایمر را کاهش دهند. در کشور پرتغال پروژه ای در حال اجراست که سعی دارد عشق به خواندن را از طریق ایجاد ارتباط میان نسل ها تقویت کند.



در شهر کالداس داراینیا در کشور پرتغال، پروژه‌ای به نام «خواندن برای شنیدن صدای انسان» در حال اجراست. در این پروژه دانش‌آموزان، زیر نظر معلمان، بخشی از وقت آزادشان را به خواندن کتاب اختصاص می‌دهند و سپس آنها را با افراد مسنی که در خانه سالمندان نزدیک مدرسه‌شان بسر می‌برند به اشتراک می‌گذارند. انا سیمائو، یکی از این دانش‌آموزان می‌گوید: «من یاد گرفتم که چگونه از خواندن ادبیات قدیم لذت ببرم. چیزی که قبلاً تمایلی به آن نداشتم. مثلاً اکنون بیشتر مایلم که کتاب‌های ادبی پرتغال را بخوانم. قبلاً سعی می‌کردم بخوانم اما هیچ چیزی نمی‌فهمیدم و در نهایت دوستشان نداشتم.» در خانه سالمندان، همیشه از دانش‌آموزان به گرمی استقبال می‌شود. یکی از بازنشستگان ساکن خانه سالمندان می‌گوید: «ضرب‌المثل‌ها، حکایات، معماها و این جور چیزها. دانش‌آموزان آنها را دوست دارند و هنگامی که شروع به آواز خواندن می‌کنند، ما به آنها می‌پیوندیم. من هرگز آواز نخواندم اما با آنها همراهی می‌کنم.» این پروژه که به طرحی ملی برای خواندن تبدیل شده، بر اهمیت با هم بودن و به اشتراک گذاری تجارب و داستان‌ها تأکید دارد.

فیلمونا گراوو، هماهنگ‌کننده این پروژه می‌گوید: «ما فکر کردیم که دانش‌آموزان می‌توانند به نحوی، بازیگران اصلی این روش باشند و این چیزی است که در این پروژه انجام می‌دهیم. ما جوانان را تشویق به خواندن بیشتر می‌کنیم و اساساً به خواندن بهتر و به آنها کمک می‌کنیم که به عنوان شهروندانمان رشد کنند زیرا آنها به این ترتیب با بخشی از جامعه ارتباط دارند.» این دومین سالی است که این پروژه در سطح دانش‌آموزان دبیرستانی اجرا می‌شود. مدارس تأکید می‌کنند که این کار، سطح آگاهی دانش‌آموزان را به دلیل ایجاد پلی با دیگران افزایش داده است.

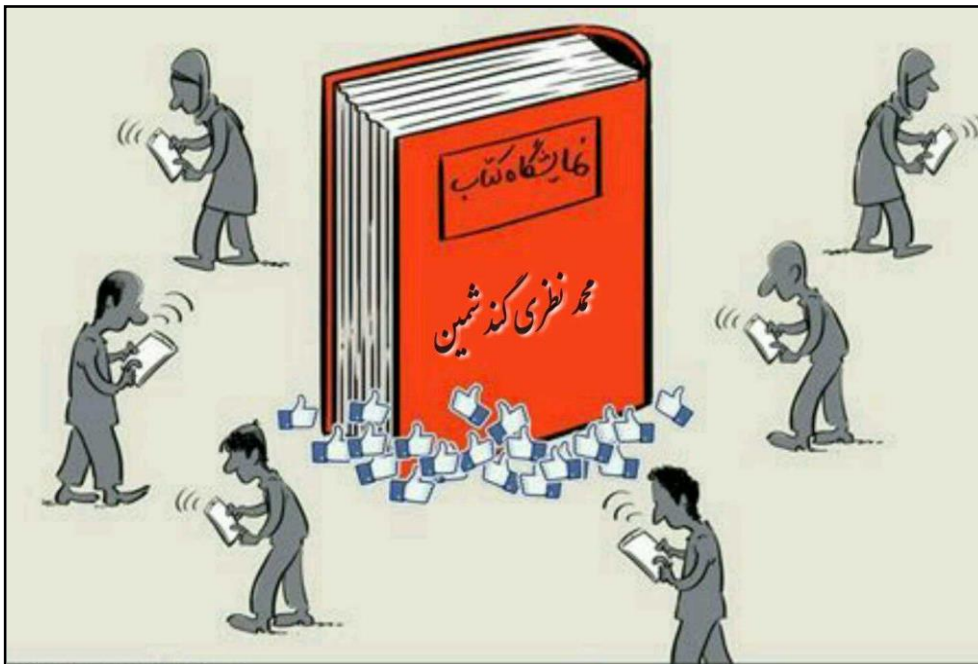


A photograph showing two men in a library or bookstore. One man, wearing a light-colored shirt, is pointing at a book held by the other man, who is wearing a striped shirt. They are looking at the book together. In the foreground, there are several large, colorful books (blue, red, brown, green, and purple) standing upright. The background shows shelves filled with many more books, some of which have decorative covers. The lighting is warm and the atmosphere is quiet and studious.

در مدت برگزاری این نمایشگاه همه گروه ها و شبکه های رسانه ای با انتشار اخبار ریز و درشت از چگونگی برگزاری نمایشگاه کتاب به این رویداد بزرگ فرهنگی می پردازند .



گروه های رادیویی برنامه های زنده ای را تدارک خواهند داد و دربخش هایی نیز آتش نشانی و گروه هلال احمر مستقر خواهد شد اما باید دید همه این تجهیزات و امکانات که هرساله در کنار هم جمع می شوند چه هدفی را دنبال می کنند؟



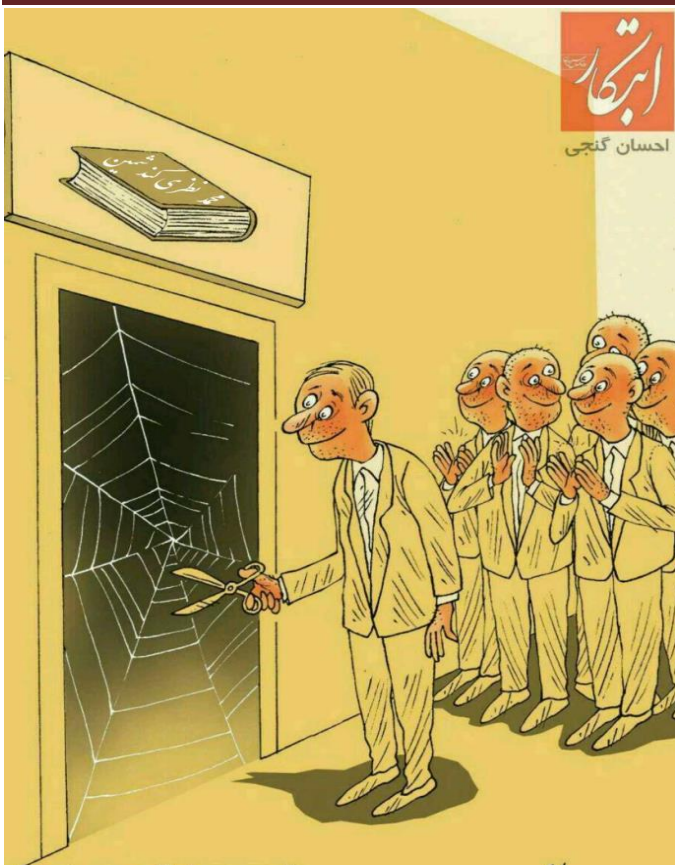
آیا هدف اصلی برگزاری این نمایشگاه فروش کتب درسی و کمک آموزشی به محصلین و دانشجویان است؟ آیا پر بیننده بودن نمایشگاه تهران نسبت به نمایشگاه های جهان دردی را دوا می کند؟ و

یا با برگزاری این نمایشگاه فرهنگ کتابخوانی و فرهنگ عمومی مردم افزایش یافته است؟ نگاه به غابت اصلی وجود این چنین نمایشگاه فرهنگی و توجه به آن سالهاست نادیده گرفته شده است.

فعالیت های محتوایی این نمایشگاه بر کسی پوشیده نیست اما چیزی که امروز بیش از هر چیزی مورد توجه است توجه به کمیت و گسترش ناشران و شرکت کنندگان این نمایشگاه است که هدف اصلی را از متن به حاشیه برده است.

اگر بخواهیم بر اساس شواهد و قرائن جمع بندی اجمالی داشته باشیم، متأسفانه این طور به نظر می رسد که حتی برگزارکنندگان نمایشگاه نیز فارغ از ظرفیت های فراوان این رخداد فرهنگی در کشور، همچون بسیاری از بازدیدکنندگان نمایشگاه که صرفاً برای تفرج به نمایشگاه می آیند، اسیر نوعی تعبیر عوامانه از نمایشگاه شده اند.

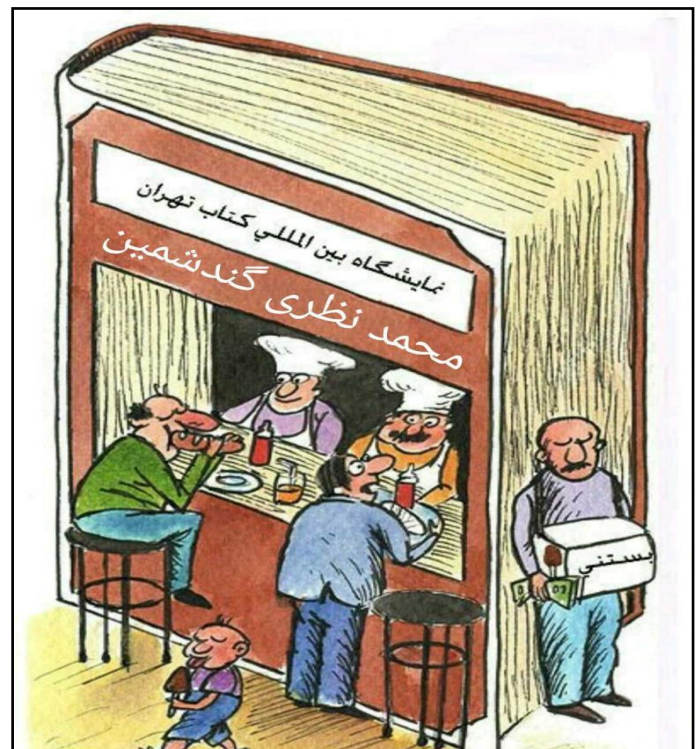




اخباری که این روزها قبل از برپایی نمایشگاه بزرگ کتاب منتشر می شود همان چیزی است که به حاشیه رفته است تعداد بازدید کنندگان و افزایش شمارگان کتاب ها و نمایشگاه تهران، پربازدیدترین نمایشگاه کتاب جهان است و چگونگی برگزاری این نمایشگاه و چنین و چنان، اخباری است که بیش از نمایشگاه کتاب به گوش می رسد و در این بین جای خالی غایت اصلی این نمایشگاه احساس می شود. البته این نیز شاید خواست روابط عمومی و مسئولان

برگزار کننده نمایشگاه است که خواسته اند این اخبار پررنگ تر به گوش مخاطبان برسد. اکنون که در سال فرهنگ و اقتصاد که به گفته رهبر معظم انقلاب فرهنگ به

مانند هوا برای زندگی می ماند باید به این رویداد بزرگ فرهنگی نگاه کارشناسانه و مدبرانه ای داشت تا دغدغه رهبری در زمینه مطالعه سرانه کتاب و فرهنگ کتاب خوانی و ... رفع شود. انتهای پیام /
(**خبرگزاری تسنیم**: انتشار مطالب خبری و تحلیلی رسانه های داخلی و خارجی لزوماً به معنای تایید محتوای آن نیست و صرفاً جهت اطلاع کاربران از فضای رسانه های بازنشر می شود. ۲۵ فروردین ۱۳۹۳)



نامهربانی با «یار مهربان»



تاریخ
خبر:
1397/04/24
تبریز - ایرنا -
غربت کتاب و
کتابخوانی و سیر
نزولی مطالعه از
جمله نگرانی های
جامعه ایرانی است
که باعث شده
متخصصان و

کارشناسان امر بعضی اوقات از عباراتی مانند «نامهربانی با یار مهربان» و «قهر فرهنگی» برای توصیف این وضعیت استفاده کنند.

به گزارش ایرنا، کاهش مطالعه در جامعه، پدیده ای چندمتغیری است و نمی توان آن را با تکیه بر یک متغیر مانند «توسعه لجام گسیخته فضای مجازی» توجیه کرد، زیرا تجربه کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه نشان می دهد که مطالعه کتاب در کنار گسترش اینترنت و شبکه های اجتماعی مانند گذشته در آنها رایج است. اولویت نداشتن تلاش برای ترویج فرهنگ مطالعه در جامعه، قیمت سرسام آور کتاب و کاغذ، اهمیت ندادن به فعالان عرصه فرهنگ و نویسندگی به شکل شایسته و سایه افکندن دغدغه های اقتصادی و اجتماعی بر ذوق فرهنگی شهروندان از جمله چالش های حوزه کتاب و کتابخوانی است.



سرپرست سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تبریز، ارایه آموزش های شهروندی و افزایش سرانه مطالعه و ترویج فرهنگ کتابخوانی را از برنامه های اولویت دار این سازمان اعلام می کند و می گوید: با وجود اینکه همه دستگاه ها حرف از ترویج فرهنگ مطالعه می زنند ولی راهکار علمی دستیابی به این هدف را **اصحاب قلم و کتاب** می توانند ارایه کنند.

میکائیل نظری با بیان اینکه اصحاب قلم و کتاب برای یک شهر قدرت و قوت قلب به شمار می روند، می افزاید: این افراد می توانند راهکارهای لازم را برای افزایش سرانه مطالعه و ترویج فرهنگ کتابخوانی به دستگاه های اجرایی و فرهنگی ارائه دهند. وی اظهار می کند: اگر در هر یک از بخش هایی اجرایی بتوان موقعیت درنگ و مطالعه ایجاد و شهروندان را در فرصت های کوتاه به مطالعه و خواندن کتاب های کم حجم و در دسترس دعوت کرد، گام مهمی در جهت افزایش سرانه مطالعه در جامعه برداشته می شود. سرپرست سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تبریز می گوید: حرکت به نقطه ایده آل مطالعه نیازمند یک رویه هماهنگ و منسجم در مجموعه مدیریت شهری است. نظری ادامه می دهد: با همکاری و همراهی اصحاب قلم و دستگاه های فرهنگی و انتخاب راهکارهای مناسب می توان افراد جامعه را با کتاب و کتابخوانی آشتی داد. مدیرکل کتابخانه های عمومی آذربایجان شرقی نیز با اشاره به اینکه **سیر نزولی امانت کتاب در ایران** کاملاً مشهود و این روند از سال ۸۷ آغاز شده است، می گوید: آمار امانت کتاب از کتابخانه های کل استان طی سال های ۹۲-۹۳ بیش از ۱٫۵ میلیون جلد کتاب در سال بود که این آمار در سال ۹۶ به جای افزایش به حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار جلد کاهش یافته است. (۳۰۰ هزار جلد کاهش !!!)

شهرام خدایی می افزاید: این روند به علت برخی رویدادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی روی داده و این موج موجب بروز قهر فرهنگی در جامعه شده است.



وی اظهار می کند: یکی از علت های کاهش رغبت مردم به مطالعه تولید محتوای کتاب هاست که این موضوع باید به صورت کارشناسی بررسی شود. مدیرکل کتابخانه های آذربایجان شرقی می گوید: در اوایل دهه ۷۰ طرح آزاد سازی چاپ کتاب انجام شد و این امر موجب افزایش آمار چاپ در کشور فارغ از داشتن یا نداشتن ارزش چاپ برخی از کتاب ها شد.

خدایی با بیان اینکه در سال های اخیر ذهن افراد جامعه به سوی گفت و گوهای مجازی سوق یافته است، ادامه می دهد: **دنای مجازی با وجود اینکه اطلاعات می دهد ولی سواد و آگاهی نمی دهد، زیرا بیشتر اطلاعات آن عمیق و از منابع موثق نیست.** وی با اشاره به اینکه مخالف دنیای مجازی نیست، می گوید: احتمال درستی یا نادرستی اطلاعات ارایه شده در این فضا وجود دارد ولی اطلاعات درج شده در کتاب ها دارای عمق بوده و درست است.

خدایی می افزاید: وجود نقض از منظر حوصله اجتماعی و تولید محتوای کتاب ها موجب شده روند کتابخوانی در جامعه سیر نزولی داشته باشد. رییس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی تبریز نیز افزایش سرانه کتاب و کتابخوانی، افزایش نشاط اجتماعی، آموزش شهروندی و توانمندسازی آسیب دیدگان اجتماعی را از اولویت های این کمیسیون اعلام می کند.

محمد فرج محمدقلیزاده می افزاید: ایجاد ایستگاه های مطالعه در سراسر شهر از جمله بوستان ها و ساختمان های اداری، اختصاص درصدی از درآمد تبلیغات محیطی به تبلیغ کتاب و کتابخوانی، احداث فرهنگسراهای مشارکتی (خصوص) و ارایه زمین رایگان برای خیران و کتابخانه سازان از جمله برنامه های مصوب این کمیسیون برای استفاده از فرصت ها برای ترویج فرهنگ مطالعه و کتابخوانی است. وی یادآوری می کند: برای حمایت از تولیدکنندگان آثار فاخر، کمیسیون فرهنگی از شهرداری خواسته تا لایحه ای



وی با تاکید بر لزوم ارایه آموزش های کاربردی در خصوص شیوه مطالعه در اینترنت و فضای مجازی یادآوری می کند: از مطالعه در اینترنت نباید واهمه داشت بلکه باید نحوه آن را آموزش داد و به منابع مطالب ارایه شده دقت کرد. نویسنده و نمایشنامه نویس

تبریزی می گوید: فضای مجازی امکانات بسیاری برای انتقال مفاهیم و محتوا دارد و با
ارایه آموزش های لازم می توان از این فضا برای توسعه فرهنگ مطالعه در جامعه بهره
برد.

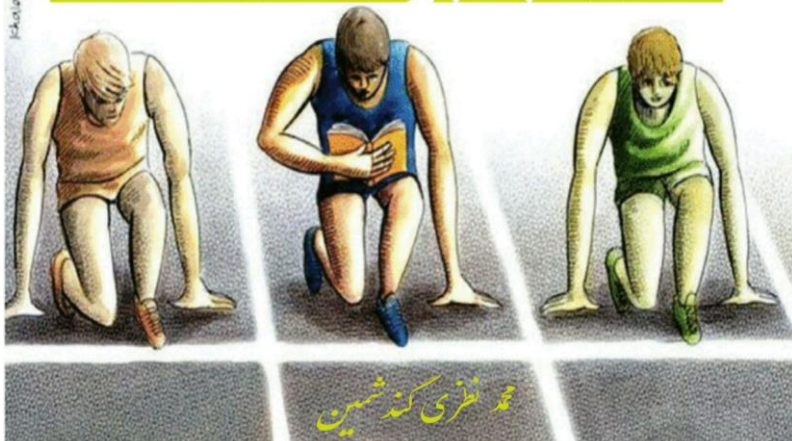
رمضانی، معتقد است: شروع مطالعه با مفاهیم و کتاب های ساده تر حتی **نشریات زرد**، پلی برای عادت کردن خوانندگان برای مطالعه و حرکت به سمت تعمیق مطالعه محسوب می شود. وی اظهار می کند: در زمان کنونی بین کتابداران و خوانندگان فاصله افتاده و کتابداران به روز نبوده و کتاب های تازه چاپ شده در آن ها کمتر پیدا می شود. نویسندگان برجسته تبریزی نیز نوشتن و کتابت را مواجهه تمام قد در برابر مرگ می داند و می گوید: **انسان با تفکر، اندیشه، نوشتن و فیلم سازی در برابر واقعیت مختوم مرگ ایستادگی و ماندگاری اندیشه را ثبت می کند.**

عبدالمجید نجفی، شاخص اصلی توسعه جوامع را کتاب و کتابخوانی می داند و می افزاید: با بررسی جوامعی مانند **مالزی** که با سرعت راه توسعه و پیشرفت را طی کردند می توان به نقش آموزش، مطالعه، فهم، دانایی، هنر و ادبیات در این خصوص پی برد و فهمید که آن ها برای تفنن نبوده بلکه در این مسیر **از نان شب نیز واجب هستند**. نویسنده تبریزی، یادآوری می کند: در کشورهای توسعه یافته نسبت کتاب های کاغذی و مکتوب با فضای مجازی و اینترنتی مشخص شده و بین سنت و مدرنیته ارتباط و هارمونی برقرار کرده اند.

نجفی، تشکیل ستاد کتاب و کتابخوانی با همکاری نهاد کتابخانه‌ها، آموزش و پرورش و سایر نهادهای ذیربط و ایجاد **کتاب باکس** و **کیوسک‌های کتاب** در محل‌های عمومی و بوستان‌ها و توزیع کتاب‌های ارزان قیمت را از راهکارهای لازم برای ترویج فرهنگ مطالعه و افزایش سرانه کتابخوانی در جامعه اعلام می‌کند. وی معرفی کتاب هفته به زبان ساده و عامه‌پسند، راه‌اندازی **کاروان‌های کتاب** به شکل‌های گوناگون در سطح

سیدمرتضی هاشم پور با اشاره به عقب ماندگی جامعه ما در حوزه کتاب و مطالعه می

کتاب پرنده است



افزاید: این موضوع واقعیتی فرهنگی و اجتماعی بوده در حالی که مطالعه و کتابخوانی لازمه به روز شدن شخصیت فردی و اجتماعی افراد است. وی یادآوری می کند: زمان مطالعه در جامعه ما به ۳ یا ۴ دقیقه روزانه رسیده و تبلیغ های گسترده تاثیر خاصی برای بهبود این وضعیت نداشته است. هاشم پور ادامه می دهد: حمایت واقعی از نویسندگان از شرط های اساسی در حوزه کتاب و مطالعه می باشد که متأسفانه این امر در تبریز بسیار کم رنگ و پیامدهای آن نیز کاملاً مشهود است.

نویسنده برجسته دفاع مقدس نیز



کتاب یعنی
توجه بر
عقل و
تفکر
انسان ها ؛
چه بسا
غفلت از
یکی به نفع
دیگری
(باشد!)



نامهربانی با یار مهربان؛ کتاب



قلمی روی
کاغذ
می نشیند،
اندیشه‌ایی
پرواز می کند و
جهانی خلق
می شود به
مهربانی یار
مهربان.

به گزارش خبرنگار حوزه ادبیات گروه فرهنگی باشگاه خبرنگاران جوان؛ قلمی روی کاغذ می نشیند، اندیشه‌ایی پرواز می کند و جهانی خلق می شود به مهربانی یار مهربان، یار مهربانی به نام کتاب، کتابی که زمینی است که درختانش واژه هاینده و صفحه هایش برگ، درختانی که برای رسیدن به **هوای تازه در فضای اندیشیدن** از طرف مؤلف به سوی مخاطب پرواز می کنند. این پرواز اما به جز خواننده کتاب برای خود مؤلف هم تجربه‌ای لذت بخش است.

احمد شاکری نویسنده در همین رابطه گفت: وقتی نویسنده دست به قلم می شود و نوشته‌اش به مخاطب می رسد، تجربه و مشارکتی به وجود می آید که بسیار برای نویسنده لذت بخش است، این تکثیر، این حس مشترک، رابطه با مخاطبین با سلاقی متنوع، حسی را در نویسنده به ارمغان می آورد که بسیار برای او خوشایند است. کتاب و کتاب خواندن مفهومی است که خواننده را به بیشتر دانستن و آگاهی سوق می دهد، کتابی که برای رسیدن به مخاطب از دوران قدیم سفر طولانی را طی کرده است.



رضا عابدین مدیر چاپخانه و از فعالان نشر در مورد همین سفر کتاب به خبرنگار ما گفت:
اولین کتاب در جهان در چین به نام الماس سوماترا به معنا و شکل امروزی چاپ شد و
 کتاب برای رسیدن به این شکل، حاصل زحمت و ممارست‌های بسیاری از افرادی است
 که به شکلی به فکر **بهر اندیشیدن مردم جهان** بوده‌اند.

یار مهربان اما این روزها در مرحله تألیف و حقوق مؤلف، مهربانی آنچنانی نمی‌بیند.
 علیرضا داوودی پور عضو اتحادیه ناشران در مورد حقوق مؤلف گفت: ما متأسفانه عضو
 قانون جهانی موسوم به کپی‌رایت یا حقوق مؤلف، نیستیم، برای مثال در کشورهای عربی
 بسیاری از کتاب‌های ما کپی می‌شود و به چاپ می‌رسد. اما، ما نمی‌توانیم اعتراضی کنیم،
 چون خود به این قانون پایبند نیستیم.

داوودی پور ادامه داد: برای مثال کتاب‌های استاد فرشچیان با هزینه و قیمت گزافی به
 چاپ رسید اما به علت نداشتن این قانون به فضای مجازی، تکثیر در قالب لوح فشرده، و
 در فلش‌های کوچک رفت و همین اتفاق بر صنعت نشر بسیار ضربه زد.

داوودی پور همچنین خاطرنشان کرد: باید قانون‌گذاری بسیار موثرتری در این رابطه
 صورت بگیرد و کسانی پای این کار بیایند که خود در فضای صنعت نشر و کتاب تجربه
 داشته باشند.

وی اظهار داشت: امروز به شکلی قانون‌گذاری شده است که فرصت برای سرقت بسیار
 وجود دارد، و تا بخواهند با روال اداری رسیدگی کنند، کتاب به شکل غیرقانونی تکثیر و
 فروخته شده است، ما احتیاج به ساز و کاری حتی مثل راه‌اندازی سامانه صد و ده در
 راستای حل این معضل داریم که سرعت رسیدگی‌اش بسیار بالا باشد.

این نامهربانی با مؤلف در حالی است که سرانه مطالعه در کشور تنها چند دقیقه است و
خریدن کتاب در آخرین اولویت خانواده‌های ماست.



عابدین مدیر چاپخانه همچنین، در مورد سرانه مطالعه گفت: سرانه مطالعه در کشور حدود هشت دقیقه است که این بسیار فاجعه است و برای بیشتر کردن این زمان، سال‌ها برنامه‌ریزی احتیاج است، باید مسئولان فرهنگی و قانون‌گذار همه دست به دست هم بدهند تا این معضل حل شود.

کتاب، کتابخوانی، احترام به حق و حقوق مؤلف، حلقه‌هایی از یک زنجیره‌اند که نبود هر کدام بر روند و حرکت صنعت نشر کشور تاثیر می‌گذارد و این در حالی است که در جهان با وجود اتفاقاتی مثل کتاب در فضای مجازی یا کتاب‌های گویا ما هم به سرعت بیستری در این صنعت احتیاج داریم. گزارش از بهنام صادقی

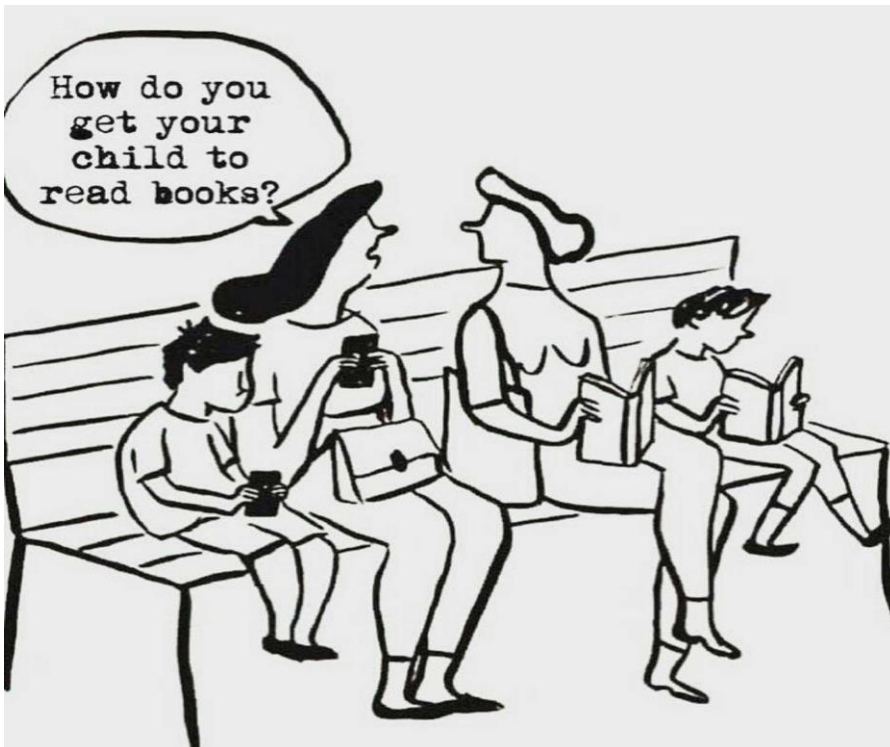
نامهربانی با یار مهربان

طبیعتاً هیچ یک از ما سلیقه‌های شبیه به هم نداریم، در نتیجه پر کردن اوقات فراغتمان هم نمی‌تواند شبیه هم باشد.

به گزارش گروه رسانه‌های **خبرگزاری تسنیم**، گاهی از برخی افراد می‌شنویم که با کتاب خواندن بخشی از اوقات فراغتشان را پرمی‌کنند و هنگامی که کاری ندارند و وقتشان آزاد است به مطالعه می‌پردازند. کتاب خواندن در زمان بیکاری می‌تواند تفریح سالم و مفرحی باشد، همه ما این مسئله را به خوبی می‌دانیم؛ همینطور بارها و بارها از دیگران شنیده‌ایم یا در جایی حتماً خوانده‌ایم که کتاب خوب است، کتاب بخوانید. اما همه ما می‌دانیم که چقدر آمار مطالعه در کشور ما پایین است! درست است. این مطلب حقیقت دارد که آمار کتاب خواندن و مطالعه در کشورمان بسیار پایین است. همه ما به خوبی از این مطلب آگاه هستیم، اما با این حال ترجیح می‌دهیم زمان بیکاری و فراغت هر کاری بکنیم جز کتاب خواندن، یکسره سرمان توی موبایل باشد اما به صفحه کتاب نخوانیم.



کودکی، فرصت خوب عادت به کتابخوانی



They asked her: "How did you persuade your child to read instead of playing with smart devices?!"

She said : "Children don't hear us, they imitate us"

www.bookishelf.com

ریشه آمار بسیار پایین کتابخوانی به کجا بازمی‌گردد؟ به کودکی؟ این قضیه حتی به قبل از مدرسه رفتن کودک بازمی‌گردد. هنگامی که کودک در سنین بسیار پایین قرار دارد.

بی‌شک با قرار دادن کتاب‌های پلاستیکی در دسترس کودکان نوپا می‌توان آنها را با کتاب آشنا کرد. در سنین بالاتر با کتاب خواندن برایش، در هر زمانی از شبانه روز - قبل از خواب یا در طول روز - او را به دنیای جادویی و شگفت انگیز کتاب می‌توان برد.

هنگامی که کودک مدرسه را آغاز می‌کند و کم‌کم خواندن و نوشتن را فرا می‌گیرد، با فراهم آوردن کتاب‌های ساده



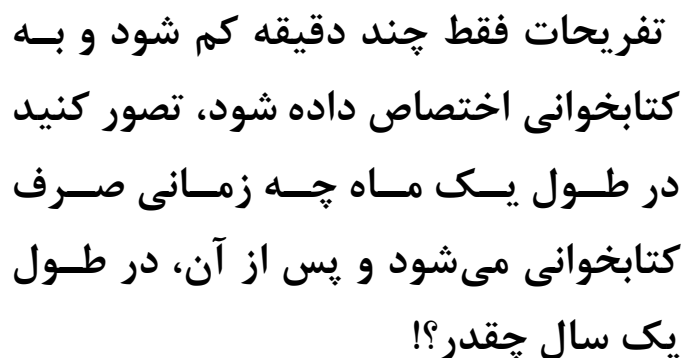
و مناسب گروه سنی اش، او را به کتابخوانی می توان تشویق کرد، اما این جا مهم است که حواسمان را جمع کنیم که تشویق به کتابخوانی تبدیل به زور و اجبار نشود زیرا ممکن است با این کار کودک از کتابخوانی زده شود. یکی از بهترین روش های تشویق، روش غیرمستقیم است؛ یعنی هنگامی که کودک، والدین خود را در حال مطالعه ببیند، خود به خود تشویق به این کار می شود.

یکی دیگر از روش های بسیار تأثیرگذار، قرار دادن زمانی مخصوص (یا حتی زنگی مخصوص) در مدارس تحت عنوان **زنگ کتابخوانی** است که البته در برخی مدارس چنین ساعتی در نظر گرفته شده است.

زمانی برای مطالعه

گاهی فشار کار یا درس آنقدر زیاد است که تصور می کنیم حقیقتاً زمانی برای اختصاص دادن به کتابخوانی نداریم. اما اگر با هم نگاهی به زمان بندی روزانه مان بیندازیم متوجه می شویم که در اشتباهیم. غالباً دانش آموزان دوره متوسطه زمان زیادی را صرف درس خواندن می کنند و برای استراحت به سراغ تلفن های همراه، کامپیوترهای شخصی یا تلویزیون می روند. اگر از هر کدام از این

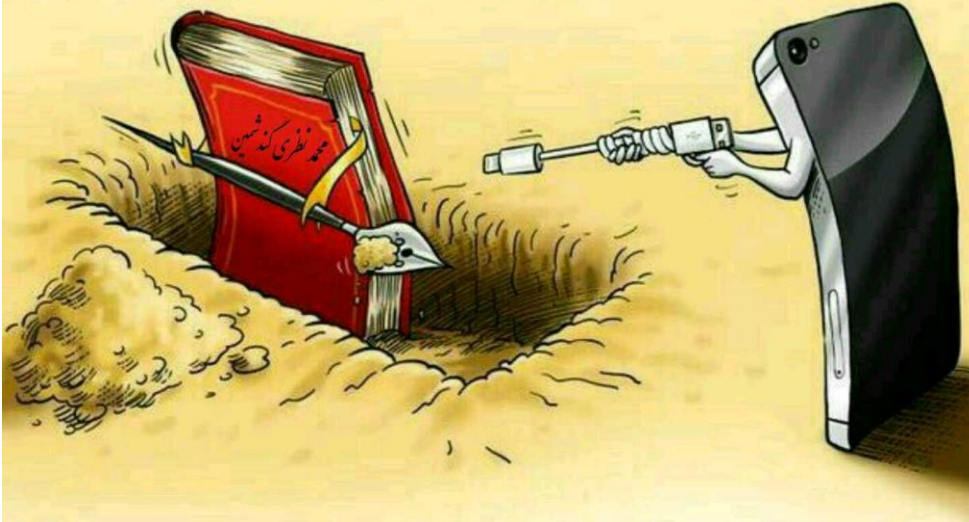




حال اگر به برنامه‌ریزی روزانه یک شاغل
بیندیشیم باز می‌بینیم که همان طور
است. او می‌تواند بخش کوچکی از زمانش
را در مسیر رفت و برگشت به سر کار در
مترو، سرویس یا اتوبوس به مطالعه
اختصاص دهد، تصور کنید که آمار مطالعه
چقدر افزایش پیدا خواهد کرد!



تلفن همراه علیہ کتاب



بدون اغراق در هر زمان
و در هر مکان که به
اطرافمان نگاه می‌کنیم،
می‌بینیم که همه، تمام
هوش و حواسشان را به
تلفن‌های همراهشان
سپرده‌اند. هیچ‌کس

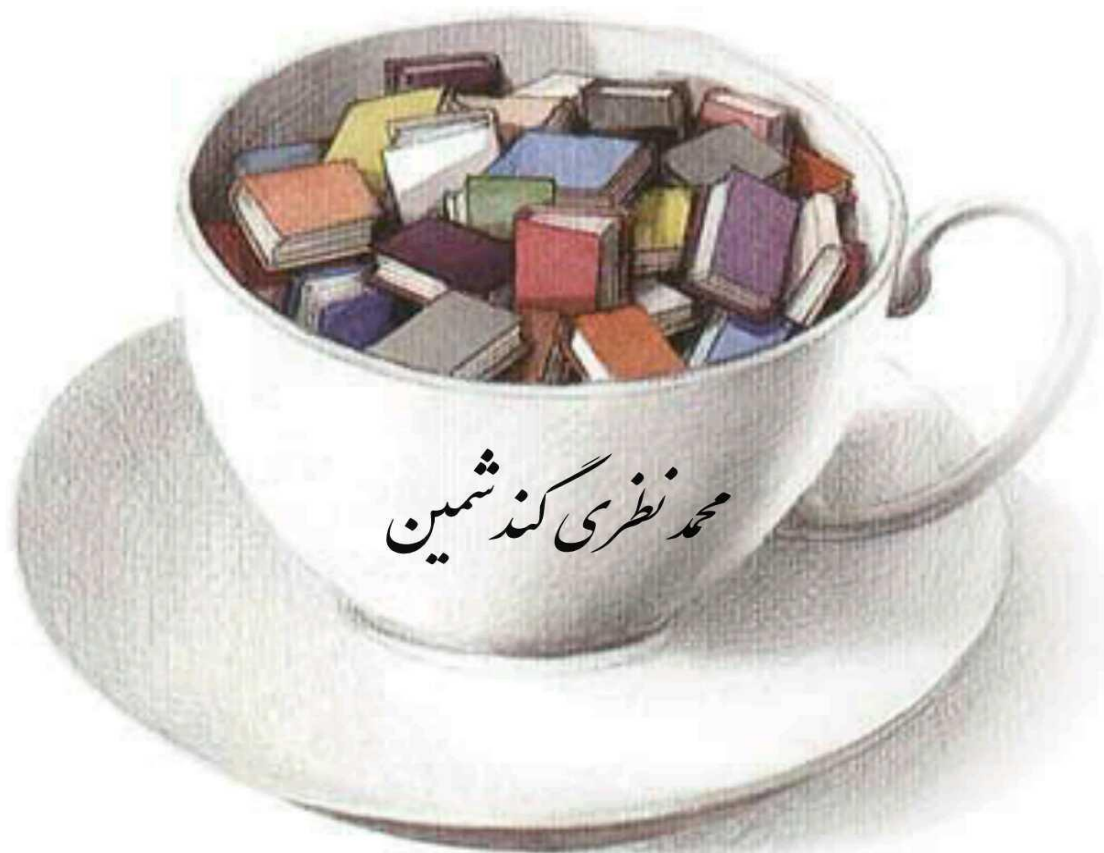
نمی‌گویند که گوشی‌های هوشمند بد هستند یا استفاده از آنها باید کاملاً ممنوع شود اما استفاده بیش از حد هم مضر است. حیف نیست تمام وقت ارزشمندان را تنها و تنها صرف گشت و گذار در فضاهای مجازی کنیم با آن حجم اطلاعاتی که منبع خیلی‌شان هم دقیق و مشخص نیست! در حالی که حداقل نصف این زمان را می‌توان صرف مطالعه کرد، که همه ما بدون شک می‌دانیم کتاب منبع بسیار صحیح و دقیقی برای اطلاعات است!

روزانه زمان زیادی را در وسایل نقلیه عمومی، خصوصاً مترو می‌گذرانیم و متأسفانه زمان به این پرارزشی را که می‌توانیم به خوبی از آن استفاده کنیم، به هدر می‌دهیم. برخی فقط به این طرف و آن طرف نگاهی می‌اندازند و به نقطه‌ای خیره می‌شوند، تعداد زیادی سرشان را پایین انداخته‌اند و با تلفن‌های همراهشان مشغولند و برخی هم البته می‌خوابند... تعداد بسیار بسیار کمی را شاید در حال مطالعه ببینیم. البته این را هم باید بگویم که امروزه با پیشرفت تکنولوژی، خیلی‌ها در تلفن همراهشان کتاب می‌خوانند؛ شاید شما هم اهل تکنولوژی باشید و این روش را بپسندید، اما این رقم بسیار محدود است و چیزی از ناهمراهی تلفن همراه با یار مهربان نمی‌کاهد!



خواهش می‌کنم کتاب بخوانید!

مطلبی که در آخر می‌گویم، چیزی است که به خوبی می‌دانید؛ کتاب بخوانید؛ خواهش می‌کنم کتاب بخوانید! پس چه شد آن شعر قدیمی که می‌گفت: من یار مهربانم... به راستی کتاب‌ها دوستانی هستند که ما را هیچ وقت تنها نمی‌گذارند؛ بی‌منت به ما اطلاعات ارزنده‌ای می‌دهند و در هر شرایطی می‌توانیم به آنها رجوع کنیم. کتاب‌ها قادرند ما را از دنیای روزمره و گاهی کسل‌کننده به دنیای شگفت‌انگیز و پر ماجرای خود ببرند. شاید بهتر باشد، **کتاب خواندن** تنها برای پر کردن اوقات فراغت نباشد بلکه همانند **غذا خوردن** تبدیل به یک نیاز برای زنده ماندن شود.



محمد نظری کند شمین

قرار بود با سواد شویم

قرار بود با سواد شویم... یک عمر صبح زود بیدار شدیم و لباس فرم پوشیدیم. صبحانه خورده و نخورده، خواب و بیدار، خوشحال و ناراحت، با ذوق یا به زور، راه افتادیم به سمت مدرسه...



Mohammad Nazari Ghendeshmin

قرار بود با سواد شویم...

روی نیمکت نشستیم، صدای حرکت گچ روی تخته ی سبز رنگی که می گفتند سیاه است را شنیدیم، با زنگ تفریح نفس راحت کشیدیم و زنگ آخر که می خورد مثل پرنده که در قفسش باز می شود از خوشحالی پرواز کردیم...



قرار بود با سواد شویم...

بند دوم انگشت اشاره مان را زیر فشار قلم له کردیم و مشق نوشتیم، به ما دیکته گفتند تا درست بنویسیم...

گفتند از روی غلط هایت بنویس تا یاد بگیری، ما نوشتیم و یاد گرفتیم...

قرار بود با سواد شویم...

از شعر، از گذشته های دور، از مناطق حاصل خیز، از جامعه، از فیثاغورث، از قانون جاذبه، از جدول مندلیف گفتند، تا ما همه چیز را یاد بگیریم...
استرس و نگرانی... شب بیداری و تارک دنیا شدن. کنکور شوخی نداشت، باید دانشجو می شدیم.

قرار بود با سواد شویم...

دانشگاه، جزوه، کتاب، امتحان و نمره... تمام شد. تبریک حالا ما دیگر با سواد شدیم فقط می خواهم چند سوال بپرسم...

ما چقدر سواد رفتار اجتماعی داریم؟

ما چقدر سواد فرهنگی داریم؟

ما چقدر سواد رابطه داریم؟

ما چقدر سواد دوست داشتن داریم؟

ما چقدر سواد انسانیت داریم؟

ما چقدر سواد زندگی داریم؟

قرار بود با سواد شویم ...

حسین حائریان





منابع

<https://illiashop.com/blog/what-is-book/>

<http://55online.ir/news/>

<http://readingmag.ir/N349>

<http://www.irna.ir/fa/News/82628313>

<http://kafebook.ir/> چرا باید کتاب بخوانیم

<https://illiashop.com/blog/book-days-world/>

[https://fa.wikipedia.org/wiki/حاشیه نگاری](https://fa.wikipedia.org/wiki/حاشیه_نگاری)

[https://fa.wikipedia.org/wiki/کتاب آزادی](https://fa.wikipedia.org/wiki/کتاب_آزادی)

<http://kafebook.ir/> کتاب چیست؟ و چه موقع خطرناک است؟

<https://fa.wikipedia.org/wiki/خوانایی>

<https://www.mehrnews.com/news/1578885> - نامهربانی - با - یار - مهربان - پاره - کردن

صفحات - کتاب - در - کتابخانه - ملی

[https://fa.wikipedia.org/wiki/جنون کتاب](https://fa.wikipedia.org/wiki/جنون_کتاب)

[https://fa.wikipedia.org/wiki/کتاب بازی](https://fa.wikipedia.org/wiki/کتاب_بازی)

<https://padpors.com/t> - چه - طور - فرهنگ - کتابخوانی - در - کشورهای - مختلف - نهادینه -

شده؟ / ۵۳۷۸

[https://fa.wikipedia.org/wiki/کتاب خوان](https://fa.wikipedia.org/wiki/کتاب_خوان)

<http://fa.abna24.com/service/asia-center/archive/2014/11/13/651100/story.html>

[https://fa.wikipedia.org/wiki/کتاب درمانی](https://fa.wikipedia.org/wiki/کتاب_درمانی)

[https://fa.wikipedia.org/wiki/تبادل کتاب](https://fa.wikipedia.org/wiki/تبادل_کتاب)

[https://fa.wikipedia.org/wiki/کتابخانه عمومی](https://fa.wikipedia.org/wiki/کتابخانه_عمومی)





[https://fa.wikipedia.org/wiki/سوادآموزی تابعی](https://fa.wikipedia.org/wiki/سوادآموزی_تابعی)

[https://fa.wikipedia.org/wiki/کتاب در گردش](https://fa.wikipedia.org/wiki/کتاب_در_گردش)

<http://vrgl.ir/3oUjO>

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/01/25/338189/> اهداف برگزاری هر

ساله نمایشگاه کتاب چیست؟

<http://kafebook.ir/author/kafebook-ir/>

<https://fararu.com/fa/news/234717/> چگونه کتابخوانی را همگانی کنیم

<https://digiato.com/article/2018/09/18/> به بهانه روز جهانی کتاب الکترونیک؛ بهترین

اپلیکیشن های کتابخوان برای موبایل

<https://www.isna.ir/news/93110301142/> مشکل کتاب چیست؟

<http://www.irna.ir/fa/News/82970889>

<https://www.yjc.ir/fa/amp/news/6065316>

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/09/01/923486/> نامهربانی - با - یار -

[/ampمهربان](#)

<https://fararu.com/fa/news/214386/> (تصاویر) چهره‌هایی که به کتابفروشی‌ها رفتند

<http://www.irna.ir/fa/News/82513734>

<https://fa.wikipedia.org/wiki/سانسور>

[https://fa.wikipedia.org/wiki/بنیاد آزادی خواندن](https://fa.wikipedia.org/wiki/بنیاد_آزادی_خواندن)

[https://fa.wikipedia.org/wiki/روز جهانی کتاب](https://fa.wikipedia.org/wiki/روز_جهانی_کتاب)

[https://fa.wikipedia.org/wiki/روز جهانی کتاب کودک](https://fa.wikipedia.org/wiki/روز_جهانی_کتاب_کودک)

[https://fa.wikipedia.org/wiki/روز جهانی کتاب و حق مولف](https://fa.wikipedia.org/wiki/روز_جهانی_کتاب_و_حق_مولف)

<https://fararu.com/fa/news/214273/> چرا ایرانیان کتاب نمی‌خوانند؟

[https://fa.wikipedia.org/wiki/سرانه مطالعه](https://fa.wikipedia.org/wiki/سرانه_مطالعه)





محمد نظری کند شمین

کارشناس ارشد روانشناسی

کارشناس امور بهزیستی

۰۹۱۴۳۵۴۲۳۲۸

<http://nazaribest.samenblog.com/>

<https://telegram.me/successmotivathion>

nazaribest@yahoo.com

<http://ketabesabz.com/authors/1505>

۱۳۹۸/۱۰/۱۲

